

البرق عجمي

تأليف شيخ صدوق

علي بن الحسين بن علي بن بابويه

مشهور بابويه

شيخ ترمذی



PRINCETON UNIVERSITY LIBRARY



32101 015593211

PRINCETON UNIVERSITY LIBRARY

This book is due on the latest date stamped below. Please return or renew by this date.

AUG 29 2012

Ibn Babawayh



کتاب الموعظ

تألیف

شیخ صدوق

میرزا محمد بن محمد بن علی بن بابویه «قلوبی»

ترجمہ از

عزیز اللہ عطار دی

انتشارات ہجرت

قم - صندوق پستی ۵۶

2271

.415

.354

این کتاب شریف از روی نسخه منحصراً
بفرد در کتابخانه « ناصریه » واقع در شهر
لکهنؤ از بلاد شمالی هندوستان عکس برداری
و چاپ شد .

میکروفیلم آن در کتابخانه خصوصی
مترجم - حاج شیخ عزیزالله عطاردی - وفقه الله
تمالی موجود است .



﴿ اهداء ﴾

به علامه مجاهد ومحقق بزرگوار، فقید سعید «میر حامد حسین»
نیشابوری مؤلف گرانقدر «عبقات الانوار» وفرزند دانشمندش مولانا سید
«ناصر حسین» مؤسس کتابخانه «ناصریه» و «شیعه کالج» لکهنو و
دو حفید عالیقدرش سرکار نصیر الملّة و حجّة الاسلام سید «محمد سعید سعید
الملّة» عبقاتی رضوان الله علیهم اهداء میگردد.

عزیز الله عطار دی

★ طبع عن النسخة الوحيدة المحفوظة لدى مكتبة الناصرية بلکهنو من بلاد
الهند و النسخة المصورة عن النسخة الاصلية موجودة في مكتبة المترجم

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

دین مقدس اسلام در قرن اول هجری از طریق کرمان و مکران (بلوچستان امروز) به ناحیه سند و از آن جا به هندوستان راه یافت ، مبلغین مسلمان و مجاهدین در اطراف و اکناف سند به تبلیغ احکام اسلامی مشغول شدند ، و مردمان این منطقه نیز مانند سایر اماکن و ولایات بزودی احکام قرآن را پذیرفته ، و در اندک زمانی ناحیه پنجاب نیز در قلمرو حکام مسلمین قرار گرفت .

و ایان مسلمان از قرن اول هجری تا اواخر قرن چهارم اکثر عرب بودند و از خلیفه عباسی در بغداد تبعیت میکردند ، در قرن چهارم خلفای فاطمی مصر و پادشاهان آل بویه نیز در آن نواحی نفوذ کردند و شروع بفعالیت نمودند ، تفصیل این حوادث را در کتب اسلامی شبه قاره هند و پاکستان ، مانند چیچ نامه و تاریخ فرشته و تحفة الکرام و غیر آن میتوان بررسی کرد .

مسلمانان ایرانی در هندوستان

غزنویان نخستین پادشاهان مسلمان فارسی زبان هستند که به

هندوستان رفتند ، و بابت پرستان به جنگ پرداختند و به تبلیغ احکام اسلامی مشغول شدند ، سلطان محمود غزنوی چند مرتبه به هندوستان لشکر کشید و تاجرات پیش رفت و شهر معروف «سومنا» را گرفت و بت خانه آن را ویران ساخت .

پس از غزنویون غوریان در هندوستان سلطنت مستقلى پایه گذاری کردند و دهلی را برای اولین بار مرکز حکومت اسلامی قرار دادند در زمان غوریان اسلام در نواحی شمالی هند پیش رفت شهرهای زیادی در تصرف حکام مسلمان قرار گرفت .

پس از غوریان چند نفر از غلامان آنها بنام شمس الدین التتمش و غیاث الدین بلبن در دهلی به سلطنت رسیدند ، و سپس چند تن از خلیجها و لودیها و فیر و زشاه و محمد تغلق حکومت را در دست گرفتند ، سر انجام در قرن نهم هجری ظهیر الدین محمد بابر به هند لشکر کشید و حکام محلی را بر افکند و سلطنت بزرگی تشکیل داد ، سلطنت تیموریان تا تسلط اروپائیان در هند دوام کرد .

در قرن دهم هنگامیکه سلسله صفویه در ایران سلطنت می کردند گروهی از ایرانیان مهاجر در هندوستان مرکزی و جنوبی حکومت های محلی تاسیس کردند ، و اینان عبارت بودند از : قطبشاهیان منطقه دکن و عادل شاهیان بیجاپور ، و عدل شاهیان احمد نگر این ایرانیان در حدود یکصد و پنجاه سال در جنوب هند سلطنت کردند و سر انجام بدست اورنگ زیب منقرض شدند .

پادشاهان نیشابوری در اود

در سال ۱۱۱۸ مردی بنام امیر محمد از سادات نیشابور از خراسان مهاجرت کرد و بطرف هند وستان رهسپار گردید و در دهلی اقامت گزید و مقام شایسته‌ای برای او در نظر گرفته شد .

پس از مدتی یکی از فرزندان او بنام «برهان‌الملک» ترقی میکند و در زمره رجال سیاست قرار میگیرد ، و از طرف پادشاه هندوستان بعنوان والی منطقه «اود» که امروز آن را «یوپی» میگویند تعیین میگردد ، هنگامیکه نادرشاه افشار به هند لشکر میکشد و دهلی را فتح میکند این مرد در دهلی بوده است ، در اثر شفاعت برهان‌الملک نادر امر میکند مردم کوچه و بازار را نکشند .

پس از اینکه سلطنت تیموریان در اثر مداخله و حيله اروپائیان تضعیف میگردد ، و دولت انگلستان تمام والیان و فرمانداران مناطق هند را بر ضد حکومت مرکزی تحریک میکند ، فرماندار منطقه اود نیز ارتباط خود را با دهلی قطع کرده و فرزندان برهان‌الملک بنام پادشاهان منطقه اود به حکومت خود ادامه میدهند ، و آخرین سلطان این خاندان بنام واجد علیشاه در سال ۱۲۰۲ هجری قمری که مصادف با سال ۱۸۸۲ میلادی بود بدست ارتش انگلستان اسیر شد و به کلکته تبعید گردید و در آن جا بطور اسرار آمیزی درگذشت .

مهاجرت علماء ایران به هندوستان

از عصر غزنویان تا پایان سلطنت تیموریان که تقریباً هشتصدسال طول کشید ، هزاران نفر فقیه ، محدث ، عارف ، شاعر ، سیاست مدار از

ایران به هند مهاجرت کردند و مناصب علمی، قضائی، و سیاسی را در دست گرفتند، و اکنون در شبه قاره هندوپاکستان هزاران مسجد مدرسه، مقبره، کتابخانه، زیارتگاه و خانقاه وجود دارد که از آثار این ایرانیان مهاجر میباشند، و صدها کتابخانه بزرگ که حاوی صدها هزار نسخه خطی در فرهنگ و معارف اسلامی تدوین شده در این کشور بزرگ وجود دارد.

در زمان سلطنت برهان الملک و فرزندان او در منطقه اودگره‌هی از اهالی نیشابور به هندوستان رهسپار گردیدند، در میان این گروه مهاجر جماعتی هم از سادات موسوی بودند، این سادات اکثر در بلاد شمال هندوستان و قصبات اطراف لکهنوساکن شدند، و به خدمات مذهبی و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام مشغول گردیدند، هم اکنون در ایالت یوپی و پنجاب و سایر نواحی هند جماعتی از همین سلسله موسویه اقامت دارند

میر حامد حسین نیشابوری مؤلف عبقات الانوار

علامه مجاهد بزرگوار میر حامد حسین نیشابوری قدس الله سره مؤلف بزرگ «عبقات الانوار» یکی از رجال عالیقدر شیعه و مدافع حقوق اهل بیت علیهم السلام در هندوستان بود، مرحوم میر حامد حسین برای تالیف کتاب عبقات الانوار مسافرت های زیادی به اطراف و اکناف انجام داد.

محقق مزبور مدت‌ها در حجاز، شام و عراق در کتابخانه ها به تحقیق و بررسی مشغول شد، و کتابهای زیادی استنساخ کرد و یا خریداری نمود، امروز کتابخانه آن مرحوم یکی از ذخائر بزرگ اسلامی است

کتابخانه نامبرده امروز در هندوستان بنام « کتابخانه فاصریه » معروف است ، زیرا فرزندش ناصر حسین آن را تاسیس کرده است .

مرحوم ناصر حسین ^(۱) نیز خود یکی از رجال بزرگ و محققین و مجاهدین عالیقدر بوده ، خدمات مذهبی آن مرحوم و تالیفات زیادی که از خود بیادگار گذاشته مبین کوشش های آن بزرگوار است ، از جمله آثار جاودانی سید ناصر حسین یکی همین کتابخانه است و دیگر تاسیس دانشکده شیعه در شهر لکهنو میباشد ، که سال گذشته پنجاهمین سال تاسیس آن را جشن گرفتند .

بعد از درگذشت سید ناصر حسین اداره امور کتابخانه و سرپرستی امور مذهبی جامعه شیعیان بدست فرزند ارجمند وی حضرت حجة الاسلام سید محمد سعید افتاد و او نیز در تکمیل کتابخانه و حفظ آثار پدران بزرگوارش کوشش میکرد ، و برای کتابخانه ساختمان مناسبی هم ساختند ، سید محمد سعید در سال ۱۳۴۶ هنگامیکه از دهلی به لکهنو مراجعت میکرد در نزدیک قصبه مرادآباد بین دهلی و رام پور در قطار سگته کرد و در دم جان سپرد ، جنازه آن مرحوم را در مقبره خانوادگی در مزار مرحوم قاضی نورالله شوشتری در آکره دفن کردند .

اکنون سرپرستی کتابخانه در اختیار حجة الاسلام سید علی ناصر سعید فرزند مرحوم سید محمد سعید است ، و این جوان برومند که

(۱) شرح حال مرحوم ناصر حسین و اجداد او در کتاب « سبیکه

اللجین فی احوال مولانا سید ناصر حسین ، بتفصیل آمده است و نسخه عکسی

آن در کتابخانه نگارنده موجود است .

شاخه‌ای نو رسیده از آن درخت کهنسال و پربرکت است در حفظ آثار اجداد خود میکوشد و معظم‌له نیز مانند پدر و جدش بسیار فعال و جدی است و امیدوارم خداوند به ایشان توفیق خدمت‌گذاری بیشتری بدهد .

مسافرت مترجم این کتاب به هندوستان

نگارنده برای تکمیل تاریخ خراسان و تحقیق و بررسی در کتابخانه های هند و پاکستان در سال ۱۳۳۵ رهپسار کشور مزبور شدم و مدت هشت ماه در آن کشور به تحقیقات خود ادامه دادم ، یکی از آن کتابخانه ها همین کتابخانه مورد بحث است ، از کتابخانه ناصریه در حدود چهار هزار صفحه کتاب خطی نایاب عکسبرداری کردم و امیدوارم بالطف خداوند و کمک مردمان باهمت بتوانیم از کتب نفیس این کتابخانه نسخه‌های زیادی را عکس برداری کرده و در اختیار اهل علم و تحقیق قرار دهیم .

کتابی ناشناخته از صدوق

در ضمن مطالعه و تحقیق در کتابخانه « ناصریه » رساله‌ای خطی از آثار شیخ صدوق رضوان الله علیه - نظر مرا جلب کرد ، کاتب نسخه کتاب را بنام « لئالی الغوالی » ضبط کرده بود ، و در فهرست کتابخانه نیز به همین عنوان ثبت شده است .

کاتب چون مشاهده کرده در آغاز نسخه نوشته شده : « وهذه لئالی غوالی و جواهر زواهر » پنداشته است که باید نام این کتاب

«لثالی الغوالی» باشد، و در فهرست آثار و تالیفات شیخ صدوق چنین کتابی بنظر نرسید، در آثار وی کتابی بنام «مواعظ» آمده است و نگارنده احتمال میدهد که باید همین رساله باشد، زیرا موضوع کتاب مورد بحث در مواعظ و نصایح است.

یکی از دلائل صحت انتساب این کتاب به شیخ صدوق این است که چند روایت با بیان و توضیح مؤلف بعنوان قال مصنف هذا الكتاب با همین روایت و بیان درمن لایحضره الفقیه و معانی الاخبار نقل شده که مادر محل خود آن را تذکر داده ایم، و نیز از سند چند روایت که مشایخ بلا واسطه صدوق در اول سند ذکر شده اند معلوم میگردد که این رساله باید از صدوق باشد. والعلم عندالله.

مختصری از حالات شیخ صدوق

محمد بن علی بن الحسین معروف به ابن بابویه و شیخ صدوق یکی از ستارگان فروزان و چهره های درخشان عالم تشیع است، این محدث جلیل القدر و خدمت گذار مکتب مقدس اهل بیت علیهم السلام در شهر مقدس قم (حرم آل محمد) علیهم السلام متولد شد.

شیخ صدوق در شهر مذهبی قم به تحصیل پرداخت و ابتدا در نزد پدرش که خود از محدثین و رجال بزرگ مذهب تشیع بود به فرا گرفتن معارف مشغول شد؛ و سپس در حوزه درس رئیس محدثین قم محمد بن حسن ابن ولید درآمد و از سرآمد شاگردان او گردید، و چون شیخ صدوق به دعای حضرت صاحب الزمان علیه السلام متولد شده بود از این رو مردم

قم اورا بسیار گرامی میداشتند .

مسافرت صدوق به بغداد

ابن بابویه همراه پدرش وارد بغداد شد ، با اینکه شیخ بزرگوار هنوز بسیار جوان بود مورد احترام رجال حدیث قرار گرفت ، و از گفتار نجاشی چنان پیدا است که در بغداد حوزه درس تشکیل داده و محدثین از وی اخذ حدیث میکردند ، و از این جا معلوم است که شیخ صدوق در ایام جوانی هم شاخص بوده و دارای مقامی ارجمند بوده است ، در هنگام اقامت بغداد ، مشایخ شیعه از وی بسیار تجلیل و تکریم کردند ، و از علوم و فضائل وی استفاده نمودند ،

اقامت صدوق در شهر ری

شیخ صدوق رضوان الله علیه بیشتر ایام زندگی را در شهر ری گذرانید و در این ناحیه فعالیت های علمی و خدمات مذهبی خود را انجام میداد ، در این زمان آل بویه درری حکومت میکردند و وزیر دانشمندی هم چون صاحب بن عباد بر این منطقه فرمان میراند .

سلاطین آل بویه و وزیرانش مذهب تشیع را ترویج میکردند و از علمای این مذهب حمایت و سرپرستی مینمودند ، و در ایام صاحب بن عباد علما و ادباء و دانشمندان از هر طبقه و صنفی بطرف ری که بزرگترین شهرهای مرکزی و غربی ایران در آن روز بود وارد میشدند و هر کدام منظوری داشتند و میخواستند در این عاصمه بزرگ علمی ، مذهبی و سیاسی برای خود جایی پیدا کنند .

این رفت و آمدها و بر خورد آراء و نظریات مختلف ایجاب میکرد که يك شخصیت لایق و برجسته در رأس جامعه شیعه قرار گیرد ، از این رو شیخ بزرگوار صدوق که از هر جهت شایسته مقام رهبری بود در این شهر اقامت گزید و از حدود و ثغور مذهب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با قلم و بیان دفاع کرد ، و شبهات را پاسخ گفت .

سرپرستی شیعیان خراسان

ابن بابویه مدتی به عنوان رهبر و مقتدای شیعیان خراسان در نیشابور اقامت گزید ، و از این رو وی را «وجه الطائفه بخراسان» نوشته اند ، محدث بزرگوار در نیشابور که مجمع فرق و مذاهب مختلف اسلامی و غیر اسلامی بود سالها اقامت نمود ، و در ترویج مذهب شیعه بسیار تلاش کرد ، و فکر تالیف کتاب «کمال الدین» در این شهر برایش پیدا شد و پس از مراجعت بهری آن را پایان داد .

مسافرت های علمی صدوق

شیخ صدوق مسافرت های دور و درازی در بلاد شرق و غرب اسلامی انجام داد ، و با محدثین بزرگ و رجال عالی قدر ملاقات کرد ، وی از شهر های سرخس ، مرو رود ، بلخ ، بخارا ، سمرقند ، ایلاق و فرغانه در خراسان و از بغداد ، مکه ، مدینه و فید دیدن کرد و با رجال حدیث آشنا شد و در تالیفات خود از این بلاد نام برده است .

ابن بابویه یکبار به بیت الله مشرف شده و دومر تبه هم بزیرت حضرت

رضا علیه السلام نائل گردیده و در روزه مطهره امام رضا صلوات الله علیه مجالس املاء حدیث تشکیل داده است ، وهم اکنون در امالی وی چند مجلس که در مشهد املاء کرده است دیده میشود ، و در مقدمه عیون الاخبار از مسافرت خود به مشهد امام رضا بازگو میکند .

وفات شیخ صدوق

شیخ بزرگوار پس از سالها فعالیت پی گیر و کوششهای خستگی ناپذیر بسال ۳۸۱ در شهری دیده از جهان بست . و از خود آثار بسیاری به یادگار گذاشت ، با اینکه بسیاری از تألیفات او از بین رفته ولیکن بازمانده آثار وی مبین زحمات طاقت فرسا و علاقه وی به حفظ آثار و مآثر اهل بیت علیهم السلام میباشد .

آثار صدوق مانند صفحه ای نورانی در جهان تشیع میدرخشد و در تمام قرون و اعصار مورد استفاده بوده و هست ، آرامگاه او هم اکنون در جوار حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام درری زیارتگاه شیعیان و دوستان اهل بیت میباشد .

از خداوند متعال آرزو مندیم مارا در ترویج مذهب مقدس اهل بیت علیهم السلام یاری فرماید ، و ما را در دنیا و آخرت از فیوضات و برکات آنها بهره مند سازد ، و در جوار محمد و آل محمد علیهم السلام جای دهد آمین یا رب العالمین .

در پایان از جناب حجة الاسلام آقای حاج آقا مهدی حائری تهرانی
که موجبات ترجمه و چاپ این اثر نفیس را فراهم آوردند سپاسگزاری
کرده و موفقیت روزافزون معظم له را در انجام خدمات علمی و نشر معارف
اهل بیت علیهم السلام از خداوند متعال خواستارم .

عزیز الله عطاردی

مسجد جواد - میدان ۲۵ شهر یور - تهران مورخ نوزدهم رمضان المبارک

۱۳۹۲ برابر با ۵/۱۸/۱۳۵۱ .

((کتابخانه حجتیه قم))

بسمه تعالی

با تأییدات خداوند متعال و توجهات حضرت بقیة الله الاعظم ولی عصر عجل الله تعالی فرجه کتابخانه حجتیه حوزه علمیه قم که با استجازه حضرت آیت الله العظمی فقید آقای حجت قدس سره و مساعی جمیله حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج آقا مهدی حائری طهرانی دام ظلّه و همت عالی عمده الاعظم آقای حاج هاشم آقای محبتی دام عزه در سال یکهزار و سیصد هفتاد یک قمری تأسیس گردیده است .

بمناسبت بیستمین سالگرد آن هیئت مدیره کتابخانه بمنظور احیاء آثار بزرگان دین و دانشمندان عالیقدر مذهب جعفری تصمیم گرفتند همه ساله چندین مجلد از کتب نفیس و ارزشمند علماء بزرگ شیعه که تاکنون بچاپ نرسیده از روی نسخه اصل با تصحیح کامل بطبع رسانیده و در دسترس فضلاء و دانشمندان قرار دهند .

اکنون اولین کتاب از سلسله انتشارات آن بنام «مواعظ» تألیف رئیس المحدثین محمد بن علی بن بابویه صدوق - رضوان الله علیه - که تاکنون به چاپ نرسیده ، و نسخه اصل آنرا دانشمند معظم جناب آقای حاج شیخ عزیز الله عطاردی از کتابخانه صاحب «عبقات الانوار» عکسبرداری کرده و خود آن را ترجمه نموده است ، چاپ و منتشر میگردد امید است مورد استفاده عموم قرار گرفته ، و با عنایت خاص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در انجام خدمات مذهبی موفق گردیم .

هیئت مدیره کتابخانه حجتیه

قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لوليّه ومستحقّه وأفضل الصلوة والسلام على أشرف خلقه
عجّ خاتم الأنبياء والمرسلين العظام، وعلى بضعتة الطاهرة وأوصيائه
المعصومين الكرام.

أما بعد فهذه لآلي غوالي و جواهر زواهر، وصايا خرجت من
عمان النبوة و معدن الرسالة، محلّ البركات الالهية ومنزل الرحمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش مخصوص خداوندیست که شایسته ستایش است، و بهترین
دورد و سلام بر بزرگترین و گرامترین مخلوقات، حضرت رسول اکرم
عجّ مصطفیٰ ﷺ که دفتر نبوت و رسالت به پیامبری او بسته شد،
و دورد بر پیامبران بزرگ و پاره تن او حضرت فاطمه زهرا و فرزندان
اوصیاء او باد که بزرگواران جهانند.

پس از حمد و درود، اینک سخنان پر مغز و سودمندی که هر

الغیر المتناهیة بالأصالة صلی الله علیه وسلم وعلی خلفائه الطاهرین ، أکرم البرایا علی الله و إلیه التقطاً^(۱) حلّ المشکلات و فیصل القضايا سیّدنا و مولانا امیر المؤمنین و إمام المسلمین علیّ بن أبیطالب صلوات الله و تسلیماته علیه وعلی عترته المعصومین فطوبی لمن وعاها و أوعاها خزّانة قلبه و مرحباً بمن سعی فی حفظها بمقتضى سلامة عقله و قلبه .

« وصایا رسول الله لامیر المؤمنین علیهما السلام »

روی حماد بن عمر؛ و أنس بن محمد عن أبیه جمیعاً ، عن جعفر بن محمد

یک به مانند مر و اریدهای درخشان و گوهرهای تابناک درخندگی دارند، و آن سخنان را از معدن نبوت و سرچشمه رسالت که از منبع فیوضات خداوندی و از جایگاه رحمت الهی یعنی نبی اکرم و فرزندان و اهل بیت آن حضرت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ افزوده گردیده است برای استفاده دوستان و افراد مؤمن به اهل بیت جمع آوری کرده ام .

این سخنان سودمند را امیر المؤمنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ فرا گرفته است ، خوشا به حال آن افرادی که این سخنان را فرا گیرند و در مغز خود جای دهند ، و آن را در امور دین و دنیای خود بکار بندند و از زندگی خود لذت ببرند .

﴿(وصایای حضرت رسول به امیر المؤمنین)﴾

حضرت صادق عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از پدرش از جدش روایت میکند که امیر المؤمنین

عن أبيه عن جدّه ، عن عليّ بن أبي طالب صلوات الله عليه عن النبيّ صلوات الله عليه وآله أنّه قال له :

يا عليّ أوصيك بوصيّة فاحفظها فلا تزال بخير ما حفظت وصيئتي .

يا عليّ من كظم الغيظ وهو يقدر على إمضائه أعقبه الله يوم القيمة أمنأ وإيمانأ يجد طعمه .

يا عليّ من لم يحسن وصيئته عند موته كان نقصاً في مروّته ولم يملك الشفاعة -

يا عليّ أفضل الجهاد من أصبح ولا يهتمّ بظلم أحد .

عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود : حضرت رسول صلوات الله عليه وآله در ضمن وصیت های خود چنین فرمودند :

ای علی به وصیت های من توجه کن ، همواره در خیر و سعادت خواهی بود تا هنگامیکه وصیت های مرا مورد عمل قرار دهی . هر کس از انتقام دست بکشد و از آن چشم ببوشد در صورتیکه قدرت بر انتقام داشته باشد ، خداوند روز قیامت او را در محل امنی قرار خواهد داد و مزه عفو را خواهد چشید .

هر کس در هنگام مرگ حدود وصیت را مراعات نکند ، و حقوق وراثت در نظر نگیرد ، و وصیت خود را کامل انجام ندهد در مردانگی او نقص بوده است ، و در روز قیامت به شفاعت ما نخواهد رسید .

بهترین جهاد برای آدم این است که چون صبح کرد و وارد جامعه شد همش این باشد که به هیچ فردی ستم روا ندارد و به حقوق احدی تجاوز نکند .

يا عليّ من خاف الناس لسانه فهو من أهل النار .

يا عليّ شرّ الناس من أكرمه الناس إتقاء شرّه .

يا عليّ شرّ الناس من باع آخرته بدنياه ، و شرّ من ذلك من باع

آخرته بدنياه غيره .

يا عليّ من لم يقبل العذر من منتصل صادقاً كان أو كاذباً ، لم ينل

شفاعتي .

يا عليّ إنّ الله أحبّ الكذب في الصلاح و أبغض الصدق في الفساد

يا عليّ من ترك الخمر لغير الله سقاه الله من الرّحيق المخبوم ،

آن انسانی که جامعه از زبانش آرامش نداشته باشند و مردم از

شر زبانش در امان نباشند این چنین آدمی از اهل آتش است .

بدترین مردم آن کسی است که مردم از ترس او را احترام کنند ،

تا از شرش در امان باشند .

بدترین مردم کسی است که آخرت خود را برای رسیدن به جاه

و منال دنیا بفروشد ، و بدتر از این آن انسانی است که آخرت خود

را برای دنیای دیگری بفروشد .

هر کس پوزش متجاوزین را چه در پوزش خود راستگو و یا

دروغگو باشند نپذیرد به شفاعت من نخواهد رسید .

خداوند دروغ مصلحتی را که برای اصلاح برادران ایمانی گفته

شود دوست دارد ، ولیکن راستی را که موجب فساد و دشمنی بین افراد

میشود دشمن میدارد .

هر کس شراب خوری و باده گساری را ترك کند ، ولو در ترك

فقال علي عليه السلام : لغير الله قال: نعم والله صيانة لنفسه ^(۱) يشكره الله على ذلك
يا علي شارب الخمر كما بد وثم .

يا علي شارب الخمر لا يقبل الله عز وجل صلواته أربعين يوماً فإن
مات في الأربعين مات كافراً .

قال مصنف هذا الكتاب يعني إذا كان مستحلاً لها .
يا علي كل مسكر حرام ، وما أسكر كثيره فالجرعة منه
حرام .

این کار رضایت خداوند را هم در نظر نگیرد، پروردگار او را از شراب سر
بمهر بهشتی سیراب خواهد کرد، علی عليه السلام فرمود: ترك عمل برای غیر خدا
هم چنین است ، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود : آری به خداوند سوگند
اگر برای حفظ جانش هم شراب نخورد، خداوند عمل او را تمجید میکند .
شراب خوار مانند بت پرست است، و خداوند اعمال شارب الخمر را
تا چهل روز قبول نمیکند ، و اگر در میان چهل روز بمیرد کافر مرده است .
مصنف کتاب - شیخ ابو جعفر صدوق رضوان الله علیه پس از نقل
این حدیث در این جا میفرماید: مقصود این است که شراب خوار خوردن
شراب را حلال بداند ^(۲) .

هر مست کننده ای که عقل را از آدمی ببرد حرام است ، و هر
چیزی که کثرت شرب او مست کننده باشد ، آشامیدن يك جرعه از

(۱) کذا و هكذا فی الفقیه .

(۲) این روایت را با همین بیان و تفسیر درمن لایحضره الفقیه ج ۴ صفحه

۲۵۵ نقل کرده است .

يا علي جعلت الذنوب كلها في بيت و جعل مفاتها شرب
الخمير .

يا علي يا تي على شارب الخمير ساعة لا يعرف فيها ربه عز وجل
يا علي ان ازالة الجبال الراسي اهورن من ازالة ملك موكل
لم تنقص ايامه .

يا علي من لم ينتفع بدينه ولادنياه ، فلا خير في مجالسته ، ومن
لم يوجب لك فلا توجب له ولا كرامة .

آن نیز حرام است .

تمام گناهان دريك خانه قرار گرفته اند ، كليد اين خانه آشاميدن
شراب است ، يعنى اگر آدمى شراب نوشيد مرتكب هر گناهی ميگردد
و هر فسقى از او سر ميزند .

بر شارب خمير لحظه ميگذرد که در آن حال خداوند را نميشناسد ،
يعنى در حال مستى از خداوند غافل است و مرتكب هر کارى ميشود
و هر معيصى را مرتكب ميگردد .

کوه‌هاى بلند و سر بر آسمان کشيده را ميتوان از جاى کند ،
وليکن زمامداريکه هنوز ايام حکومتش سپرى نشده و وقت مرکش
فرا نرسيده نميتوان از بين برد .

افراد يکيه براى دين و دنياى تو سودى ندارند با آنها هم نشيني
مکن ، و هر کس حقوق تو را مراعات نکرد لازم نيست او را احترام
کنى .

یا علیؑ ینبغی أن یکون فی المؤمن ثمان خصال : وقارٌ عند
الہزاهز ، وصبر عند البلاء ، وشکر عند الرخاء ، وقنوع بما رزقہ اللہ
عزّوجلّ ، ولا یظلم الأعداء ، ولا یتحامل علی الأصدقاء ، بدنہ منہ فی
تعب ، والناس منہ فی راحة .

یا علیؑ أربعة لا تردّ لهم دعوة : إمام عدل ، ووالد لولده ، والرّجل
یدعو لأخیه بظہر الغیب ، والمظلوم . یقول اللہ عزّوجلّ : وعزّتی وجلالی

افراد مؤمن باید دارای صفات هشت گانه ذیل باشند و در زندگی
خود آنها را مورد عمل قرار دهند :

در پیش آمدهای بزرگ و مصیبت‌ها وقار خود را از دست ندهند
و جزع و فزع نداشته باشند ، و در هنگام ابتلاء و گرفتاری شکیب
باشند ، و در موقع وسعت زندگی و گشایش کارها سپاسگزاری را مورد
نظر قرار دهند ، و به آنچه خداوند ارزانی داشته است قناعت کنند ،
و به دشمنان خود ستم روا ندارند ، و خود را بدوستان تحمیل نکنند
و از آنها انتظار بی جا نداشته باشند ، و ناراحتی‌ها را بر خویشان بگیرند ،
و مردم از دست و زبان او در امان و آسایش باشند .

چهار نفر هر چه از خداوند بخواهند مستجاب میگردد: پیشوای
عادل ، پدر برای فرزند ، مردیکه برای برادر دینی خود در پنهانی
بدون اطلاع او برایش دعا کند ، و کسی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته
باشد و به ظالم نفرین کند ، خداوند متعال میفرماید : به عزت و جلال
سوگند انتقام مظلوم را از ظالم خواهم گرفت ولو بعد از مدتی که از

لا تتصرن لك ولو بعد حين .

يا علي ثمانية إن أهينوا فلا يلومن إلا أنفسهم: الذاهب إلى مائدة لم يدع إليها ، والمتأمر على رب البيت ، و طالب الخير من أعدائه ، و طالب الفضل من اللثام ، والداخل بين اثنين وستر لم يدخله فيه ، والمستخف بالسلطان ، والجالس في مجلس ليس له بأهل ، والمقبل بالحديث على من لا يسمع منه .

يا علي حرّم الله الجنة على كل فحاش بذني لا يبالي ما قال ، ولا ما قيل له ،

ستم گذشته باشد .

هشت نفر اگر مرتکب اعمالی شدند و مورد اهانت قرار گرفتند باید خویشان را ملامت کنند: کسیکه بدون دعوت روی سفره غذا بنشیند ، دیگر آن کسی که به صاحب خانه فرمان دهد و او را امر و نهی کند ، کسیکه از دشمنانش انتظار خیر و یا کمک داشته باشد ، کسیکه از افراد پست فطرت تقاضای مساعدت کند ، کسیکه در میان سخنان دو نفر که پنهانی با هم سخن میگویند خود را داخل سازد ، کسیکه به زمامدار (عادل) بی اعتنا باشد ، کسیکه در مجلسی بنشیند و اهلیت آن را نداشته باشد ، و کسیکه برای مردم سخن بگوید در صورتیکه جمعیت در آن محفل به سخنان او گوش ندهند .

خداوند بهشت را به مردی که بد زبان و فحاش باشد و هر چه به زبانش آید بگوید حرام کرده است .

یا علیؑ طوبی لمن طال عمره وحسن عمله .
 یا علیؑ لا تمزح ، فیذهب بهاؤک ، و لا تکذب فیذهب نورک ، و
 إیاک و خصلتین الضجر و الکسل ، فانک إن ضجرت لم تصبر علی حقّ و
 إن کسلت لم تؤدّه .
 یا علیؑ لکلّ ذنب توبة إلا سوء الخلق ، فانّ صاحبه کلّمَا خرج
 من ذنب ، دخل فی ذنب آخر .
 یا علیؑ أربعة أسرع شیء عقوبة : رجل أحسنت إلیه فكفأک
 بالاحسان إساءة ، و رجل لا تبغی علیه و هو یبغی علیک ، و رجل عاهدته
 علی أمر فوفیت له و غدر بک ، و رجل وصل قرابته فقطعوه .

خوشابه حال آن مردی که عمرش به درازا کشد و کردارش نیکو باشد.
 مزاح نکن ، تا وقارت ازین نرود ، و دروغ نکو تا نور چهره ات
 محفوظ بماند ، و از دو خصلت دوری گزین : دل تنگی و تن آسائی ،
 اگر دل تنگ شدی در برابر حق شکبیا نخواهی شد ، و اگر تن آسائی
 پیشه کردی حق کسی را اداء نخواهی کرد .
 هر گناهی راه بازگشت دارد ، جز بد خلقی و تند خوئی ، آدم تندخو
 هر گاه از گناهی بیرون گردد ، در گناه دیگری فرو میرود .
 چهار عمل است که اگر انسانی مرتکب شد پاداش آن رازود درمیابد ،
 اگر به مردی نیکی کنی و او در برابر نیکی با تو بدی کند ، مردی
 که تو با او دشمنی نداری ولیکن او همواره با تو دشمنی دارد ، مردیکه
 با او هم پیمان شده ای و به عهد خود وفا کنی ولیکن او در برابر با تو
 مکر و خیانت کند ، و مردیکه با خویشاوندانش رفت و آمد داشته باشد

يا عليّ من استولى عليه الضجر رحلت عنه الراحة .

يا عليّ اثني عشرة خصلة ينبغي للرجل المسلم أن يتعلّمها على
المائة: أربع منها فريضة وأربع منها سنة ، وأربع منها أدب ، فأما الفريضة
فالمعرفة بما يأكل والتسمية والشكر ، والرضا ، فأما السنة فالجلوس على
الرجل اليسرى ، والأكل بثلاث أصابع وأن يأكل مما يليه ، و مصّ
الأصابع ، وأما الأدب ، فتصغير اللقمة والمضغ الشديد وقلّة النظر في
وجوه الناس وغسل اليدين .

وليكن آنها در عوض با او قطع رحم کنند .

هر کس گرفتار غم و اندوه شد آسایش از وی رخت بر میبندد .
مرد مسلمان باید دوازده دستور را هنگام نشستن سر سفره در نظر بگیرد
چهار دستور واجب و چهار تا مستحب و چهار تای دیگر از آداب بشمار
میروند ، اما چهار دستور واجب : به آنچه میخورد علم داشته باشد که
از کجا تهیه شده و چه گونه غذائی است ، و در هنگام غذا خوردن نام
خداوند را بر زبان جاری سازد ، و در برابر نعمت خداوند او را سپاس
گوید ، و رضایت صاحب خانه را در نظر بگیرد .

و اما چهار عمل مستحب : روی پای چپ به نشیند ، و از مقابل خود
غذا بخورد ، و انگشتان خود را بلیسد .

و اما چهار دستور دیگر اینکه : لقمه را کوچک بردارد ، و غذا را
درهان خوب بچود ، و به دیگران که غذا میخورند نگاه نکند ، و پس از
صرف غذا دست های خود را بشوید .

يا عليّ خلق الله عزّ وجلّ الجنة من لبنتين، لبنه من ذهب ولبنه من فضة وجعل حيطانها الياقوت و سقفها الزبرجد ، و حصاها اللؤلؤ ، و ترابها الزعفران و المسك ، ثم قال لها تكلمي فقالت : لا إله إلا الله الحي القيوم ، قد سعد من يدخلني .

قال الله جلّ جلاله : و عزّ تي و جلالتي لا يدخلها مدمن خمر و لا نمام ، و لا ديوث ، و لا شرطيّ ، و لا مخنث ، و لا نباش و لا عشار ، و لا قاطع رحم ، و لا قدرّي .

يا عليّ كفر بالله العظيم من هذه الامة عشرة : القنات و الساحر و الديوث ، و ناكح المرأة حراماً في دبرها ، و ناكح البهيمة ، و من نكح

خداوند متعال بهشت را از يك خشت طلا و هره آفريد ، ديوارهاي آن ياقوت و سقفش از زبرجد است ، ريگهاي آن مرواريد و خاكش از زعفران و مشك آفريده شده ، خداوند به بهشت امر كرد سخن بگويد بهشت گفت : نيست معبودي مگر آن خداوند زنده و برپادارنده كائنات ، خوشبخت است آنكسي كه در من فرود آيد .

خداوند متعال فرمود : به عزت و جلالم سوگند كه شارب الخمر ، و مردان بي غيرت ، و اعوان ظلمه كه بي جهت مردم را آزار ميدهند ، و مرداني كه خود را بصورت زنان در ميآورند و مورد استفاده مردان قرار ميگيرند ، و كساني كه نقش قبر ميكنند و كفن مردگان را اميبرند ، و كساني كه بعنوان مأمور حكومت از مردم اخاذي ميكنند ، و يا فرادي كه قطع رحم مينمايند ، و هم چنين كساني كه قدرتي باشند - يعني مفوضه .

ذات محرم ، والساعي في الفتنة و بايع السلاح من أهل الحرب ، و مانع الزكوة ، و من وجد سعة فمات و لم يحج .

يا عليّ لا وليمة إلا في خمسة: في عرس و خرس و عذار و وکار و ركاز فالعرس التزويج ، والخرس النفاس بالولد والعذار الختان والوکار في شراء الدار ، والركاز الرجل يقدم من مكّة .

قال مصنف هذا الكتاب سمعت بعض أهل اللغة يقول في معنى الوکار يقال للطعام الذي يدعى إليه الناس عند بناء الدار و شرائها الوکيرة والوکار منه ، والطعام الذي يتخذ للقدوم من السفر يقال له

ده نفر از این امت به خداوند کافر شدند ، و آنان عبارتند از : سخن چین ، جادوگر ، مرد بی غیرت ، مردان زناکار ، کسیکه با چهارپا درآمیزد ، کسیکه با محارم خود زناکند ، شخصیکه فتنه برانگیزد ، و به دشمنان مسلمان ها اسلحه جنگی بفروشد ، و زکوة ندهد ، و با استطاعت زیارت خانه خدا را ترک کند و بمیرد .

در پنج چیز باید ولیمه داد : در هنگام عروسی ، و در موقع تولد نوزاد ، و در وقت ختنه کودکان ، و در موقع ساختن خانه نو ، و هنگامی که از حج خانه خدا مراجعت میکنند .

مصنف کتاب - شیخ صدوق رضوان الله علیه میفرماید : از اهل لغت شنیدم میگفت : «وکار» به آن طعامی گفته میشود که در هنگام ساختن منزل و یا خریدن آن داده میشود ، که به آن «وکیره» هم میگویند ، و طعامی که در موقع آمدن از سفر میدهند به آن «نقیعه» و «رکاز» میگویند ، رکاز به معنی غنیمت است ، و چون مسافری که

النقيعة و يقال له : الركاظ أيضاً ، و الركاظ الغنيمة كأنه يريد أن في
اتخاذ الطعام للقدوم ، من مكة غنيمة لصاحبه من الثواب الجزيل و مند
قول النبي ﷺ الصوم في الشتاء الغنيمة المباركة (١)

يا علي لا ينبغي للعاقل أن يكون ظاعناً إلا في ثلاث : مرمة لمعاش
أو تزود لمعاد ، أو لذة في غير محرّم .

يا علي ثلاث من مكارم الاخلاق في الدنيا والآخرة : أن تعفو عمن
ظلمك ، و تصل من قطعك ، و تحلم عمن جهل عليك .

از مکه مراجعت میکند و از ثواب حج غنیمت و بهره گرفته است از
این رو به آن «رکاظ» هم گفته اند ، و از همین جا است که حضرت رسول
ﷺ فرمود : روزه داشتن در زمستان غنیمت مبارکی است (١) .

مرد عاقل باید جز در این سه طریق راه دیگری نرود ؛ اول دنبال
معاش خود را بگیرد ، دوم در فکر آخرت خود باشد ، سوم از لذت‌ها شروع
استفاده کند .

مکارم اخلاق در دنیا و آخرت سه چیز است : کسیکه بر توستم
کرده از وی درگذری ، و کسیکه ارتباط خود را با تو قطع کرده تو با وی
از در آشتی در آیی و ارتباط خود را با او برقرار سازی ، و کسیکه از
روی نادانی برای تو موجب ناراحتی فراهم آورده با بردباری از وی
درگذری .

(١) این روایت را با همین بیان در من لایحضره الفقیه ج ٣ صفحه ٢٥٦

و معانی الاخبار باب معنی الرکاظ نقل کرده است .

يا عليّ بادر بأربع قبل أربع: شبابك قبل هرمك ، وصحبتك قبل
سقمك ، وغناك قبل فقرك ، وحياتك قبل موتك .

يا عليّ كره الله عزّ وجلّ لأمتي العبث في الصلوة ، والمنّ في
الصدقة و إتيان المساجد جنباً ، والضحك بين القبور، والتطلع في الدّور
والنظر إلى فروج النساء لأنّه يورث العمى
وكره الكلام عند الجماع لأنّه يورث الخرس .
وكره النوم بين العشائين ، لأنّه يحرم الرزق .
وكره الغسل تحت السماء إلا بمزور .

از چهار چیز قبل از رسیدن چهار چیز دیگر هر چه زودتر استفاده
کن : از جوانی قبل از پیری ، از تندرستی پیش از اینکه بیمار گردی و
ناتوان شوی ، از ثروت قبل از اینکه فقیر و ناتوان گردی .
خداوند متعال اعمال ذیل را از امت من مکروه شمرده است ،
با خود مشغول شدن و عدم توجه در حال نماز ، و منت نهادن در صدقه ،
و انفاق ، و در حال جنابت وارد مسجد شدن ، و خندیدن در قبرستان ،
و نگرستن در خانه‌ها ، و نگاه کردن در عورت زنان که موجب کوری
میکردد .

وسخن گفتن در هنگام مقاربت با زنان که موجب گنگی می‌گردد،
و خوابیدن بین نماز مغرب و عشاء که موجب محروم شدن از روزی
میشود ، و غسل کردن در زیر آسمان بدون اینکه بدن خود را پوشیده
باشد ، و بدون ستر عورت در نهرها و رودخانه‌ها داخل شدن زیرا در
نهرها گروهی از فرشتگان سکونت دارند .

وكره دخول الأتهار إلا بمئزر فإن فيها سكناً من الملائكة .
 وكره دخول الحمام إلا بمئزر .
 وكره الكلام بين الأذان و الإقامة في صلوة الغداة .
 وكره ركوب البحر في وقت هيجانه
 وكره النوم في سطح ليس بمحجرّ و قال : من نام على سطح غير
 محجرّ ، فقد برئت منه الذمة .
 وكره أن ينام الرّجل في بيت وحده -
 و كره أن يغشي الرّجل إمراة و هي حايض فان فعل وخرج
 الولد مجنون أو به برص فلا يلومنّ إلا نفسه .
 وكره أن يتكلّم الرجل مجذوماً إلا يكون بينه وبينه قدر ذراع
 وقال ﷺ : فرّ من المجذوم كفرارك من الأسد .

بدون پوشش وارد حمام شدن ، و سخن گفتن بین اذان و اقامه
 در هنگام نماز صبح ، و هنگام موج و طغیان دریا مسافرت دریائی
 نمودن ، و خوابیدن در پشت بامی که نرده نداشته باشد ، و هر کس در
 سطح بامی که محجر نباشد بخوابد از ذمه من خارج است ، و خوابیدن
 به تنهایی در يك اطاق ، و مقاربت با زنان در حال حیض و اگر کسی
 مرتکب این عمل گردد و فرزند دیوانه و یا مبروص متولد شد باید
 خویشتن را ملامت کند .

مکره است بامردیکه مرض جذام دارد معاشرت و صحبت شود ،
 مگر اینکه بین آن دو به اندازه يك ذرع فاصله باشد و حضرت رسول
 ﷺ فرمود : از شخص جذامی فرار کن همانطور که از شیر فرار

وكره أن يأتي الرجل أهله وقد احتلم، حتى يغتسل من الاحتلام
 فإن فعل ذلك و خرج الولد مجنوناً فلا يلومن إلا نفسه .
 و كره البول على شطّ نهر جار .
 و كره أن يحدث الرجل تحت شجرة أو نخلة قد أثمرت .
 و كره أن يحدث الرجل و هو قائم .
 و كره أن يدخل بيتاً مظلماً إلا مع السراج .
 يا عليّ آفة الحسب الافتخار .
 يا عليّ من خاف الله عزّ وجلّ أخاف منه كلّ شيء و من لم يخف

میکنی ، و نیز مکروه است پس از احتلام با عیال خود مقاربت کردن
 و سزاوار است پس از اینکه غسل جنابت را انجام داد با زن خود
 هم بستر گردد .

اگر کسی قبل از غسل باز و جهاش درآمیزد و کودکی که از این
 نطفه متولد میگردد دیوانه به جهان قدم گذارد، این چنین شخصی باید
 خود را ملامت کند ، و مکروهست که آدمی در کنار نهر آب جاری قضاء
 حاجت کند ، و نیز مکروهست در زیر درخت میوه دار قضاء حاجت کردن
 و هم چنین است در حال ایستادن ، و نیز مکروهست انسان در حال
 قیام کفش خود را بپوشد و هم چنین وارد شدن در اطاق تاریک بدون
 چراغ مکروه میباشد .

آفت شرف و بزرگی فخر و مباهات است ، و اینکه انسان همواره
 به اصل و نسب خود مغرور باشد .

هر کسی از خداوند متعال بترسد ، همه اشیاء از وی خواهند

اللَّهُ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ .

يا عليّ ثمانية لا يقبل الله منهم الصلوة : العبد الآبق حتى يرجع إلى مولاه، والناشر وزوجها عليها ساخط ، ومانع الزكوة، وتارك الوضوء والجارية المدركة تصلي بغير خمار، وإمام قوم يصلي بهم وهم له كارهون والسكران والزنين وهو الذي لا يدافع البول والغائط .

يا عليّ أربع من كنّ فيه بنى الله له بيتاً في الجنة : من آوى اليتيم ورحم الضعيف، و أشفق على والديه و رفق بمملوكه .

ترسید و از او حساب خواهند برد ، و هر کسی که از خداوند واهمه نداشته باشد خداوند او را از هر چیزی خواهد ترسانید .

هشت نفرند که نماز آنها پذیرفته نیست : بنده‌ای که از مولایش فرار کرده باشد تا آنگاه که باز گردد ، زنیکه از اطاعت شوهر سر باز زند و شوهرش از وی رضایت نداشته باشد ، کسیکه زکاة مال خود را ندهد ، و دست و روی خود را نشوید ، و خویشان را تمیز نگاه ندارد ، دختریکه بالغ شده و بدون روپوش نماز بگذارد .

پیشواییکه بدون رضایت مردم بر آنها امامت کند و اقامه جماعت نماید ، و آدمیکه مست باشد ، و مردیکه مریض باشد و نتواند بول و غائط خود را نگهدارد .

هر کس این چهار خصلت را دارا باشد خداوند برای او خانه‌ای در بهشت میسازد : کسیکه یتیمی را جای دهد ، و ناتوانی را حمایت کند ، و به پدر و مادرش مهربانی نماید ، و به زیر دستانش با محبت رفتار کند .

یا علی ثلث من لقی الله عز وجل بهنّ فهو أفضل الناس: من اتى الله بما افترض علیه فهو من أعبد الناس ، و من ورع عن محارم الله ، فهو من أورع الناس ، و من قنع بما رزقه الله ، فهو من أغنی الناس .

یا علی ثلاث لا یطيقها هذه الامة: المواساة للآخ فی ماله، و إنصاف الناس من نفسه ، و ذکر الله علی کلّ حال ، و لیس هو سبحانه الله و الحمد لله ولا إله إلاّ الله و الله أكبر ، و لكن إذا ورد علی ما یحرم علیه خاف الله عز وجلّ عنده و ترکه .

یا علی ثلاثة إن أنصفتهم ظلموك : السفلة و أهلک و خادمک

هر کس با سه خصلت خداوند را ملاقات کند از بهترین مردم است : آنکس که واجبات خداوند را انجام دهد و از محرمات دست بکشد، و به آن چه خداوند داده قناعت کند، این چنین آدمی پرستنده ترین و پارسا ترین و بی نیاز ترین بندگان است .

این ملت توانائی انجام سه چیز را ندارد : مواسات با برادران ایمانی در ثروت و مالی که خدا به او داده ، و در مخصصات حق را به جانب طرف دادن و از خود گذشتن ، و در هر حال یاد خدا بودن ، و مقصود از ذکر خداوند این نیست که همواره زبانش مشغول به ذکر «لا اله الا الله» و امثال آن باشد ، بلکه مقصود از ذکر خدا این است هر گاه گرفتار حرام و معصیتی شد از خداوند بترسد و خود را از معصیت نجات دهد و مرتکب عمل حرام نکردد .

سه نفر اگر با آنان به عدالت رفتار کنی به تو ستم خواهند کرد : مردمان رذل و پست فطرت ، و اهل خانه ، و خدمت کار .

ثلاثة لا ينتصفون من ثلاثة: حر من عبد، وعالم من جاهل، وقوي من ضعيف.

يا علي سبعة من كن فيه فقد استكمل حقيقة الايمان و أبواب الجنة مفتحة له: من أسبغ وضوءه، وأحسن صلواته: وأدى زكوة ماله وكف غضبه، وسجن لسانه، واستغفر الله لذنبه، وأدت النصيحة لاهل بيت نبيه.

يا علي لعن الله ثلثة: آكل زاده وحده، وراكب الفلاة وحده، والنائم في بيت وحده.

يا علي ثلاث يتخوف منهم الجنون: التغوط بين القبور، والمشى في خف واحد، والرجل ينام وحده.

يا علي ثلاثة يحسن فيهن الكذب: المكيدة في الحرب، وعدتك زوجتك، والإصلاح بين الناس. وثلاثة مجالستهم تميم القلب: مجالسة الأثقال، ومجالسة الأغنياء، والحديث مع النساء.

سه نفر از سه نفر دیگر انتقام نمیگیرند: مرد آزاد از برده، وعالم از جاهل، وقوي از ضعيف.

هر کس دارای این هفت خصلت باشد به حقیقت ایمان رسیده و کامل شده است، و درهای بهشت بروی او بازگردیده: کسیکه وضوی خود را کامل کند، و نماز خود را با وجه نیکوئی ادا نماید، و زکوة مال خود را بدهد، و خشم خود را فرو برد، و زبانش را حبس کند، و از گناهانش استغفار نماید، و افراد خانه اش را نصیحت و اندرز دهد. خداوند سه تن را لعنت کرده: کسیکه توشه خود را به تنهایی

يا علي ثلاثة من حقائق الايمان : الانفاق من الاقتار ، و انصافك
الناس من نفسك ، وبذل العلم للمتعلم .

يا علي ثلاث من لم يكن فيه لم يتم عمله : ورع يحجزه عن
معاصي الله ، و خلق يداري به الناس ، و حلم يرد به جهل الجهال .

يا علي ثلاث فرحات للمؤمن في الدنيا : لقاء الاخوان ، و تفتير

بخورد ، و به تنهائی در بیابانها و کویرها به مسافرت پردازد ، و در يك
اطاق تنها بخوابد .

سه تن احتمال جنون در باره آنان میرود : کسیکه در قبرستان
قضاء حاجت کند ، و با يك لنگه کفش راه برود ، و تنها بخواب رود .
سه چیز دروغ گفتن در آنها نیکو است : مکر و حيله در جنگ ،
و وعده دادن به زن ، و اصلاح بين مردم ،

مجالست و هم نشینی با سه دسته از مردم دل رامییراند : هم نشینی
با مردمان پست ، مجالست با توانگران ، و سخن گفتن با زنان .
انجام سه عمل از حقائق ایمان است : انفاق در هنگام تنگدستی ،
و گذشت از خود در برابر مردم ، و بخشش علم و دانش برای کسیکه
طالب علم است .

هر کسی دارای این سه خصلت نباشد اعمالش تمام نخواهد شد :
ترسی که او را از نافرمانیهای خداوند باز دارد ، و اخلاقیکه بوسیله
آن با مردم مدارا کند ، و حلمیکه بوسیله آن نادانان را از خود دور
سازد .

سه چیز موجب خوشحالی مؤمن در دنیا است : دیدن برادران ،

الصائم ، والتهجد في آخر الليل .

يا علي أنهلك عن ثلاث خصال : الحسد والحرص والكبر .

يا علي أربع خصال من الشقاء : جمود العين ، و قساوة القلب ، و
بعد الأمل وحب البقاء .

يا علي ثلاث درجات ، و ثلاث كفارات ، و ثلاث مهلكات ، و ثلاث
منجيات :

فأما الدرجات : فإسباغ الوضوء في السبرات ، و انتظار الصلوة بعد
الصلوة ، و المشي بالليل و النهار إلى الجماعات . و أما الكفارات فإفشاء
السلام و إطعام الطعام ، و التهجد في الليل و الناس نيام .

و افطار روزه داران ، و نماز خواندن در آخر شب

از سه چیز تو را نهی میکنم : حسد ، حرص ، و تکبر ،

چهار خصلت موجب شقاوت آدمی میگردد : خشکی چشم ، و

تیرگی دل ، و آرزوهای دور و دراز ، و دوست داشتن زندگی در دنیا .

سه عمل موجب بلندی مقام انسان میشود ، و سه عمل موجب کفاره

گناهان آدمی میگردد ، و سه عمل موجب هلاکت و سه عمل موجبات نجات

انسان را فراهم میآورد ، اما آن اعمالیکه مقام را بالا میبرد ، و ضوی

کامل گرفتن در روزهای بسیار سرد ، و انتظار نماز دیگر بعد از انجام

نماز ، و در روز و شب در اجتماعات شرکت کردن .

و اما آن اعمالی که موجب کفاره گناهان میشود : بلند گفتن سلام ،

و خوردنیدن طعام ، و نماز گذاردن در شب هنگامیکه مردم در خواب

باشند ، و اما کارهاییکه آدمی را به هلاکت میرساند : بخلی که انسان

و أمّا المهلكات : فشح مطاع و هوى متبّع و إعجاب المرء بنفسه
و أما المنجيات : فخوف الله تعالى في السرّ و العلانية ، و القصد في
الغناء و الفقر ، و كلمة العدل في الرضا و السخط .

يا على لا رضاع بعد فطام ، و لا يتم بعد احتلام .

يا على سر سنتين برّ و الديك ، سر سنة صل رحمك ، سر ميلاً عد
مريضاً ، سر ميلين شيع جنازة ، سر ثلاثة أميال أجب دعوة ، سر أربعة أميال
زر أخاً في الله ، سر خمسة أميال أجب الملهوف ، سر ستة أميال انصر
المظلوم و عليك بالاستغفار .

را در اختيار خود بگيرد ، و هواى نفس كه انسان را به هر جا بكشاند ،
و خودبينى و از خود راضى بودن ، و كارهايي كه موجب نجات ميشود :
در آشكارا و نهان از خداوند بترسد ، و در هنگام بي نيازى و تهيدستى
ميانه رو باشد ، و در وقت خوشحالى و بدحالى سخنان عادلانه از زبانش
جارى شود .

از پدر و مادرت دلجوئى كن اگر چه بين تو و آنها دو سال راه
باشد ، و با خويشاوندان رابطه برقرار كن اگر چه يك سال با هم فاصله
داشته باشيد ، از مريض عيادت كن اگر چه يك ميل با او فاصله داريد ،
در تشييع جنازه شركت كن اگر به اندازه سر ميل با او دور باشيد .

دعوت برادر ايمانى را اجابت كن اگر چه فاصله شما و او چهار
ميل باشد ، بهديدن دوستان و برادران مسلمان خود برويد اگر چه پنج
ميل از هم دور باشيد ، بفرىاد درماندگان برسيد اگر چه شش ميل با او
فاصله داشته باشيد همواره از مظلوم يارى كن و استغفار بنما .

یا علی للمؤمن ثلاث علامات : الصلوة ، و الزکوة ، و الصیام ، و
للمتکلف ثلاث علامات : يتملق إذا حضر و یغتاب إذا غاب ، و یشمت
بالمصیبة .

وللظالم ثلاث علامات : یقهر من دونه بالغلبة و من فوقه بالمصیبة
و یظاهر الظلمة .

و للمرائی ثلاث علامات : ینشط إذا کان عند الناس ، و یکسل إذا
کان وحده ، و یحب أن یحمد فی جمیع أموره .

و للمنافق ثلاث علامات : إذا حدث کذب و إذا وعد أخلف ، و إذا
ایتمن خان .

مؤمن را سه علامت است : نماز گذاردن ، و زکات دادن ، و روزه
گرفتن ، اشخاص متظاهر و فریبکار سه علامت دارند : هر گاه با انسان
روبرو گردند چابلوسی میکنند ، و هر گاه دور باشند غیبت مینمایند ،
و اگر برای آدمی مصیبت و ناراحتی پیش آید شماتت میکنند .
ستمکاران را سه علامت است : زیردستان را آزار و اذیت میدهند
با افراد بالادست خود با نافرمانی زندگی میکنند ، و از ستمکاران پشتیبانی
مینمایند .

ریاکاران نیز سه علامت دارند ، هنگامیکه در نزد مردم حضور پیدا
میکنند از کارهای خود تمجید مینمایند و اظهار سرور و شادمانی میکنند ،
و هنگامیکه تنها بمانند اوقات خود را بکسالت میگذرانند و دوست دارند
که مردم پیوسته از آنان به نیکی یادکنند .

منافقین هم دارای سه علامت هستند ، سخنان دروغ و غیر واقع

یا علی تسعة أشياء تورث النسيان : أكل التفاح الحامض ، وأكل
الكزبرة والجبن ، و سؤر الفارة و قرارة كتابة القبور، والمشى بين امرأتين،
و طرح القملة و الحجامة في النقرة و البول في الماء الرّاكد .

یا علی العیش فی ثلاثة: دارقوراء نوراء ، و جاریة حسناء و فرس قباء .
قال مصنف هذا الكتاب سمعت رجلا من أهل المعرفة باللغة في الكوفة
يقول : الفرس القباء الضامر البطن يقال : فرس أقبّ و قبا لأنّ الفرس
یذکر و یؤنث ، و يقال للأنثى قباء لا غیر قال ذوالرّمّة .

حوله يوما تراقبه صحرا سما حیح في احسائها قیب
والصحر جمع أصحر و هو الذي يضرب لونه في الحمرة ، و هذا
اللون يكون في سمار الوحش و السما حیح الطوار و احد سمحج و القیب
الضمر .

یا علی والله لو أنّ الوضیع فی قبر برّ لبعث الله عزّ وجلّ إلیه ریحا

میگویند ، و هر گاه وعده بدهند انجام نمیدهند ، و هر گاه مورد امانت واقع
شدند و چیزی در نزد آنان گذاشته شد خیانت میکنند .

نه چیز انسان را گرفتار فراموشی میکند : خوردن سیب قرش
گشنیز ، پنیر ، نیم خورده موش ، خواندن سنگهای قبور ، راه رفتن
بین دوزن ، انداختن جانور از بدن ، حجامت روی ستون فقرات ،
و بول کردن در آب راکد .

زندگی دلپذیر در سه چیز است : منزل وسیع و روشن ، و جاریه
زیبارو ، و اسب چاپک و لاغر اندام .

به خداوند سوگند اگر مرد متواضع در ته چاه قرار گیرد ، خداوند

ترفعه فوق الأختيار في دولة الأشرار .

يا على من اتقى إلى غير مواليه، فعليه لعنة الله، ومن منع أجيراً
أجره فعليه لعنة الله ومن أحدث حدثاً أو آوى محدثاً، فعليه لعنة الله،
فقیل یا رسول الله: وما ذلك الحدث، قال: القتل .

يا على المؤمن من أمنه المسلمون على أموالهم ودمائهم والمسلم من
سلم المسلمون من يده ولسانه، والمهاجر من هاجر السيئات .
يا على أوثق عرى الإيمان الحب في الله، والبغض في الله .
يا على من أطاع امرأته أكبده الله عز وجل على وجهه في النار

متعال بادی را میفرستد و او را از قعر چاه بیرون میاورد و در دولت بد
کاران بالای نیکوکاران قرار خواهد داد .

چند نفرند که مورد لعنت و نفرین خداوند قرار گرفته اند :
کسیکه خود را بدروغ به غیر حسب و نسب خود نسبت دهد، کسیکه
مزد کارگران را ندهد، کسیکه حادثه ایجاد کند و یا حادثه آفرینان
را جای دهد، گفته شد: ای رسول خدا مقصود از «حدث» چیست؟
فرمود: کشتن (افراد بی گناه) .

مؤمن آن کس است که جان و مال مسلمان از دست وی در امان
باشد، و مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در
آرامش باشند، و مهاجر کسی را گویند که از گناهان دست بکشد .
محکمترین رشته ایمان دوستی در راه خدا و دشمنی برای رضای
خدا است .

هر کس از زنش اطاعت کند خداوند او را برو در آتش خواهد

فقال عليّ عليه السلام : وماتلك الطاعة؟ قال: يأذن لها في الذّهاب إلى الجماعات
و العرسات والنائحات و لبس الثياب الرّقاق .

يا عليّ إنّ الله تبارك و تعالی قد أذهب بالإسلام نخوة الجاهلیّة
وتفاخرها بآبائها ، ألا إنّ النّاس من آدم و آدم من تراب و أكرمهم عند الله
أتقاهم .

يا علی من السحت : ثمن المیتة و ثمن الكلب ، و ثمن الخمر ، و مهر
الزّانیة ، و الرّشوة فی الحکم ، و أجر الكاهن .

يا علی من تعلّم علما لیما ری به السفهاء أو یجادل به العلماء ، أو لیدعو
الناس إلى نفسه ، فهو من أهل النّار .

افکند ، علی عليه السلام فرمود : مقصود از اطاعت زن چیست ؟ حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود : مرد بزین خود اجازه میدهد در هر مجلسی شرکت
کند ، و به هر محفل نامناسبی برود ، و لباس نازک بپوشد و خود نمائی
کند .

خداوند متعال بوسیله اسلام غرور جاهلیت و افتخار به آباء و
اجداد را بر افکند ، مردم همگان از آدم هستند ، و آدم نیز از خاک
است ، گرامیترین مردم در نزد خداوند کسی است که پرهیزگار باشد .
چند چیز است که اجرت آن حرام است : بهای مردار ، سک
و خنزیر ، مهریه زن بدکار ، رشوه گرفتن در حکم ناحق ، و کاهن
و جادوگر که هر چه پول بگیرند حرام خواهد بود .

هر کس علم بیاموزد و نظرش این باشد که بانادانان لجبازی کند
و یا با دانایان مجادله نماید ، و یا مردم را بطرف خود جلب کند اینچنین

یا علی! إذا مات العبد قال الناس: ما خلف؟ وقالت الملائكة: ما
قدم؟

یا علی! دنیا سجن المؤمن، و جنة الكافر.

یا علی! موت الفجأة راحة للمؤمن و حسرة للكافر.

یا علی! أوحى الله تبارك و تعالی إلى الدنيا أخدمی من خدمنی و
أتعبي من خدمك.

یا علی! إن الدنيا لو عدلت عند الله تبارك و تعالی جناح بعوضة
لماسقى الكافر منها شربة ماء.

یا علی! ما أحد من الأولین و الآخیرین إلا وهو يتمنى يوم القيمة

آدمی از اهل آتش است.

هر گاه بنده ای بمیرد، مردم گویند: از خود در جهان چه گذاشته؟
ولیکن فرشتگان میگویند: قبل از خود چه فرستاده؟!.

این جهان برای مومن زندان است، و برای کافر مانند بهشت.
مرگ ناگهانی برای مؤمن راحتی و برای کافر موجب حسرت
و ندامت است.

خداوند برای دنیا وحی فرستاد بکسانی که به من خدمت میکنند
خدمت کن، و کسانی که بتو خدمت میکنند آن هارا در ناراحتی و مشکلات
قرار بده.

اگر این جهان باندازه يك بال مکس در نزد خداوند ارزش داشت
هر آینه يك جرعه آب هم از آن به کافر نمیداد.

تمام گذشتگان و آیندگان در روز قیامت آرزو میکنند که کاش

إنه لم يعط من الدنيا إلا قوتا .

يا على شرّ الناس من اتهم الله في قضائه .

يا على أتین المؤمن تسبیح وصیاحه تهلیل ، و نومه علی الفراش
عبادة ، و تقلبه من جنب إلى جنب جهاد فی سبیل الله ، فإن عوفی مشی ،
و ما علیه من ذنب .

يا على لو اهدى إلى كراع لقبلت ولودعيت إلى كراع لأجبت .

يا على ليس على النساء جمعة ولا جماعة ولا أذان ولا إقامة ، ولا
عیادة مریض ، ولا اتباع جنازة ، ولا هرولة بین الصفا والمروة ، ولا استلام

در دنیا بیش از احتیاج خود را نداشتند .

بدترین مردم آن کسی است که خداوند را در داوری هایش
متهم کند .

ناله‌های مریض مؤمن بمنزله تسبیح و تهلیل اوست ، و خوابیدن
او در بستر مرض مانند این است که خداوند را عبادت میکند ، و از این
پهلوی به آن پهلوی شدن مثل این است که در راه خداوند جهاد میکند ،
و اگر مردم مؤمن از مرض خود بهبودی حاصل کرد و در جامعه قدم گذاشت
گناهانش محو خواهد شد .

اگر به من تعدادی چهارپایه هدیه کنند میپذیرم ، و اگر به غذای
اندکی هم دعوت کنند قبول میکنم .

برای زنان شرکت در نماز جمعه و جماعت واجب نیست ، اذان
واقامه (با صدای بلند بطوریکه مردان بشنوند) روا نیست ، عیادت
مریضان ، و تشییع جنازه مردگان ، و هروله در بین صفا و مروره ، و استلام

الحجر، ولاحق، و لا تتولى القضاء، و لا تستشار، و لا تذبح إلا عند الضرورة، و لا تجهر بالتلبية و لا يقيم عند قبر، و لا تسمع الخطبة، و لا تتولى التزويج بنفسها، و لا تخرج من بيت زوجها إلا بإذنه، فإن خرجت بغير إذنه لعنه الله و جبرئيل و ميكائيل، و لا تعطى من بيت زوجها شيئاً إلا بإذنه، و لا تبیت و زوجها عليها ساخط و إن كان ظالماً لها.

يا على الإسلام عريان و لباسه الحياء، و زينته الوقار، و مروته العمل الصالح، و عماده الورع، و لكل شيء أساس، و أساس الإسلام حبنا أهل البيت.

يا على سوء الخلق شؤم، و طاعة المرءة ندامة.

حجر، و سر تراشی در منی از آنها برداشته شده است، زنان در امور قضائی نباید شرکت داشته باشند، و مورد مشورت قرار نمیگیرند، و جز در هنگام ضرورت حق ذبح گوسفند را ندارند.

با صدای بلند تلبیه نگویید، و در کنار قبری نباید بنشینید، و خطبه را نباید بشنود، و بدون ولایت پدرش نباید ازدواج کند، و بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون نرود، و اگر از خانه بیرون رفت فرشتگان او را لعنت میکنند، و بدون اجازه شوهر از مال او چیزی بدیگران ندهد، و شوهرش را همواره از خود راضی نگهدارد.

اسلام همانند مردی عریان است، حياء بمنزله لباس او، و قار زینت او، و عمل صالح مردانگی او و پرهیزگاری اساس زندگی اوست، هر چیز پایه ای دارد، و پایه اسلام محبت ما اهل بیت است.

بد اخلاقی شوم است، و اطاعت از زن موجب پشیمانی است،

يا على إن كان الشؤم في شيء في لسان المرأة .

يا على نجي المخفون .

يا على من كذب على متعمداً فليتبوا مقعده من النار .

يا على ثلاثة يزدن في الحفظ ، ويذهبن البلغم : اللبان و السواك

و قراءة القرآن .

يا على السواك من السنة و مطهرة للضم ، و يجلو البصر ، و يرضى

الرحمان و يبيض الأسنان ، و يذهب بالحفر^(۱) ، و يشد اللثة و يشهي

الطعام ، و يذهب بالبلغم ، و يزيد في الحفظ ، و يزداد الحسنات ، و تفرح

بالملائكة .

و اگر در چیزی شومی باشد همانا در زبان زن است ، و سبکباران نجات

پیدا کردند .

هر کسی بر من دروغ بندد جایگاه او پر از آتش خواهد شد .

سه چیز حافظه را زیاد میکند و بلغم را زایل میسازد ، کندر

خوردن و مسواک کشیدن ، و قرائت قرآن .

مسواک کشیدن سنت است ، دهان را پاک میکند ، و چشم را بینا

میسازد ، و خداوند را خوشنود مینماید ، و دندانها را سفید میکند ، بوی

دهان را زائل میسازد ، و لثه ها را محکم میکند ، و اشتها را زیاد

میگرداند ، و بلغم را میزداید ، و حافظه را زیاد میکند ، و نیکیهای را

زیاد مینماید ، و فرشتگان را خوشحال میسازد .

(۱) کذا و هكذا فی الفقیه و فی مکارم الاخلاق : « یذهب بالبخر ، و

هذا هو الصحيح .

یا علی النوم أربعة: نوم الأنبياء عليهم السلام على أقيمتهم ، ونوم المؤمنين على إيمانهم ، ونوم الكفار والمنافقين على يسارهم ، ونوم الشياطين ، على وجوههم .

یا علی ما بعث الله عزّ وجلّ نبياً إلاّ وجعل ذرّيته من صلبه و جعل ذرّيتي من صلبك ، ولولاك ما كانت لي ذرّية .

یا علی أربعة من قواصم الظهر : إمام يعصي الله عزّ وجلّ و يطاع أمره ، و زوجة يحفظها زوجها ، و هي تخونه ، و فقر لا يجد صاحبه مداوياً ، و جار سوء في دار مقام .

یا علی إنّ عبد المطلب سنّ في الجاهلية خمس سنن و أجزاها الله

خواب بر چهار گونه است ، پیغامبران به پشت میخوابند ، مؤمنین به دست راست میخوابند ، کفار و منافقین به طرف دست چپ میخوابند و شیاطین برو میخوابند .

خداوند ذریه هر پیغمبری را از نسل او قرار داده ، ولیکن ذریه مرا در صلب تو قرار داده است ، و اگر تو نبودی من ذریه ای نداشتم .
چهار چیز پشت آدمی را میسکند : پیشوائی که خداوند را معصیت میکند و مردم نیز ناچارند از وی اطاعت کنند ، زنیکه شوهرش از وی نگهداری میکند ولیکن او در عوض احسان شوهر به او خیانت مینماید شخص فقیری که برای رهائی از فقر چاره نداشته باشد ، و همسایه بدی که انسان در نزدیک او منزل دارد .

عبد المطلب در زمان جاهلیت پنج سنت را مورد عمل قرار داد ،

عزّ وجلّ له في الإسلام : حرّم نساء الآباء على الأبناء ، فانزل الله عزّ وجلّ
« ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم من النساء » ووحده كنزاً فأخرج منه الخمس
وتصدّق به فانزل الله عزّ وجلّ « واعلموا أنّ ما غنمتم من شيء فإنّ لله
خمسه وللرسول » الآية .

ولمّا حفر به زمزم سمّاها سقاية الحاجّ فانزل الله تبارك وتعالى
« أ جعلتم سقاية الحاجّ و عمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله و اليوم
الآخر » الآية .

وسنّ في القتل مائة من الإبل فأجرى الله عزّ وجلّ ذلك في الإسلام
ولم يكن في الطّواف عدد عند قريش ، فسنّ لهم عبدالمطلب سبعة أشواط

و خداوند آنها را در اسلام جاری کرد ؛ عبدالمطلب تزویج زنان
پدر را بر فرزند تحریم کرد ، و خداوند هم فرمود : زنان پدران خود را
تزویج نکنید ، عبدالمطلب گنجی را از زمین بر آورد و خمس آن را
بیرون کرد ، خداوند هم فرمود : ازهر غنیمتی که به شما رسید پنج یک
آن از آن خداوند و رسول است .

عبدالمطلب پس از اینکه چاه زمزم را حفر کرد ، او را برای
آشامیدن حجاج اختصاص دارد و خداوند هم درقرآن کریم فرموده :
آیا سیراب کردانیدن حجاج و ساختن مسجد الحرام را مانند کسیکه
به خداوند و روز قیامت ایمان آورده برابر میدانید .

عبدالمطلب دردیّه قتل صد شتر را معین کرد ، و خداوند هم در
اسلام همین عمل را مقرر ساخت ، پیش از او قریش درطواف خانه خدا

فأجرى الله عزّ وجلّ في الإسلام .

يا علی إنّ عبدالمطلب کان لا يستقسم با الأزلام ولا يعبدالأصنام
ولا يأکل ما ذبح علی النصب ، و يقول أنا علی دین ابي إبراهيم عليه السلام
يا علی أعجب الناس إيماناً و أعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر
الزمان ، لم يلحقوا النبي صلى الله عليه وآله و حجب عنهم الحجّة فأمنوا بسواد
علی بیاض .

يا علی ثلاثة يقسين القلب ، استماع اللّهُ ، و طلب الصيد و إتيان
باب السلطان .

يا علی لا تصلّ في جلد ما لا يشرب لبنه ، ولا يؤکل لحمه ، ولا

عده معینی را در نظر نمیگرفتند ، ولیکن عبدالمطلب طواف را درهفت
شوط قرار داد و در اسلام هم همین عدد معین گردید .

عبدالمطلب قمار بازی نمیکرد ، و بت نمیپرستید ، و از گوشت
گوسفندانیکه جلو بتها قربانی میشد میل نمیکرد ، و میگفت : من
بر دین پدرم ابراهیم عليه السلام هستم .

گروهی در آخر الزمان خواهند آمد که یقین و ایمان آنان موجب
شکفتی خواهد بود ، با اینکه آن جماعت پیغمبری را ندیده و حجت
ظاهری از آنها پوشیده شده است ، آنان فقط با دیدن آثار ایمان می -
آورند .

سه چیز موجب قساوت قلب میشود ، شنیدن لهویات ، و دنبال
شکار رفتن ، و به خانه حکام آمد و شد کردن .

تصل في ذات الجيش ولا في ذات الصلاصل ولا في ضجنان^(۱) .

يا على كل من البيض و ما اختلف طرفاه ، و من السمك ما كان له قشر ، و من الطير مارف و اترك منه ما وصف و كل من طير الماء ما كانت له قانصة ، أو صيصية .

يا على كل ذي ناب من السباع و مخلب من الطير فحرام لا تأكله .

يا على لا قطع في ثمر ، ولا كنز .

يا على ليس على زان عقر و لاحد في التعريض ولا شفاعة في حد ،

در پوست حیوانی که گوشت و شیر او خورده نمیشود نماز نکذار ، و در منطقه ذات الحیش و ذات الصلاصل و ضجنان نیز نماز نکذار .

از تخم پرندگانیکه برابر نیستند و دوطرف آن اختلاف دارند ، و ماهیانیکه دارای فلس هستند ، و پرندگانیکه در هنگام حرکت بالهای خود را حرکت میدهند بخورید ، و هم چنین از پرندگان دریائی آن هائیکه سنگدان دارند ، و یا در پای آنها گوشتی که مانند انگشت ابهام انسان است باشد خوردن آن مانعی ندارد .

هر حیوانی که دارای نیش باشد - مانند گرگ و شیر و سگ - و هر پرندهای که دارای چنگال باشد - مانند عقاب و کرکس - گوشت آن حرام است و نباید خورد .

زن زناکار صداق ندارد ، و در اجرای حدود شفاعت ، پذیرفته نمیشود ، و در قطع رحم سوگندموردی ندارد ، و بین فرزند و پدر وزن و

(۱) ذات الصلاصل موضع فی طریق مکه ، و « ضجنان » جبل فی ناحیه مکه .

ولا يمين في قطيعة رحم ، ولا يمين لولد مع والده ، ولا لامرأة مع زوجها ،
ولا لعبد مع مولاه ، ولا صمت يوماً إلى الليل ، ولا وصال في صيام ، ولا تعرب
بعد هجرة .

يا على لا يقتل والد بولده .

يا على لا يقبل الله تعالى دعاء قلب ساه .

يا على نوم العالم أفضل من عبادة العابد .

يا على ركعتين يصلِّيهما العالم أفضل من ألف ركعة يصلِّيها العابد .

يا على لا يصوم المرأة تطوُّراً إلا باذن زوجها ، ولا يصوم العبد إلا باذن

مولاه ، ولا يصوم الضيف تطوُّراً إلا باذن صاحبه .

يا على صوم يوم الفطر ، حرام ، وصوم يوم الأضحى حرام ، وصوم

مرد و برده و آقا سوگندی وجود ندارد ، و سکوت یکروزه جایز

نیست ، و صوم وصال و تعرب بعد از هجرت جایز نیست .

پدریکه فرزندش را کشته باشد کشته نمیشود ،

خداوند دعای مردی را که با غفلت اداء میکند نمیپذیرد ،

خواهیدن عالم از عبادت عابد جاهل بهتر است .

دو رکعت نماز که عالم اداء میکند از هزار رکعت که عابد جاهل

میخواند بهتر است .

زن بدون اذن شوهر نباید روزه مستحبی بگیرد ، و هم چنین

بنده بدون اذن مولایش و مهمان بدون اذن میزبانش نباید روزه مستحبی

داشته باشند .

روژه روز عید فطر ، و روز عید قربان ، و روزه وصال ، و روزه

الصّمت حرام ، وصوم نذر المعصية حرام ، وصوم الدّهر حرام .
يا علي في الزّناست خصال: ثلاث منها في الدّنيا و ثلاث منها
في الآخرة .

فأما التي في الدّنيا فيذهب بالبهاء ، و يعجلّ الفناء ، و يقطع
الرّزق

و أما التي في الآخرة فسوء الحساب ، و سخط الرّحمان ، و الخلود
في النار .

يا علي الرّبّ با سبعون جزءاً فأيسرها ، مثل أن ينكح الرّجل أمّه
في بيت الله .

يا علي درهم ربا أعظم عند الله عزّ و جلّ من سبعين زنية كلّها بذات

سكوت ، و روزه نذر معصيت ، و روزه در همه عمر حرام است .
در زنا شش خصلت میباشد که سه خصلت آن در دنیا گریبان
زانی را میگیرد ، و سه خصلت آن در آخرت ، اما سه خصلت دنیوی :
آبرو و حیثیت را میبرد ، و مرگ را زودتر میرساند ، و روزی را قطع
میکند و اما سه خصلت در آخرت : در محاسبه اعمال با او بد رفتاری
میکردد ، و موجبات خشم و غضب خداوند منان را فراهم میسازد ، و
در آتش جهنم جاودان میماند .
در ربا هفتاد گناه هست که آسانترین آنها مافند زناء با محارم
در خانه خداست .

يك درهم ربا در نزد خداوند بزرگتر است از هفتاد بار زنا با محارم
در خانه خدا .

محرم في بيت الله الحرام .

يا عليّ من منع قيراطاً من زكوة ماله ، فليس بمؤمن ، ولا بمسلم ،

ولا كرامة .

يا عليّ تارك الزكوة يسأل الله الرجعة إلى الدنيا ، وذلك قول الله

عزّ وجلّ : « حتّى إذا جاء أحدكم الموت قال ربّ أرجعون » الآية .

يا عليّ تارك الحجّ وهو مستطيع كافر ، يقول الله تبارك وتعالى :

« والله على الناس حجّ البيت من استطاع إليه سبيلاً ومن كفر فإنّ الله غنى

عن العالمين .

يا عليّ من سوّف الحجّ حتّى يموت ، بعثه الله يوم القيمة يهودياً

هرکس اندکی از زکوة مال خود را نپردازد ، این شخص در زمره

مسلمانان و مؤمنان نیست و هیچ ارزش و اعتباری ندارد .

تارك زکوة پس از مردن از خداوند درخواست میکند او را بار

دیگر بدنیا برگرداند ، و گفته خداوند در قرآن که : هرگاه یکی از

شما را مرگ دریابد میگوید : بار خدایا مرا برگردان ، اشاره به این

موضوع است .

کسیکه مستطیع شد و به حج نرفت کافر است ، خداوند میفرماید :

از طرف خداوند بر مردم واجب است که حج خانه خدا را بجا آورند

در صورتیکه استطاعت داشته باشند ، و هرکس پس از استطاعت این

فریضه را ترک کند (بر خود ستم کرده است) و خداوند از جهانیان

بی نیاز است .

هرکس حج را به تاخیر اندازد تا وقتیکه بمیرد ، خداوند او را

أو نصرانياً .

يا عليّ صدقة تردّ البلاء الذي قد أبرم إبراهيم .

يا عليّ صلة الرّحم تزيد في العمر .

يا عليّ افتتح بالملح و اختتم بالملح ، فإنّ فيه شفاء من إثنين و

سبعين داء .

يا عليّ لو قد قمت على المقام المحمود لشفعت في أبي و عمّي و أمي و

أخ كان لي في الجاهليّة .

يا عليّ أنا ابن الذبيحين .

يا عليّ أنا دعوة أبي إبراهيم .

روز قیامت یهودی و یا نصرانی مبعوث میگرداند .

صدقه دادن بلاى حتمی را دفع میکند .

صله ارحام و ارتباط با خویشاوندان عمر را زیاد میکند .

قبل از اینکه شروع کنی به غذا خوردن از نمک شروع کن و به

نمک ختم گردان ، در این عمل هفتاد دو مرض از شما دفع میگردد .

هرگاه در مقامیکه برایم در نظر گرفته شده قدم گذارم از پدر ،

مادر ، و عمو ، و برادریکه در زمان جاهلیت داشتم شفاعت خواهم

کرد .

من فرزند دو ذبیح (اسماعیل و عبدالله) هستم ، و من آن کسی

هستم که پدرم ابراهیم عليه السلام از خداوند بعثت او را طلب کرد عقل آن

چیزی است که بوسیله آن بهشت بدست آید ، و رضای پروردگار حاصل

شود .

یا علیّ العقل ما اكتسب به الجنة وطلب به رضی الرحمن .
یا علیّ إنّ أوّل خلق خلقه الله عزّ و جلّ ، العقل ، فقال له أقبل
فأقبل ، ثمّ قال له أدبر فأدبر ، فقال و عزّتی و جلالی ما خلقت خلقا هو
أحبّ إلىّ منک ، بك آخذ ، و بك أعطي و بك أئيب و بك أعاقب .
یا علیّ لا صدقة و ذو رحم محتاج .

یا علیّ درهم في الخضاب خیر من ألف درهم ينفق في سبیل الله ، و فيه
أربع عشر خصلة يطرد الریح من الأذنین ، و یجلو البصر و یلین الخیاشیم ،
و یطیب النکبة ، و یشدّ اللثة و یذهب بالصنان و یقلّ وسوسة الشیطان ،

اولین چیزی که خداوند آفرید عقل بود ، پس فرمود : روی آور
او هم روی آورد ، بعد فرمود : پشت کن ، او هم پشت کرد ، سپس فرمود .
به عزت و جلال خودم سوگند ، آفریده‌ای را دوست و نزدیک تر به
خود از تو نیافریدم ، مردم را بوسیله تو مورد مؤاخذة قرار میدهم و
آنان را به تو پاداش خواهم داد و یا عقاب خواهم کرد .
صدقه نفعی ندارد ، در صورتیکه یکی از ارحام انسان نیازمند
باشد .

یک درهم که در خضاب مصرف شود بهتر است از یک هزار درهم
که در راه خدا مصرف گردد ، در خضاب چهارده خصلت هست : باد را
از گوشها دور میکند ، و دیده‌گان را بینا میگرداند ، رگهای دماغ را نرم
مسیازد ، و بوی دهان را پاک میکند ، و لثه‌ها را محکم مینماید ، و بوهای
بدن را زائل میگرداند ، و وسوسه شیطان را کم میکند . فرشتگان و

و تفرح به الملائكة و يستبشر به المؤمن و يغيظ به الكافر ، وهو زينته و طيبه و يستحي منه منكر و نكير وهو براءة له في قبره .

يا علي لاخير في القول إلا مع الفعل ، و لا من المنظر إلا مع المخبر
و لا في المال إلا مع الجود ، و لا في الصدق إلا مع الوفاء و لا في الفقه إلا مع
الورع ، و لا في الصدقة إلا مع النية ، و لا في الحياة إلا مع الصحة و لا في
الوطن إلا مع الأمن و السرور .

يا علي حرّم [الله] من الشاة سبعة أشياء الدّم و المذاكير ، و المثانة
و النخاع ، و الغدد ، و الطحال ، و المرارة .

يا علي لا تماكسر في أربعة أشياء ، في شراء الأضحية و الكفن و النسمة

مؤمنین از آن خوشحال میشوند ، و کفار را به خشم میآورد ، خضاب
برای مرد زینت و پاکی است ، و نکیرو منکر از آن حیا و شرم میکنند
و خضاب سند برات او در قبر خواهد شد .

گفتاری کردار اثری و خیری در آن نیست ، نگرستن در چیزی
بدون اطلاع از آن فائده ای ندارد ، و مالی که در آن بخشش نباشد ،
و راستی که در آن وفا نباشد سودی ندارد : عفت بدون پرهیزکاری ،
و صدقه بدون نیت ، و زندگی بدون تندرستی ، و وطن بدون امنیت
و خوشحالی فائده و سودی برای انسان نخواهد داشت .

خداوند از گوسفند هفت چیز را حرام کرده است : خون ، مذاکیر ،

مثانه ، نخاع ، غدد ، طحال و مرارة .

در چهار چیز چانه نزنید : در خریدن قربانی ، کفن ، برده ، و

و الكراء إلى مكة .

يا عليّ ألا أخبركم بأشبهكم بي خلقاً ، قال : بلى يا رسول الله
قال : أحسنكم خلقاً و أعظمكم حلماً ، و أبرّكم بقربته ، و أشدّكم من
نفسه إنصافاً .

يا عليّ أمان لامتي من الغرق إذا ركبوا السفن ، فقرأ و : « بسم الله -
الرحمن الرحيم و ما قدر و الله حق قدره و الأرض جميعاً قبضته يوم القيمة
و السموات مطويات بيمينه سبحانه و تعالی عما يشركون بسم الله مجربها
و مرسيها إن ربّي لغفورٌ رحيم » .

يا عليّ أمان لامتي من الأسرق « قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمان أيّاما

اجرت چهارپائی که با آن به مکه می‌روید .

آیاشما را به شبیه‌ترین مخلوقات به خودم خبر ندهم ؟ فرمود :
آری ، حضرت رسول فرمود : آن که اخلاقی از همه بهتر و بردباریش
از همه بزرگتر ، و به خویشاوندانش مهربانتر ، و از هم‌مکان باگذشت‌تر
باشد .

امت من هرگاه سوار کشتی شوند و این آیه را بخوانند از غرق
شدن در امان خواهند بود : « و ماقد روالله » تا آخر .

امت من هرگاه این آیه را بخوانند از سرقت در امان خواهند
بود : « قل ادعوا الله » تا آخر .

امت من هرگاه این آیه را بخوانند از زیر آوارماندن در زلزله
در امان هستند : « ان الله یمسك » تا آخر آیه .

امت من هرگاه این ذکر را بخوانند از غم و غم نجات پیدا میکنند :

تدعوا فله الاسماء الحسنی، إلى آخر السورة .

یا علیّ امان لامتی من الهدم « إن الله یمسک السموات والأرض
أن تزولا لئن زالتا إن أمسکهما من أحدٍ من بعده إنّه کان حلیماً
غفوراً » .

یا علیّ امان لامتی من الهم « لاحول ولا قوّة إلاّ بالله لاملجاً ولا
منجاً من الله إلاّ إلیه » .

یا علیّ امان لامتی من الحرق « إن ولیّی الله الذی نزل الكتاب
و هو یتولّى الصّالحین وما قدر والله حقّ قدره » إلى آخر الآیة .
یا علیّ من خاف السباع فلیقرأ: « لقد جاءکم رسولٌ من أنفسکم

« لاحول ولا قوّة » تا آخر .

امت من هر گاه این آیه را بخوانند از سوختن در امان خواهند
بود: « ان ولیی الله » تا آخر .

هر کس از درندگان بترسد این آیه را بخواند: « لقد جاءکم رسول »
تا آخر سورة ،

هر کس مرکوب او را منگردد این آیه را در گوش راست او بخواند:
« وله أسلم » تا آخر .

هر کس از جادوگریا شیطان بترسد این آیه را بخواند: « ان -
ربکم الله » تا آخر .

هر کس در شکمش آب زرد پیدا شود بر شکمش آیه الکرسی

عزیزٌ علیه ما عنتم حریص» ، إلى آخر السورة .

یا علیّ من استصعب علیه دابّة فلیقرء فی أذنها الایمن: «وله أسلم من فی السموات و الأرض طوعاً و کرها و إلیه ترجعون» .

یا علیّ من کان فی بطنه ماء أضفر فلیکتب علی بطنه آیه الكرسی و لیشر به فإنه یرأ باذن الله عزّ و جلّ .

یا علیّ من خاف ساحراً أو شیطاناً فلیقرأ «إن ربکم الله الذی خلق السموات و الأرض» ، إلى آخر الآیه .

یا علیّ حقّ الولد علی والده أن یحسن إسمه و أدبه ، و یضعه موضعاً صالحاً ، و حقّ الوالد علی ولده أن لا یسمیه باسمه ، و لا یمشی بین یدیه ، و لا یجلس أمامه و لا یدخل معه الحمام .

یا علیّ ثلثة من الوسواس: أکل الطین ، و تقليم الأظفار بالأسنان و أکل اللحیة .

یا علیّ لعن الله والذین سملا و لدهما علی عقوقهما .

را بنویسد و بیاشامد خداوند او را شفامیدهد .

حق فرزند بر پدر این است که نام او را نیکو بگذارد ، و او را ادب بیاموزد ، و به مقام شایسته ای برساند ، و حق پدر بر فرزند این است که او را با نام صدا نزند ، و جاوتر از او راه نرود ، پیش روی او ننشیند و با او بحمام نرود .

سه چیز موجب وسوسه است: خوردن خاک ، و ناخن بدندان گرفتن و ریش خود را جویدن .

خداوند پدر و مادری را که موجبات عقوق فرزند خود را فراهم آورند لعنت کرده است .

يا عليّ يلزم الوالدين من عقوق ولدهما ما يلزم الولد لهما من عقوقهما .

يا عليّ رحم الله والدين حملا ولدهما عليّ برّهما .

يا عليّ من أحزن والديه فقد عقّهما .

يا عليّ من اغتیب عنده أخوه المسلم فاستطاع نصره فلم ينصره خذله الله تعالى في الدنيا والآخرة .

يا عليّ من كفی یتیما في نفقته بماله حتّى يستغني وجبت له الجنة البتّة .

يا عليّ من مسح يده علی رأس یتیم ترحمّاله ، أعطاه الله عزّ وجلّ

همان طور که فرزندان عاق والدين ميشوند ، والدين نیز عاق فرزندان خود ميگردند .

خداوند پدر و مادری را که فرزندان خود را به نیکي وادارند رحمت میکند .

هر کس پدر و مادرش را محزون کنندان ها را عاق کرده است .
هر کس در نزد او از برادر مسلمانی غیبت شود و او قدرت دفاع از آن را داشته باشد و دفاع نکند ، خداوند در دنیا و آخرت او را رسوا میکند .

هر کس یتیمی را سر پرستی کند و مخارج او را از مالش به پردازد تا آنگاه که بی نیاز گردد ، بهشت برای این چنین آدمی واجب میگردد .

هر کسی از روی احسان و محبت دست عطاوت بر سر یتیمی بکشد

بكل شعرة نوراً يوم القيمة .

يا علي لا فخر أشد من الجهل و لا مال أعود من العقل، و لا وحدة
أوحش من العجب و لا عقل كالتيدير، و لا ورع كالكتف عن محارم الله، و
لا حسب كحسب الخلق و لا عبادة مثل التفكر .

يا علي آفة الحديث الكذب، و آفة العلم النسيان، و آفة العبادة الفترة
و آفة الجمال الخيلاء، و آفة العلم الحسد .

يا علي أربعة يذهبن ضياعاً الأكل على الشبع، و السراج في القمر
و الزرع في السبخة و الصنعة عند غير أهلها .

يا علي من نسي الصلوة على فقد أخطأ طريق الجنة .

خداوند روز قیامت به تعداد هر موئی از سر آن کودك نوری به آن مرد عطا
خواهد کرد که در پرتو آن از تاریکیهای روز قیامت نجات پیدا کند .

فقری بدتر از نادانی، و ثروتی بالاتر از عقل، و تنهایی وحشت

آورتر از عجب و خودپسندی، و عقلی بهتر از تدبیر نیست، هیچ

پرهیزگاری مانند بازداشتن نفس از حرامها و از سخنان نابجا نیست،

شرفی بالاتر از حسن خلق و عبادتی مانند تفکر در امور نیست .

آفت سخن دروغ گفتن است، آفت علم فراموشی، آفت عبادت

فاصله انداختن، و آفت زیبایی تکبر و خودپسندی، و آفت حلم حسد است.

چهار چیز هدر میرود و از آن سودی حاصل نمیشود، خوردن

در هنگام سیری، و چراغ روشن کردن در ماهتاب، و کشاورزی در

زمین شوره زار، و کارنیک برای کسیکه اهلیت ندارد .

هر کس فراموش کند بر من صلوات بفرستد از طریق بهشت

یا علیؑ ایّاک و نقرۃ الغراب و فریسة الأسد .
 یا علیؑ لآن أدخل یدی فی فم التنین إلی المرافق أحبّ إلیّ من أن
 أسأل من لم یکن ثمّ کان .
 یا علیؑ إنّ أغنی الناس علی الله عزّ و جلّ القاتل غیر قاتله ، و
 الضارب غیر ضاربه و من تولّی غیر موالیه ، فقد کفر بما أنزل الله عزّ و جلّ .
 یا علیؑ تختّم بالیمن فإنها فضیلة من الله عزّ و جلّ للمقرّبین قال
 بما أتختّم یا رسول الله؟ قال بالعقیق الأحمر فإنه أوّل جبل أقرّ لله تعالی

بیراهه رفته است .
 از آنچه که کلاغ بر آن منقار زده و شیر آن را از هم پاره کرده
 است دوری کن .
 اگر دستم را در دهان افعی فروبرم ، بهتر است از شخصیکه اصالت
 نداشته و سپس صاحب ثروت و مال شده است سئوالی بکنم .
 سرکشترین مردم در نزد خداوند کسی است که غیر قاتل حقیقی
 و ضارب واقعی را بکشد و یا بزند ، هر کسی غیر از موالی حقیقی خود
 دیگری را دوست داشته باشد به قرآن منزل کافر شده است ، مقصود
 این است که در هنگام قصاص باید تحقیق کنند و قاتل و ضارب واقعی
 را بدست بیاورند و قصاص بگیرند .

در دست راست انکشتن قرار بده و این عمل برای مقرّبین در نزد
 خداوند فضیلت دارد ، علیؑ فرمود : چه چیز در انکشتن خود قرار
 دهم؟ حضرت رسول ﷺ فرمود : عقیق سرخ در انکشتن قرار بده ،
 زیرا وی نخستین کوهیست که به خداوند اقرار کرد و به نبوت من

با الرُّبُوبِيَّةَ وولي بالنَّبُوَّةِ ولك بالوَصِيَّةِ ، ولولدك بالإِمَامَةِ وشيعتك
بالجَنَّةِ ولأعدائك بالنار .

يا عليّ إنّ الله عزّ وجلّ أشرف على الدنيا فاختارني منها على
رجال العالمين ، ثمّ اطّلع الثانية فاختارك على رجال العالمين ، ثمّ اطّلع
الثالثة فاختار الأئمة من ولدك على رجال العالمين ، ثمّ اطّلع الرُّبُوبِيَّةَ فاختار
فاطمة على نساء العالمين .

يا عليّ إنّني رأيت إسمك مقرونا باسمي في أربعة مواطن ، فانت
بالنظر إليه ، إنّني لمّا بلغت بيت المقدس في معراجي إلى السماء وجدت
على صخرتها لا إله إلاّ الله محمّد رسول الله أُنِدته بوزيره ونصرته بوزيره ،
فقلت لجبرئيل : من وزيري فقال عليّ بن أبي طالب .

وصایت و امامت فرزندان گردن نهاد ، و نیز اقرار کرده که شیعیان تو
از اهل بهشت و دشمنان تو از اهل آتش هستند .

خداوند متعال به دنیا توجه کرد و مرا از میان آن برگزید ، و
بار دیگر توجهی کرد و تو را از میان مردان اختیار کرد و بار سوم
توجه کرد امامان از فرزندان را از میان مردان برگزید ، و مرتبه
چهارم توجه نمود فاطمه را بر زنان جهان اختیار کرد .

نام تو را در چهار جا با نام خود همراه دیدم ، و به آن انس
گرفتم ، هنگامیکه در شب معراج به بیت المقدس رسیدم ، دیدم در
« صخره » نوشته شده : « لا اله الا الله ، محمّد رسول الله » خداوند فرمود :
اورا تایید کردم و یاری نمودم بوسیله وزیرش ، پرسیدم ای جبرئیل
وزیر من کیست ؟ گفت : علی بن ابی طالب .

فلما انتهيت إلى سدرة المنتهى وجدت مكتوباً عليها : أنى أنا الله
لا إله إلا أنا وحدي محمد صفوتى من خلقي أيدته بوزيره ونصرته بوزيره
فقلت لجبرئيل : من وزيرى فقال: علي بن أبي طالب عليه السلام .
فلما جاوزت سدرة المنتهى إنتهيت إلى عرش رب العالمين جلّ
جلاله ، فوجدت مكتوباً على قوائمه أنى أنا الله لا إله إلا أنا وحدي ومحمد
حبيبي أيدته بوزيره ونصرته بوزيره .
فلما رفعت رأسي فوجدت على بطنان العرش مكتوباً لا إله إلا الله
أنا وحدي، محمد عبدي ورسولي أيدته بوزيره ونصرته بوزيره .
يا عليّ إنّ الله تبارك وتعالى أعطاني فيك سبع خصال أنت أوّل
من ينشق عنه القبر معي، وأنت أوّل من يقف على الصراط معي ، وأنت

و هنگامیکه به سدره المنتهی رسیدم دیدم در آن جا نوشته شده
منم خداوند که خدائی جز من نیست ، محمد برگزیده من از میان مخلوقات
منست ، اورا بوسیله وزیرش تایید و یاری کردم ، پرسیدم از جبرئیل که
وزیر من کیست ؟ گفت : علی بن ابی طالب .
پس از اینکه از سدره المنتهی گذشتم و به نزدیک عرش خداوند
رسیدم ، مشاهده کردم بر پایه های عرش نوشته شده است منم خداوندی
که جز من خدائی نیست ، و محمد دوست من است ، و اورا به وسیله وزیرش
تایید و یاری کردم .
خداوند متعال تورا در هفت خصلت با من برابر قرار داده است:
تو اولین فردی هستی که با من از قبر سر بر میاری ، و نخستین کسی
هستی که با من در کنار صراط توقف میکنی ، و اول فردی هستی که

أول من يسكن معي في عليين وأنت أول من يشرب معي الرحيق المختوم
الذي ختامه مسك .

ثم قال ﷺ لسلمان الفارسي رحمه الله عليه : يا سلمان إن لك في
علتك إذا اعتللت ثلاث خصال : أنت من الله تبارك وتعالى بذكر ودعاءك
فيها مستجاب ، ولا تدع العلة عليك ذنباً إلاّ متّعك الله بالعافية إلى
إنقضاء أجلك .

ثم قال ﷺ : لأبي ذرّ رحمه الله عليه : يا باذريّاك والسؤال فإنه

با من زنده ميشوى و با من لباس مپوشى ، و نخستين فردى هستى كه
با من از آشاميدنيهاى سر به مهر بهستى خواهى نوشيد .

سپس حضرت رسول ﷺ متوجه حضرت سلمان شدند و فرمودند:

ای سلمان هر گاه مریض شدی در هنگام مرض و کسالت خداوند سه نوع
توجه به تو دارد : همواره در نظر خداوند هستی ، دعای تو در هنگام
کسالت و مرض مستجاب میگردد و گناهاات آمرزیده میشود ، و تا
هنگام مرگ خداوند تو را از عاقبت برخوردار میکند .

سپس متوجه ابوذر شدند و فرمودند : ای ابوذر از سؤال کردن

دوری گزین ، زیرا در دنیا موجب ذلت و خواری میشود و انسان را
بفقر میکشاند ، و در روز قیامت حساب آدمی بطول می انجامد .

ای ابوذر توبه تنهایی زندگی میکنی و بتنهائی از جهان میروی ،

و به تنهایی داخل بهشت میگردی، گروهی از اهل عراق به خواطر تفسیل
و تکفین و تدفین تو خوشبخت خواهند شد، ای ابوذر بادست خود از کسی سؤال

ذلّ حاضر ، و فقر متعجل و فيه حسابٌ طويل يوم القيمة .
 يا أباذر تعيش وحدك وتموت وحدك وتدخل الجنة وحدك يسعد
 بك قوم من أهل العراق يتولون غسلك وتجهيزك ودفنك .
 يا أباذر لا تسلب بكفك وإن أتاك شيء ، فاقبله ثم قال صلى الله عليه وآله لأصحابه:
 ألا أخبركم بشراركم؟ قالوا بلى يا رسول الله قال : المشاؤون بالنميمة
 المفترقون بين الأحبة الباغون الغيب^(١) .

مواعظ رسول الله صلى الله عليه وآله

ومن ألقاظ رسول الله صلى الله عليه وآله الموجزة التي لم يسبق إليها : اليد
 العليا خير من اليد السفلى ما قيل وكفى مما^(١) الهی خیر الزاد التقوی ،

نکن و اگر چیزی بدستت رسید آن را بپذیر .
 پس از این حضرت رسول صلى الله عليه وآله روی خود را بطرف اصحاب
 کردند و فرمودند: از اشرار شما به شما خبری ندهم؟ عرض کردند: خبر دهید
 فرمود کسانی که در جامعه رفت و آمد میکنند و سخن چینی مینمایند ،
 و بین دوستان را تفرقه می اندازند ، برای افراد پاک و بی آرایش عیب -
 جوئی میکنند .

سخنان حضرت رسول (ص)

از سخنان حضرت رسول صلى الله عليه وآله که فرمود : دست بالا از دست
 پائین بهتر است ، آنچه کم باشد و کفایت کند از آنچه بیشتر باشد و
 مشغول نماید بهتر است ، بهترین توشه تقوی و پرهیزکاری است ،

(١) کذا بیاض فی الاصل .

رأس الحلم مخافة الله عز وجل ، خير ما ألقى في القلب اليقين ، الارتياب
من الكفر ، النياحة من عمل الجاهلية ، السكر جمر النار السمر من إبليس
الخمير جماع الاثام النساء . . . إبليس ، الشباب شعبة من الجنون شر المكاسب
كسب الربا شر المآكل أكل مال اليتيم ظلماً .

السعيد من وعظ بغيره ، الشقي من شقى في بطن أمه ، مصيركم إلى
أربعة أذرع ، أربا الربا الكذب ، سباب المؤمن فسوق ، قتال المؤمن كفر
أكل لحمه من معصية الله تعالى ، حرمة ماله كحرمة دمه .

ترسیدن از خداوند سرمایه حلم و بردباری است .

بهترین چیزی که در قلب جای میگیرد یقین است ، شك و تردید
از ناسپاسی و کفر است ، گریه کردن و نوحه سردادن بر مصائب از اعمال
زمان جاهلیت میباشد ، مستی از پاره های آتش جهنم است ، سرودن
شعر (گمراه کننده) از کارهای شیطان است ، شراب جامع همه
گناهان میباشد ، زنان دام شیطان هستند .

جوانی شعبه ای از دیوانگی است ، بدترین کسبها رباخواری
است ، بدترین خوردنیها خوردن مال یتیم است ، خوشبخت کسی است
که از غیر خودش پندگیرد ، بدبخت کسی است که از شکم مادر بد بخت
متولد شود ، عاقبت شما فرزندان آدم به جائیکه بیش از چهار ذرع نباشد
خواهد رسید .

از ربا بدتر دروغ است ، فحش و فاسزاکفتن به مؤمن فسق است ،
جنگیدن با مؤمن کفر است ، غیبت کردن مؤمن نافرمانی کردن خداوند
است ، احترام مال مؤمن مانند احترام خون اوست ، غیبت کردن مؤمن

من يكظم الغيظ بأجره الله ، من يصبر على الرزية يعوضه الله
الآن حمى الوطيس ، لا يلسع المؤمن من جحر مرتين ، ليس الخبر كالمعاينة .
اللهم بارك لامتي في بكورها يوم سبتها وخميسها ، المجالس بالأمانة
سيّد القوم خادمهم ، لو بغى جبلا على جبل لجعله الله دكا ، ابدأ بمن
تعول ، الحرب خدعة ، المسلم مرآة لأخيه ، البلاء موكل بالمنطق ،
الناس كأسنان المشط سواء .

معصيت خداوند است ، مال مؤمن مانند خون او محترم میباشد ، هر کسی
خشم خود را فرو برد خداوند به او پاداش میدهد ، هر آن کسی که در مصائب
صبر کند ، پروردگار به آن عوض خواهد داد .

اکنون تنور جنگ گرم شده است (شاید مقصود جنگ بانفس
و شهوات باشد) مؤمن دوبار دريك سوراخ فرو نمیرود ، یعنی باید
زرنك باشد و فریب نخورد ، شنیدن مانند دیدن نیست ، خداوند
برای امت من در سحرها برکت قرار داده ، مخصوصا روز شنبه و پنجشنبه
درهم نشینی با همدیگر مراعات امانت و راز نگهداری را بکنند ،
رئیس يك خانواده و عشیره در حقیقت خادم آنها است .

اگر کوهی بر کوه دیگر ستم کند ، خداوند آن کوه را متلاشی
میکند ، قبل از همه به افرادی که تحت کفالت تو هستند توجه کن ،
جنگ خدعه و نیرنگ است ، مسلمان در برابر برادر مسلمانش مانند
آینه است ، ابتلاء و گرفتاریهای زندگی از سخن گفتن برمیخیزد ، مردم
مانند دانه های شانه برابر هستند ، کدام مرض بدتر از بخل است ،

أيّ داء أدوء من البخل ، الحياء خير كلمة ، اليمين الفاجرة تهذر
الديار من أهلها بلاقع ، أعجل الشرّ عقوبة البغي ، أسرع الخير ثواباً
البر ، المسلمون عند شروطهم ، إنّ من الشعر لحكمة ، وإنّ من البيان
لسحراً ، ارحم من في الارض يرحمك من في السماء .
من قتل دون ماله فهو شهيد ، لا يحلّ للمؤمن أن يهجر أخاه
المؤمن فوق ثلاث ، من لا يرحم لا يُرحم ، النّدم توبة ، الولد للفراش

شرم و حياء بهترين كلمه است .

دروغ بد خانه ها را ويران ميكند ، و اجتماعات را پراكنده
ميسازد ، ستم كردن بدترين چيزي است كه آدمي زودتر به عقوبت
آن ميرسد ، و فيكي بهترين كاري است كه انسان زودتر نتيجه آن را
مشاهده ميكند ، مسلمانان اگر با همديگر معاهده و شرطي بستند
بايد به آن عمل كنند ، بعضي از اشعار حكمت آميز است و آدميان
را به اخلاق پسنديده و اميد دارد ، بعضي از بيانات سحر آميز است ، و
انساني را فريب ميدهد .

بامردمان روي زمين باعظوفت و مهرباني رفتار كن و آن كس كه
در آسمان ها است با تو مهرباني خواهد كرد ، هر كس كه در راه دفاع از
مالش كشته شود در زمره شهداء محسوب ميگردد .

اهل ايمان نبايد بيش از سه روز برادران ايماني خود را ترك گویند
و اگر بين آنان كدورتی پيدا شده بايد هر چه زود تر آشتی كنند ، هر
كس بدديگران رحم نكند ، مورد محبت ديگران قرار نخواهد گرفت ،
پشيماني از گناه و معصيت بمنزله توبه و باز گشت است .

وللعاهر الحجر ، الدال على الخير كفاعله ، حبك للشيء يعنى ويصم
لا يشكر الله من لا يشكر الناس ، لا يؤدى الضالة إلا الضال ، اتقوا
النار ولو بشق تمره ، الأرواح جنود مجنّدة فما تعارف منها ائتلف
وما تناكر منها اختلف .

السفر قطعة من السقر ، الناس معادن كمعادن الذهب والفضة ،
صاحب المجلس أحقّ بصدر مجلسه احتوا في وجوه المدّاحين التراب ،
استنزلوا الرزق بالصدقة .

نوزاد متعلق به صاحب فرائض استوزنا کار را باید با سنگ دور کرد
هر کس مردم را بطرف خیر و سعادت دعوت کند مانند آن است که خود آن
افعال نیک را انجام داده باشد ، اظهار علاقه و محبت مفرط به یک چیزی
آدمی را کور و کر میکند .

کسیکه از خداوند شاکر نباشد و او را در برابر لطف و احسان
سپاسگزاری نکند شکر مردم را نیز انجام نمیدهد ، زن گمراه را جز
مرد گمراه جای نمیدهد ، از آتش جهنم بترسید و لوبا انفاق نصف خرما
باشد .

جانهای آدمیان چون افراد لشکر همدیگر را در بردارند ، آنها
که همدیگر را میشناسند باهم انس میگیرند ، و آنهائیکه بایکدیگر
شناسائی ندارند باهم رفت و آمد نمیکنند .

مسافرت نمونه از جهنم است ، به جهت ناراحتی هائیکه در سفرها
پیش میاید و انسان معذب میشود ، آدمیان مانند کانهای طلا و نقره

ادفعوا البلاء بالدعاء ، جبلت القلوب على حب من أحسن إليها
وبغض من أساء إليها ، ما نقص مال من صدقة ، لاصدقة وذو رحم محتاج ،
الصحة والفراغ نعمتان مكفورتان عفو الملك أبقى للملك ، هيبة الرجل
لزوجه تزيد في عفتها ، لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق .

شیخ من اهل الشام مع أمير المؤمنين علیه السلام

وروی لی محمد بن ابراهیم بن اسحاق رضی الله عنه عن أحمد بن محمد

هستند ، صاحب مجلس شایسته است در صدر مجلس بنشیند ، به صورت
چاپلو سان وستایشکران خاک بیاشید ، بوسیله صدقه دادن روزی خود
را زیاد کنید .

به سبب دعا بلاهای نازله را دفع کنید ، دلهای آدمیان و جانوران
بطور طبیعی بطرف کسانی که با آنها نیکی میکنند متمایل میباشند ، و
هم چنین دشمن میدارند آن کسی را که با آنان دشمنی میکند ، هیچ مالی
از صدقه دادن نقصان پیدا نمی کند .

در صورتیکه انسان دارای ارحام و خویشاوندان محتاج و فقیر
باشد نمی تواند صدقه خود را بدیگران بدهد . تندرستی و آسایش دو
نعمتی است که قدر آن دانسته نمیشود ، در گذشت و عفو سلطان از تبه
کاران موجب بقاء سلطنت میگردد .

تسلط و قدرت مرد در خانه موجب زیادی عفت زن میگردد ، اطاعت
مخلوق در جائیکه موجب سخط خداوند متعال باشد جائز نیست .

سؤالات مرد شامی از امیر المؤمنین (ع)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش از حضرت امام حسین

ابن سعید الهمدانی قال : حدَّثنا الحسن بن القاسم قراره قال حدَّثنا
عبدالله بن بكر المرادي عن موسى بن جعفر عن أبيه عن جدّه عن علي
ابن الحسين عن أبيه عَلَيْهِ السَّلَامُ قال : بينا أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ ذات يوم جالس
مع أصحابه يعبئهم للحرب إذا أتاه شيخ عليه شجة السفر فقال أين
أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟ فقال هو ذا فسلم عليه ثم قال يا أمير المؤمنين
إني أتيتك من ناحية الشام وأنا شيخ كبير قد سمعت فيك من الفضل
ما لا أحصي وإني أظنك ستغتال فعلمني ما علمك الله .

سلام الله عليه روایت میکند که یکی از روزها امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ با
گروهی از یاران خود نشست و آنها را برای جنگ آماده میکرد ، در
این هنگام پیرمردی که گرد و غبار سفر در چهره اش بود وارد شد .
مرد مسافر پرسید : امیر المؤمنین کجا است ؟ حضرت را به آن
مرد نشان دادند ، او سلام کرد و بعد گفت : یا امیر المؤمنین من از طرف
شام میام و پیرمرد هستم ، شنیده ام در وجودت فضائل بسیاری هست ، و
من گمان می کنم که بزودی کشته خواهی شد و اینک آن چهره خداوند
به تو تعلیم داده به من تعلیم فرما .

حضرت فرمود : آری ای پیرمرد هر کس دو روزش مساوی باشد
در زندگی خود زیان دیده است ، و هر کس کوشش خود را برای رسیدن
به دنیا متمرکز کند از ادبار دنیا حسرت خواهد خورد ، و هر آن کس که
دوروز از ایام زندگیش در شر و فساد بگذرد از مواهب الهی محروم
می گردد .

هر کس به امور آخرت بی اعتنا باشد و از دنیائی که به او رو آورده

قال : نعم يا شيخ من اعتدل يوماه فهو مغبون، ومن كانت الدنيا همته ، اشتدَّت حسرته على فراقها ومن كان عنده شرٌّ يوميه فهو محروم ومن لم يبال بما زوى من آخرته إذا سلمت له دنياه ، فهو هالك، ومن لم يتعاهد النقص من نفسه غلب عليه الهوى .

يا شيخ إرض للناس ما ترضى لنفسك ، وايت للناس ما تحب أن يؤتي إليك ، ثم أقبل على أصحابه فقال: أيها الناس أما ترون أن أهل الدنيا يمسون ويصبحون على أحوال شتى فينصرع يتلوّى وبين عائد ومعود وآخر بنفسه يجود ، وآخر لا يرجي وآخر مسجى وطالب

استفاده کند و توجه نداشته باشد که از کجا بدست میاورد این چنین آدمی از تبه کاران بشماراست ، کسیکه به نواقص اخلاقی واجتماعی خود متوجه نباشد ، هوای نفس بر او غلبه خواهد کرد .

ای پسر مرد برای مردم به پسند آن چه را برای خود میپسندی، و با مردم آن طور رفتار کن که میل داری مردم با تو آن گونه رفتار کنند، پس از این امیر المؤمنین عليه السلام صورت خود را متوجه یارانش کرد و فرمود :

ای مردم مگر مشاهده نمی کنید که اهل دنیا باحالات مختلف صبح را به شب و شب را به روز میاورند ، یکی زمین میخورد و از درد بر خود می پیچد و دیگری از وی عیادت میکند و از دیدن رنج بیمار ناراحت میگردد ، یکی از فرط ناراحتی و شدت مرض با جان خود تلاش میکند و دیگری امید بزندگی ندارد ، و یکی در بستر مرض افتاده و نزدیک است جان دهد، یکی طالب دنیا است در صورتیکه مرگ

الدنيا والموت يطلبه، وغافل وليس بمغفولٍ عنه ، وعلى اثر الماضي
يصير الباقي .

حديث زيد بن صوحان مع أمير المؤمنين عليه السلام
فقال زيد بن صوحان العبدی: یا أمير المؤمنين أيّ سلطان أغلب
وأقوى قال: الموت .

قال : فأیّ ذلّ أذلّ؟ قال: الحرص على الدنيا .
قال : فأیّ فقر أشدّ؟ قال : الكفر بعد الايمان .
قال : فأیّ دعوة أذلّ؟ قال : الدّاعي ، ما لا يكون .

او را دنبال میکنند ، و دیگری غافل از همه چیز همواره در تلاش است
در صورتیکه از دید حقیقت هرگز دور نبوده است .

سؤالات زید بن صوحان از امیرالمؤمنین (ع) :

زید بن صوحان عبدی عرض کرد : یا امیر المؤمنین کدام سلطان
قوت و قدرتش بیشتر است ؟ فرمود : مرگ .

عرض کرد : کدام چیز ذلتش بیشتر است ؟ فرمود : حرص بر جمع
مال دنیا .

عرض کرد : کدام فقر از همه سخت تر است ؟ فرمود : کفر بعد
از ایمان .

عرض کرد : کدام دعوت از همه گمراه تر است ؟ فرمود : کسیکه
مردم را بطرف موهومات دعوت میکند .

قال : فأَيُّ عملٍ أفضل؟ قال : التَّقوى .
 قال : فأَيُّ عملٍ أنجح؟ قال : طلب ما عند الله عزّ وجل .
 قال : فأَيُّ صاحبٍ لك شر؟ قال : المزيّن لك معصية الله .
 قال : فأَيُّ الخلق أشقى؟ قال : من باع دينه بدنياه غيره .
 قال : فأَيُّ الخلق أقوى؟ قال : الحليم .
 قال : فأَيُّ الخلق أشح؟ قال : من أخذ المال من غير حله فجعله...^(١)

عرض کرد : کدام عمل افضل است ؟ فرمود : پرهیزکاری .
 عرض کرد : کدام عمل رستگاریش بیشتر است ؟ فرمود : طلب کردن
 از آنچه در نزد خداوند است .
 عرض کرد : کدام مصاحب از همه بدتر است ؟ فرمود : آن که
 معصیت‌ها را در نظر انسان جلوه دهد و آدمی را به نافرمانی خداوند
 وادارد .
 عرض کرد : کدام يك از مردم شقاوتش بیشتر است ؟ فرمود :
 کسیکه دین خود را به دنیای دیگری بفروشد .
 عرض کرد : کدام يك از مخلوقات از همگان نیرومندتر است ؟
 فرمود : آن کس که بردباریش از همه بیشتر است .
 عرض کرد : کدام يك از مردم بخشنده‌تر است ؟ فرمود : آن
 کسیکه از راه حرام مالی بدست آورد ...

(١) کذا بیاض فی الاصل .

قال : فأَيُّ النَّاسِ أَكْبَسُ ؟ قال من أبصر رُشدَه من غيِّه فَمالٌ إلى رُشدِه .

قال : من أحلم النَّاسِ ؟ قال : الَّذي لا يَغضبُ .

قال : فأَيُّ النَّاسِ أَثْبَتُ رَأْيًا ؟ قال : من لم تَغرَّه النَّاسُ من نَفْسِه ولم تَغرَّه الدُّنْيَا بِتَشوقِها .

قال : فأَيُّ النَّاسِ أحمقٌ ؟ قال : المَغترُّ بالدُّنْيَا وهو يرى ما بها من تَقَلُّبِ أحوالِها .

قال : فأَيُّ النَّاسِ أَشدُّ حَسرةً ؟ قال : الَّذي حرَّم الدُّنْيَا والآخِرَةَ ذلك هو الخسران المَبِينُ .

عرض کرد : کدام يك از مردم زرنگیش بیشتر است ؟ فرمود : کسیکه به حالات خود بنگرد و رستکاری خود را از گمراهی درک کند و بنگرد راه سعادت در چیست و بطرف آن گرایش پیدا کند .

عرض کرد : کدام يك از مردم ثبات رأی بیشتری دارند ؟ فرمود : کسیکه فریب مردم را نخورد و دنیا نیز بازرق و برق خود او را از راه بیرون نکند .

عرض کرد : کدام يك از مردم از همه نادان ترند ، فرمود : کسیکه گول دنیا را بخورد ، در صورتیکه مشاهده میکند دنیا با دیگران چگونه بازی کرد .

عرض کرد : کدام يك از مردم حسرت و پشیمانی بیشتری دارند ؟ فرمود : کسیکه از دنیا و آخرت محروم شده باشد و این خود زیان آشکاری است .

قال : فأَيُّ الخلق أعمى ؟ قال : الذي عمل لغير الله يطلب لعمله الثواب من عند الله عزّ وجل .

قال : فأَيُّ القنوع أفضل ؟ قال : القانع بما أعطاهُ اللهُ عزّ وجل .

قال : فأَيُّ المصائب أشدّ ؟ قال : المصيبة بالدين .

قال : فأَيُّ الأعمال أحبّ إلى الله عزّ وجل ؟ قال : انتظار الفرج .

قال : فأَيُّ الناس خيرٌ عند الله ؟ قال : أخوفهم لله وأعملهم بالتقوى وأزهدهم في الدنيا .

قال : فأَيُّ الكلام أفضل عند الله عزّ وجل ؟ ، قال كثرة ذكره ،

عرض کرد : کدام يك از مردم کور هستند ؟ فرمود : آن کس که برای خداوند عملی انجام نداده و از خداوند انتظار ثواب دارد .

عرض کرد : کدام قناعت از همگان افضل است ؟ فرمود : آن کس به آنچه خداوند وی را عطا کرده باشد قناعت کند ، و حرص و آزمنداشته باشد .

عرض کرد : کدام مصیبت از همه دردناکتر است ؟ فرمود : مصائب در امور دین از همه ناراحت کننده و آزار دهنده تر است .

عرض کرد : کدام يك از اعمال عبادی نزد خداوند بیشتر مورد علاقه است ؟ فرمود : انتظار فرج .

عرض کرد : کدام يك از مردمان نزد خداوند ارج و اعتبار دارند ؟ فرمود : آن که بیشتر از همه از خداوند متیرسد ، و تقوای بیشتر و زهد زیادتری دارد .

عرض کرد : کدام سخن در نزد خداوند بهتر است ؟ فرمود : زیاد

والتضرّع إليه بالدعاء .

قال : فأَيُّ القول أصدق قال : شهادة أن لا إله إلا الله .

قال : فأَيُّ الأعمال أعظم عند الله قال : التسليم والورع .

قال : فأَيُّ الناس أصدق قال من صدّق في المواطن .

ثمّ أقبل على الشيخ فقال : يا شيخ إنّ الله عزّ وجل خلق خلقاً ضيق الدنيا عليهم، نظر إليهم فزهدهم فيها وحطامها، فرغبوا في دار السلام التي دعاهم إليها وصبروا على ضيق المعيشة وصبروا على المكروه واشتاقوا إلى ما عند الله عزّ وجل من الكرامة فبذلوا أنفسهم ابتغاء رضوان الله وكانت خاتمة أعمالهم الشهادة فلقوا الله عزّ وجل وهو عنهم راض .

در یاد خدا بودن و عجز و لابه کردن و دعا نمودن .

عرض کرد : کدام گفته از همه راست است ؟ فرمود : کواهی دادن به وحدانیت خداوند متعال ،

عرض کرد : کدام يك از کارها در نزد خداوند بزرگتر است ؟ فرمود : تسلیم در برابر خداوند و ترس از معاصی و پرهیز کاری .
عرض کرد : کدام يك از مردم راستگوترند .

در این هنگام امیرالمؤمنین عليه السلام متوجه پیر مردش می شد و فرمود : خداوند متعال بندگانی را آفرید و دنیا را بر آن ها تنگ گرفت ، و با نظر مخصوصی که به آنان نگریست آنها نسبت به دنیا بی میل شدند و بطرف آخرت متمایل گردیدند ، و به سختی معیشت صبر کردند و در شدائد و گرفتاری ها شکیبائی به خرج دادند .

واعلموا أن الموت سبيل من مضى وسبيل من بقى فتزودوا
لآخرتهم غير الذهب والفضة ولبسوا الخشن وصبروا على الطول وخدموا
الفضل وأحبوا في الله وأبغضوا في الله عز وجل أولئك المصابيح وأهل
النعم في الآخرة والسلام .

قال الشيخ : وأين اذهب وأدع الجنة وأنا أراها وأرى أهلها معك
يا أمير المؤمنين، جهزني بقوة أقوى بها على عدوك فأعطاء أمير المؤمنين
عليه السلام سلاحا وحمله على الخيل وكان في الحرب بين يدي أمير

این جماعت همواره مشتاق بودند که زود از جهان رخت بر بندند
و به سرای جاودانی بشتابند تا به کرامت و الطاف خداوندی برسند ، این
گروه مردم همواره دنبال رضای خداوند بودند و در نتیجه پایان زندگی
آنها به شهادت انجام گرفت و خداوند را در حالیکه از آنها راضی بود
ملاقات کردند .

بدانید که هرگز راه گذشتگان است و همه باید این راه را
بگذرانند ، این مردم باید برای آخرت خود زاد و توشه بردارند و این
زاد و توشه طلا و نقره نیست : این جماعت لباسهای درشت پوشیدند و در
طول زندگی خود درشدها صبر کردند و به فضیلت خدمت نمودند .

این مردم در محبت و دوستی و یا بغض و دشمنی فقط خداوند
را در نظر گرفتند ، اینان چراغهای هدایت کننده اند و در آخرت از
نعمتهای پروردگار بر خوردار میگردند .

پیر مرد گفت : من اکنون کجا روم و بهشت را واگذارم در صورتیکه
با چشم خود بهشت را مینگرم ، و مشاهده میکنم که اهل بهشت با تو

المؤمنين عليه السلام يضرب قدما وأمير المؤمنين عليه السلام يتعجب مما يصنع، فلما اشتدت الحرب أقبل بفرسه حتى قتل رحمة الله عليه وأتبعه رجل من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام فوجده صريعاً ووجد دابته ووجد سيفه في ذراعه .

فلما انقضت الحرب أتى أمير المؤمنين عليه السلام بدابته وسلاحه وصلى^(١) أمير المؤمنين عليه السلام ، وقال هذا والله السعيد حقاً فترحموا على أخيكم .

هستند ، يا امير المؤمنين اينك به من اسلحه جنگي مرحمت کن تا با دشمنان کار زار کنم ،

امير المؤمنين عليه السلام اسلحه جنگ به آن مرد شامی مرحمت کردند و او را بر اسب سوار کرده بطرف میدان جنگ روانه ساختند مرد شامی مقابل حضرت به جنگ پرداخت و آن حضرت از مجاهدت آن شامی به شگفت آمده بود .

هنکامیکه جنگ شدت گرفت با اسب خود را به لشکر زد و سرانجام کشته شد ، یکی از یاران امیر المؤمنین عليه السلام او را روی زمین مشاهده کرد در حالیکه به شهادت رسیده بود ، و اسبش هم در کنارش کشته شده بود ، پس از اینکه گرد و غبار جنگ فرو نشست امیر المؤمنین در حالیکه سوار بر اسب بود و سلاح جنگی در برداشت نزد او آمد و بر بدنش نماز گذارد و فرمود : به خدای سوگند این مرد خوشبخت بود و برای برادر خود طلب آمرزش کنید .

(١) کذا و لعله « وصلى عليه امير المؤمنين » .

وصية أمير المؤمنين لابنه محمد بن الحنفية

وقال أمير المؤمنين عليه السلام في وصية لابنه محمد بن الحنفية: يا بني إياك والائتكال على الأماني فانه يضايغ النوى ويتشبث من الآخرة ومن خير حظ المرأقرين صالح، جالس أهل الخير تكن منهم، باين أهل الشر ومن يصدك عن ذكر الله عز وجل، وذكر الموت بالأباطيل المزخرفة، والأراجيف الملققة تبين منهم، ولا يغلبن عليك سوء الظن بالله عز وجل فإنه لن يدع بينك وبين خليلك صلحاً.

ذك بالأدب قلبك كما يذكى النار بالحطب فنعم العون الأدب للخيرة التجارب لذوى اللب أضمم آراء الرجال بعضها إلى بعض ثم

وصية أمير المؤمنين به محمد بن الحنفية

امير المؤمنين عليه السلام در ضمن وصایائی به فرزندش محمد حنفیه فرمود: ای فرزند من از آمال و آرزوها دوری کن، آرزوهای دور و دراز از حماقت سرچشمه گرفته و موجب میشود که آدمی امور آخرت را به تعویق اندازد، یکی از بهترین حظ های انسان در زندگی هم - نشینی با مردمان شایسته است.

با اهل خیر مجالست کن تا در زمره آنان محسوب گردی، و از اهل شر و فساد دوری کن و با کسانی که تو را از یاد خدا و مرگ غافل میکنند ارتباط برقرار مکن و از آنان دوری گزین

سوء ظن و بد کمائی بر تو غلبه نکند، و اگر چنانچه سوء ظن بر تو غلبه کرد، با هیچ دوستی نمیتوانی زندگی کنی و باب ارتباط با خلق خدا را

اختر أقربها إلى الثواب وأبعدها من الأرتياب .

یا بنی لا شرف أعلى من الإسلام ولا كرم أغنى من التقوی ،
ولا معقل أحرز من الوزع ، ولا شفیع أنجح من التوبة ولا لباس أجمل
من العافية ولا وقایة أمتع من السّلامة ولا كنز أقنع من القنوع ، ولا مال
أذهب للفاقة من الرضا بالقوت .

و من اقتصر على بلغة الكفاف ، فقد انتظم الرّاحة و تبوأ خفص
الدّعة ، الحرص داع إلى التّقحم في الذّنوب، ألق عنك و ارادات الهموم

روی خود خواهی بست .

قلب خود را با ادب پاکیزه نگاه دار ، همان طور که هیزم بوسیله
آتش پاکیزه میگردد ، بهترین یاور آدمی ادب است تجر بهای نیک را باید
از اشخاص عاقل آموخت ، نظریات مردم را با یکدیگر بسنج و سپس
نیکوتر آنها را که به حق نزدیک است برگزین ، و آنچه را که موجب
شک و تردید است دور بیفکن .

ای فرزند من شرفی بالاتر از اسلام نیست ، عزتی بالاتر از تقوی
و پرهیزگاری و پناهگاهی بهتر از ورع و شفیع رستگارتر از توبه ، و لباسی
زیباتر از عافیت ، و سلاحی نگهدارنده تر از سلامتی ، و گنجی بهتر از
قناعت نیست و ثروتی که فقر را ببرد و انسان را باقناعت راضی نگهدارد .
هر کس با اندکی از زندگی کفایت کند در آسایش منظمی خواهد
بود ، و در زندگی آرام و لذت بخشی فرو خواهد رفت ، حرص و آز
آدمیان را در گرداب گناه گرفتار خواهد کرد ، غم و اندوه را با صبر و متانت
و برد باری از خود دور ساز ، اگر چه زندگی دنیا تورا گرفتار سازد و اندوه

بعزایم الصبر و إن حملها علی ما أصابك من أهوال الدنیا وهمومها ، فاز
الفايزون الذین سبقت لهم من الله الحسنی فإنه جنّة من الفاقة ، و الجأ
نفسك فی الأمور كلها إلى الواحد القهار فانك تلجئها الى كهف حصین
و حرز حریز و مانع عزیز، و اخلص المسئلة لربك فإن بيده الخیر و
الشرّ و الإعطاء و المنع و الصلّة و الحرمان .

و قال عليه السلام في هذه الوصیة : یا بني الرزق رزقان رزق تطلبه و
رزق يطلبك، فان لم تأنه أذاك و لا تحمل هم سنّتك علی همّ يومك و كفاك
كلّ يوم ما هو فيه فإن تكن السنة من عمرك فإن الله عزّ و جلّ سیأتیک
فی كلّ غد بجديده قسم لك فإن لم تكن السنة من عمرك فما تصنع بغمّ

شمارا فراگیرد .

رستگار شدند آن کسانی که اعمال شایسته به جا آوردند و در پیشگاه
خداوند با کارهای نیک حاضر شدند ، در همه امور زندگی خود به پروردگار
قادر قهار پیوستگی پیداکن و به آن ساحت مقدس التجاء داشته باش .
زیرا خداوند بهترین پایگاه و محل اعتماد انسانی است ، هر چه خواهی
از خداوند بخواه که مفتاح خیر و شر و بخشش و عطاء و منع و حرمان در
دست خداوند است .

ای فرزند من روزی بر دو قسم است ، يك روزی تو را طلب میکند
و يك روزی تو در دنبال آن هستی ، و آن روزی که تو را دنبال میکند
بتو خواهد رسید اگر چه در طلب آن نباشی کوشش نداشته باش که روزی
یکسال را در يك روز فراهم آوری ، و خداوند روزی هر روز از ایام
زندگانت را به تو خواهد رسانید ، و اگر چنانچه مقدر باشد که تو یکسال

وهمّ ما ليس لك .

و اعلم أنّه لم يسبقك إلى رزقك طالب ولن يغلبك عليه ...^(۱) ولن يحتجب عنك ما قدر لك ، فكم رأيت من طالب متعب نفسه مقتر عليه رزقه و مقصد في الطلب قد ساعدته المقادير وكل...^(۱) به الغناء ، اليوم لك و أنت من بلوغ غد على غير يقين و لربّ مستقبل يوما ليس بمستدبره و مغبوط في أوّل ليلة قام في آخرها بواكيه فلا يفرّتك من الله طول حلول النعم ، و إبطاء موارد النقم فانه لو خشي الفوت عاجل بالعقوبة قبل الموت .

يا بنيّ إقبل من الحكماء مواعظهم و تدبر أحكامهم و كن أخذ

عمر کنی خداوند روزی هر روز را بتو میرساند ، اگر عمرت یکسال مقدر نباشد پس کوشش زیاد فایده ندارد .

بدان هیچ کس به روزی تو دسترسی پیدا نخواهد کرد و تو را مغلوب نخواهد ساخت ، و آن چه برای تو تقدیر شده است از تو پوشیده نمیگردد ، چه اشخاصیکه شب و روز در تلاش معاش هستند و خود را گرفتار مشقت میکنند ولی هم چنان در فشار زندگی گرفتارند و چه افرادی میانه روی هستند زندگی آنان باخوشی و لذت میگذرد .

امروز متعلق به تو هست و فردا نیمی دانی چه خواهد شد ، چه اشخاصیکه به امید فردا کوشش کردند ولیکن فردا را درک نکردند ، و چه اشخاصیکه زندگی آنان در اول شب مورد غبطه دیگران بود ولیکن در پایان شب مرگ گریبان او را گرفت و گریه وضجه از منزلش بر آمد پس از فراخ زندگی و سعه رزق نباید فریب خورد ، و از تاخیر عذاب

(۱) کذا بیاض فی الاصل .

الناس بما تأمر به و أكف الناس عما تنهى عنه ، وأمر بالمعروف و نكح من أهله فإن استتمام الأمور عند الله تبارك و تعالی الأمر بالمعروف و النهی عن المنكر ، و تفقه فی الدین فإن العلماء ورثة الأنبياء إن الأنبياء لم یورثوا دینار اولاد رهماً و لكنهم ورثوا العلم فمن أخذ منه أخذ بحظ وافر .

واعلم أن طالب العلم یستغفر له من فی السماوات و الأرض حتی الطیر فی جو السماء و الحوت فی البحر و إن الملائكة لتضع أجنحتها

خداوند نباید خوشحال شد ، زیرا خداوند همواره مردم را در نظر دارد و تعجیل نمیکنند و در روز باز پسین او ر امکافات میکند .

ای فرزند از حکیمان پند بیاموز ، و از گفته ها نصیحت و پند بگیر و دقت کن ، و از آنچه مورد استفاده است بخوبی فراگیر و از آنچه تو را باز میدارد اجتناب کن و نفس خود را از مشتبهات باز دار .

امر به معروف را پیشه ساز تا از اهل معروف قرار گیری و بانیکان محشور گردی ، زیرا تکمیل همه امور در نزد خداوند امر به معروف و نهی از منکر است ، مسائل و احکام دین را بخوبی فراگیر که علما وراثت انبیاء هستند پیامبران درهم و دینار به ارث نمیگذارند ، و میراث آنها علم و فضیلت است ، هر کس از علم بهره گیرد ، بهره زیادی برده است .

بدان که برای طالب علم کسانیکه در آسمانها و زمین هستند استغفار میکنند ، پرندگان آسمانها و ماهیان دریا نیز برای آنها دعا مینمایند ، فرشتگان بالهای خود را برای طلاب علوم پهن میکنند و از این

لطالب العلم رضی به و فیہ شرف الدنیا والفوز بالجنة يوم القيمة لأن
 الفقهاء هم الدعاة إلى الجنان والأدلاء على الله تبارك و تعالی ، وأحسن
 إلى جميع الناس كما تحب أن يحسن إليك وارض لهم مما ترضاه واستقبح
 لنفسك مما تستقبحه من غيرك أحسن مع جميع الناس خلقك حتى إذا غبت
 عنهم حنوا إليك و إذا مت بكوا عليك وقالوا: إنا لله وإنا إليه راجعون ،
 ولا تكن من الذين يقال عند موته الحمد لله رب العالمين .
 و اعلم ان رأس العقل بعد الايمان بالله عز وجل مداراة الناس ،
 ولا خير فيمن لا يعاشر بالمعروف ، وما خلق الله عز وجل شيئاً أحسن من

عمل خود اظهار رضایت و خوشنودی دارند .

در طلب علم و فضیلت شرافت دنیا و آخرت و رستگاری دارین و
 رسیدن به فیوضات خداوندی هست ، زیر ا فقهاء و دانایان علوم دین مردم
 را بطرف خداوند و بهشت دعوت میکنند ، به همه مردم نیکی کن همانطور
 که انتظار داری مردم با تو نیکی کنند .

برای مردم به پسند آنچه برای خود می پسندی ، و زشت بشمار
 آنچه را از مردم زشت می شماری ، با همه مردم با خلق نیکی و آمیزش
 کن که هر گاه دور شدی باز آنها میل و رغبت به تو داشته باشند ، و هر گاه
 درگذشتی برای تو گریه کنند و کلمه استرجاع بر زبان جاری سازند ، و
 از کسانی نباش که هر گاه مرد بگویند : الحمد لله رب العالمین .

بدان که کمال عقل و خرد بعد از ایمان به خداوند متعال محبت
 و احسان به مردم است آن کسی که با مردم به نیکی معاشرت نکند در او

الكلام ولا أقبح منه، بالكلام ابيضت الوجوه، وبالكلام اسودت الوجوه .
و اعلم أن الكلام في وثاقك ما لم تتكلم به فإننا تكلمت به صرت
في وثاقه فاخزن لسانك كما تخزن ذهبك و ورقك ، فإن اللسان كلب
عقور بأن أنت خليته عقر ، ورب كلمة سلبت نعمة ، من سبب عذاره قاده
إلى كريهة و فضيحة ، ثم لم يخلص من وهدده إلا على مقت من الله عز و
جل ، و ذم من الناس .

قد خاطر بنفسه من استغنى برأيه ، و من استقبل وجوه الآراء

خير و انسانيت نيست ، خداوند متعال چیزی را بهتر از سخن گفتن نیافریده
است ، و از آن زشت تر نیز چیزی خلق نکرده است بوسیله سخن صورتها
سپید و سیاه میگردند .

بدان که زبان و سخن در اختیار تو هست تا آن گاه که سخن نگفته
باشی در سلامتی هستی ، و هر گاه حرف زدی و زبان گشودی در گرو
سخنان خود هستی و باید از عهده آن بر آیی ، زبان را نگهدار همان طور
که طلا و نقره و درهم و دینار را حفظ میکنی .

زبان مانند سگ درنده است و اگر جلو آن را آزاد بگذاری به
هر کس نیش میزند ، چه بسا سخنی که از زبان آدمی بیرون شود و
نعمتی را از انسان سلب کند ، هر آن کسی که زبان خود را بدون اختیار
رها کرد و آن چه خواست گفت ، و اباء و امتناعی نداشت به پریشانحالی
و رسوائی خواهد افتاد و سقوط خواهد کرد و سرانجام گرفتار عذاب
خداوند و مورد ملامت و سرزنش مردم قرار خواهد گرفت .

کسیکه مستبد بر آید باشد و به دیگران اعتناء نکند در مخاطره

عرف مواقع الخطاء، من تورط في الأمور غير ناظر في العواقب قد تعرض مقطعات النوائب، و التدبير قبل العوامل، يؤمنك من الندم، و العاقل من وعظه التجارب وفي التجارب علم مستأنف و في تقلب الأحوال عرف جواهر الرجال، الأيام تهتك لك عن السراير الكامنة فافهم وصيئتي هذه ولا تذهبن عنك صفحا فإن خير القول ما نفع .

اعلم يا بني إنه لا بد لك من حسن الإبتدأ وبلاغك من الزاد و مع خفة الظهر فلا تحمل على ظهرك فوق طاقتك فيكون عليك ثقيلاً

خواهد افتاد، وهر آن کس که در امور جاریه و حوادث واقعه با دیگران مشورت کند موارد لغزشها را خواهد شناخت، کسیکه بدون دقت در عواقب کارها وارد شود و بدون صلاح اندیشی کاری انجام دهد در مشکلات و سختیها گرفتار خواهد شد، و راه نجات پیدا نخواهد کرد .

قبل از شروع هر کاری در موضوع آن دقت و بررسی کن تا موجبات پشیمانی فراهم نگردد، و ضرر و زیان متوجه تو نشود، خردمند آن کسی است که از تجارب پندگیرد، و تجربه علمی است که انسان از آن نتیجه خوب میتواند بگیرد، در گردش روزگار و گذشت حوادث حقیقت مردان آشکار میگردد، و راستگو از دروغ گو تمیز داده میشود، روزگار و گردش شب و روز اسرار نهانی را آشکار میسازد، و حقائق را جلوه گر میکند، اینک وصیت مرا نیکو دریاب و از آن زود نگذر، و بهترین عقل ها آن عقلی است که سود دهد و بصاحبش نفع رساند .

بدان ای فرزند که تو همواره در جستجو و طلب روزی هستی، با این بدن ضعیف و لاغری که داری بهیچ وقت بیش از اندازه باری را

في حشرك و نشرك في القيامة فبئس الزاد إلى المعاد العدوان على العباد .
و اعلم أن أمامك مهالك و مهاوى و عقبة كؤوداً لا محالة و أنت هابطها
و إن مهبطها إمام على جنّة أو نار فارتد لنفسك قبل نزولك إليها
فإذا وجدت من أهل الفاقة ، من يحمل زادك إلى القيامة فيوافيك
فيه غدا حيث تحتاج إليه فاغتنم و حمله و أكثر من تزوده و أنت قادر عليه
فلعلك تطلبه فلا تجده ، و إياك أن تثق لتحميل زادك من لا ورع له ولا
أمانة فيكون مثلك ظمآن أتى سرا با حتى إذا جاء لم يجده شيئاً فتبقى
في يوم القيامة منقطعاً بك .

بردوش نکش که در نتیجه سنگین باری پشتت خم گردد و در روز قیامت
توانی از زیر بار گران خلاص گردی ، و بدترین توشه در روز قیامت
دشمنی با بندگان خداوند است .

بدان و متوجه باش که در مقابل تو جاده های مخوف و خطرناک
و پرتگاه های زیادی هست که در آن گردنه ها و فرازونشیب فراوانی است که
باید از آن بگذری ، و راه بهشت و دوزخ از آن گردنه ها عبور میکند ،
و مواظب باش با احتیاط قدم برداری .

قبل از اینکه در آن راه های خطرناک قدم بگذاری برای خود
وسائل و اسباب فراهم کن ، و اگر مردمان محتاجی را دیدی که زاد و
توشه تو را بر میدارند و در روز قیامت به تو بر میگردانند از این موقعیت
استفاده کن و زاد و توشه خود را در دنیا به مردمان نیازمند بده ، و اگر
به این دستور عمل نکردی روز قیامت پشیمان میگردی .

وقال عليه السلام في هذه الوصية: يا بني البغي سابق إلى الجبن لن يهلك امرء عرف قدره، من خطر شهوته صان قدره، قيمة كل امرأ ما يحسنه، الاعتبار يفيدك الرشد وأشرف الغنى ترك المنى، الحرص فقر حاضر، المودة قرابة مستفادة، صديقك أخوك لأبيك، واماك وليس كل أخ لك لأبيك واماك صديقك، لا تتخذن عدو صديقك صديقا، فتعادي صديقك، كم من بعيد أقرب منك من قريب، وصول معدم خير من مبرر حاف.

الموعظة كهف لمن وعاها، من مرّ بمعروف أفسده، من أساء خلقه عذب نفسه و كانت البغضة أولى به ليس من العدل القضاء....^(۱) على الثقة ما أقبح الأشر عند البطر و الكأبة عند النائبة المغلظة و القسوة على

مواظب باش زاد و توشه خودرا بدست کسی بسپاری که تقوی و پرهیزگاری داشته باشد، و اگر در این مورد دقت نکردی مانند تشنه‌ای خواهی بود که فریب سراب را می‌خورد و از فعالیت خود نتیجه نمی‌گیرد، و کاری نکن که در روز قیامت دستت از همه جا کوتاه گردد.

و در ضمن همین وصیت فرمود: ای فرزند من ستم کردن و تعدی نمودن آدمی را اگر رفتار هلاکت می‌سازد، هر کسی قدر و مقام خود را درک کرد و از حدود خود تجاوز نمود در سلامتی خواهد ماند، هر کس خود را نگهداشت مقام خود را حفظ خواهد کرد، ارزش هر انسان بستگی به اخلاق و صفاتی دارد که از او ظهور و بروز می‌کند و او را نیکنام می‌گرداند، ارزش و اعتبار آدمی موجب رستگاری او خواهد بود.

بهترین ثروت برای انسان ترك آمال و آرزوها است، حرص و

(۱) کذا بیاض فی الاصل.

الجاه والخلاف على صاحب و الحنث من ذى المروة، و الغدر من السلطان
كفر النعمة موق ، و مجالسة الأحمق شوم، اعرف الحق لمن عرضه لك شريفا
كان أو وضيها .

من ترك القصد جار، من تعدى الحق ضاق مذهبه ، كم من دنف
قد نجا و صحيح قد هوى ، قد يكون اليأس إدراكا و الطمع هلاكا ، استعجب
من رجوت عتابه لا يثيبن من أمر على غدر ، الغدر شر لباس المرء المسلم ،
من غدر ما أخلق أن لا يوفي له ، الفساد يبير الكثير و الاقتصاد ... (١) ،
اليسير من الكرم، الوفار بالرحم .

آزمندی فقری است که انسان در هر حال گرفتار آن است ، دوستی و
محبت مانند خویشاوندانی است که آدمی از آن استفاده میکند ، دوست تو
مانند برادر ابوینی است ، و هر برادر ابوینی دوست تو نخواهد بود .
دشمن دوستت را دوست نکیر ، که موجب دشمنی دوستت با تو
خواهد شد ، چه افراد دوری که با تو از افراد نزدیک نزدیک ترند ،
توانگر بخشنده که فتیر شده باشد بهتر است از نیکوکاری که همش جمع
مال باشد ، پند و اندرز پناه گاهی است برای کسیکه از سخنان پندگیرد
و آن را بکار بندد ، اشخاص بد اخلاق همیشه معذب هستند ، و مردم
همواره او را مبعوض میدارند .

از عدالت نیست که انسان به مجرد سوءظن اعتماد خود را از کسی
سلب کند ، چه اندازه زشت است که آدمی در هنگام گناه و معصیت و
نافرمانی خداوند نشاط داشته باشد ، و در هنگام بروز حادثه ناگوار از
خود ناراحتی و اندوه زیاد نشان دهد ، و برای رسیدن به جاه و مقام

(١) کذا بیاض فی الاصل .

من کرم ساد و من تفہم ازداد أخاك النصيحة و ساعده على كل حال ما لم يحملك على معصية الله عز وجل، زلمعه حيث زال لا تصرف أخاك على ارتياب ولا تقطعه دون استعتاب لعل له عذر و أنت تلوم اقبل من متصل عذره فتناك الشفاعة و أكرم الذين بهم تصول وازدد لهم على طول الصحة برّ او إكراما و تبجيلا و تعظيما فليس جزاء من عظم شانك

قساوت قلب و ظلم و ستم نشان دهد ، و با دوستان خود مخالفت ورزد . بسیار زشت است که مردمان آبرو مند و باشخصیت سو کنند بخورند و بعد سو گند خود را بشکنند ، و یا با حکومت عادلیکه با آنها به خوبی رفتار میکنند غدر و مکر داشته باشند کفران نعمت از نادانی است ، و هم نشینی با احمق شوم است ، هر کس به تو کلمه حقی را عرضه کرد از وی بپذیر اگر چه آن کس از افراد گمنام جامعه باشد .

هر کس اقتصاد و میانه روی را ترك کرد ، از راه حق منحرف خواهد شد ، هر کس حق را زیر پا گذاشت راه زندگی بروی تنگ خواهد شد ، چه اشخاص مریضی که بهبودی یافتند و مردان تندرستی که جان خود را از دست دادند ، گاهی نومیدی سبب نجات و موفقیت انسان میگردد ، و طمع موجب هلاک و خسران میشود ، از کسیکه انتظار داری تورا در برابر اعمال مورد عتاب قرار دهد قبلا از خشم و غضب او بترس و موجبات خشم او را فراهم نیاور ، کسیکه مردم را امر به مکر و حیلہ کند پاداش نیکی نخواهد داشت .

فریب و نیرنگ بدترین لباس مسلمان است ؛ کسیکه مکر و حیلہ انجام داد شایسته است که در حق او نیکی نشود ، فساد و تباهی موجب

أن تضع من قدره ولا بجزاء من سترك أن تسوءه .

أكثر البرّ ما استطعت بجليستك فأنك إذا شئت رأيت رشده ،
من كساه الحياثوبه اختفى عن العيون عيبه ، من تحرّى القصد خفت عليه
المؤن ، من لم يعط نفسه شهوتها أصاب رشده ، مع كل شدّة رخاء ، و
مع كلّ أكلة غُصص ، لا تنال نعمة الا بعد أذي ، لن لمن غاضك تظفر

هلاک مردم و زندگی میگردد ، هر کس جود و بخشش داشته باشد به
ریاست میرسد ، هر آن کسی که دنبال فهمیدن و یاد گرفتن برود به
علم و دانش او افزوده میگردد .

برادران دینی خود را پذیرا و اندرز بده و آنهارا در هر حال مساعدت
و دستگیری کن تا آنگاه که تورا به نافرمانی خداوند متعال و ادا نکنند ،
و همواره با او باش و هر جا رفت او را ترک مکن ، با سوء ظن و بدگمانی
برادر دینی خود را ترک مکن و با اقطع ارتباط منما پیش از آنکه در
موضوع مورد نظر تحقیق کنی و عذر دوستت را استماع نمائی .

عذر کسی را که از تو معذرت میخواهد بپذیر تا شفاعت شفیعان تورا
دریابد ، کسانی که تورا در برابر دشمن مدد میکنند و به تو کمک
و مساعدت مینمایند گرامی بدار ، و تا جان در بدن داری و سالم هستی
به آنها احترام کن و در تعظیم و تکریم آنان بگوش ، پاداش کسی که
مقام تورا حفظ کرده این نیست که حق او را ضایع گردانی و یا در برابر
پرده پوشیهای او با او بدرفتاری کنی .

با هم نشینت تا آنجا که توانائی داری به نیکی معاشرت کن که در
هنگام احتیاج از او استفاده خواهی کرد ، هر کس جامه حیا و شرم در بر کرد ،

بطلبتك .

ساعات المهموم ساعات الكفارات و الساعات تنفذ عمرک و لا خیر فی لذّه من بعدها النار ، و ما خیر بخیر بعدها النار ، و ما شرّ بشرّ بعده الجنة ، کلّ نعيم دون الجنة محقور ، و کلّ بلاء دون النار عافية ، لا تضیعنّ حقّ أخیک اتکالا علی ما بینک و بینہ فانه لیس لک بأخ من أضعف حقّه ، لا یكوننّ أخوک علی قطیعتک أقوى منك علی صلة و لا علی الإساءة

عیبش از چشمهای مردم پنهان میشود ، هر کس در زندگی میانہ روی را پیشه خود سازد ، امور زندگی بروی سبک خواهد شد ، هر آن کس که شهوات خود را مهار کرد در زندگی خوشبخت خواهد شد .

هر سختی و مصیبت به آسایش و راحتی تبدیل میگردد ، هر غذائی که از گلوی انسان پائین میرود با غم اندوه توأم است ، انسانی به هیچ نعمتی نمیرسد مگر اینکه مدتی رنج و اذیت بگشود ، با کسانیکه تو را به خشم نگرینند با ملایمت رفتار کن تا به موفقیت برسی .

هنگامیکه اندوه و غم انسان را فرامیگیرد از کفارات محسوب میشود ، هر ساعتی که بر انسان میگذرد و لحظه‌ای از عمرش سپری میشود ، لذت و عیش و نوشی که در دنیال خود آتش جهنم داشته باشد در آن خیری نیست ، و هیچ خیری که در دنیالاش آتش باشد خیر محسوب نمیگردد ، شریکه در دنیالاش بهشت باشد و انسان را سعادت‌مند سازد شر -

محسوب نمیشود ، هر نعمتی جز نعم بهشتی حقیر و ناچیز است ، و هر بلائی غیر از بلاء دوزخ و عذاب آن موجب آسایش است ، حقوق برادران دینی را ضایع مکن خصوصاً آن حقوقی را که با صداقت و اعتماد به همدیگر

إليك أقوى منك على الإحسان إليه .

يا بُنَيَّ إذا قويت فاقو على طاعة الله عزّ وجلّ ، وإذا ضعفت فاضعف عن معصية الله عزّ وجلّ وإن استطعت أن لا تملك المرأة من أمرها ما - جاوز نفسها فافعل ، فإنه أدوم لجمالها وأرخصي لبالها وأحسن لحالها فإنّ المرأة ربحانة وليست بقهرمانه ، فدارها على كلّ حال و أحسن الصحبة لها فيصفو عيشك ، واحتمل القضاء بالرضاء وإن أحببت أن تجمع خير

پیدا کرده اید ، و اگر حق کسی را ضایع کردی برادر او به حساب نمیائی .

اگر یکی از برادرانت کوشش کرد که با تو قطع رابطه کند ، تو در عوض کوشش داشته باش که با او ارتباط برقرار کنی ، و اگر تصمیم گرفت که با تو دشمنی کند تو کوشش داشته باش که با وی نیکی کنی .

ای فرزند من هرگاه قوی شدی و نیرومند گردیدی از قوت و نیروی خود در اطاعت خداوند استفاده کن ، و هرگاه ناتوان شدی از معصیت و نافرمانی خداوند ناتوان باش ، و اگر توانائی داشته باشی که زن را جز در امور زندگی خود در کارهای دیگر اختیار ندهی بهتر است جلو او را بگیری ، زیرا این محدودیت برای حفظ زیبایی و آرامش خواطر در زندگی او مناسبتر است .

زنان مانند گل هستند و آنها را باید حفظ کرد و مانند مردان قهرمان نیستند که هر جا خواهند بروند ، و در هر صورت با زنان مدارا کنید و با آنها به نیکی رفتار نمائید تا زندگی و کانون خانوادگی شما صفا و رونق بگیرد ، قضاء پروردگار را با رضایت و خشنودی بپذیر و

الدنيا والآخرة فاقطع طمعك مما في أيدي الناس و السلام عليك ورحمة الله وبركاته هذا آخر وصية محمد بن الحنفية .

مواعظ و حکم للامام الصادق عليه السلام

و روي محمد بن أبي عمير عن أبان بن عثمان و هشام بن سالم و محمد ابن حران عن الصادق عليه السلام قال عجبت لمن فزع من أربع كيف لا يفزع إلى أربع ، عجبت لمن خاف كيف لا يفزع إلى قوله عز و جل « حسبنا الله و نعم الوكيل » فإني سمعت الله عز و جل يقول بعقبها : فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء » و عجبت لمن اغتم كيف لا يفزع إلى قوله

جزع و فزع نكن .

اگر میل داری خیر دنیا و آخرت را جمع کنی طمع خود را از آنچه در دست مردم است قطع کن. پایان وصیت امیر المؤمنین به فرزندش محمد حنفیه .

مواعظ حضرت صادق علیه السلام

حضرت صادق عليه السلام فرمود : تعجب دارم از کسیکه از چهار چیز میترسد و چگونه به چهار چیز دیگر پناه نمیبرد ؟
کسیکه ترس بر او مستولی شده باید متوجه باشد که خدا فرموده : « خداوند ما را کفایت میکند و او پشتیبانی خوب برای ما هست » و در دنبال این جمله فرموده : آنها بنعمت خداوند رسیدند و پروردگار از فضل خود آنها را بی نیاز ساخت و هرگز بدی به آنان نخواهد رسید.
تعجب دارم از کسیکه اندوه او را فرا گرفته و متوجه این آیه شریفه

تعالی : « لا إله إلا أنت سبحانك انى كنت من الظالمين » .

فانى سمعت الله عزّ وجل يقول بعقبها فاستجبنا له : « وننجينا من الغمّ و كذلك ننجي المؤمنين » فأعجبت لمن مكر به كيف لا يفرع إلى قوله عزّ وجلّ : « و افوض أمرى إلى الله إنّ الله بصير بالعباد » فانى سمعتُ الله عزّ وجلّ يقول بعقبها : « فوقاهُ اللهُ سيئات ما مكر و ا » و عجبت لمن أراد الدنيا و زينتها كيف لا يفرع إلى قولى تعالى : « ماشاء الله لاقوة إلا بالله » فانى سمعتُ الله عزّ وجلّ يقول بعقبها : « إن ترن أنا اقلّ منك مالا و ولداً

نیست که » نیست خدائی مکر آن خداوندی که خداوند توپاک و منزهی و من از ستمکاران هستم ، و پروردگار در دنبال آن فرموده : « ما او را اجابت کردیم و از غم و اندوه رهانیدیم و همین طور مؤمنین را نیز نجات میدهیم » .

تعجب دارم از کسیکه به او مکر شده و فریبش داده اند به این آیه شریفه پناه نمیبرد که : « واگذاشتم همه کارهای خود را به خداوند و پروردگار به امور بندگان بینا است » ، و در دنبال آن فرموده : خداوند آن بنده خود را که امورش را به او واگذار کرده از مکرها و اندیشه های فاسد آنها حفظ خواهد کرد .

تعجب دارم از کسیکه طالب زینت های دنیا است چرا به این آیه شریفه توجه ندارد که : « نیروئی جز خداوند در جهان حکومت نمیکند و مشیت او در همه امور جاری است » و در دنبال آن آیه فرمود : مرا مینگری که از تو مال و فرزند کمتر دارم و امید است خداوند بهتر از این باغت رابه من بدهد .

فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ « الآية وعسى موجبة .
 و روي محمد بن زياد الازدي عن أبان بن عثمان الأحمري عن الصادق
 جعفر بن محمد عليه السلام أنه جاء إليه رجل فقال له بأبي أنت و أمي يا بن
 رسول الله علمني موعظة فقال له إن كان الله تبارك و تعالى قد تكفل
 بالرّزق فاهتمامك لماذا و إن كان الرّزق مقسوما فالحرص لماذا و إن
 كان الحساب حقاً فالفرح لماذا ، و إن كان العرض على الله عزّ و جل حقاً ،
 فالمكر لماذا ، و إن كان الشيطان عدواً فالغفلة لماذا ، و إن كان الممرّ على
 الصراط حقاً فالعجب لماذا ، و إن كان كل شيء بقضاء الله و قدره فالحزن لماذا ،
 و إن كانت الدنيا فانية فالطمأنينة لماذا .

و قال عليه السلام إني لأرحم ثلاثة و حقّ لهم أن يرحموا : عزيزاً أصابته

مردی خدمت حضرت صادق عليه السلام آمد و عرض کرد: پدر و مادرم
 فدايت باد ای فرزند رسول خدا مرا موعظه کن ، امام عليه السلام فرمود :
 خداوند ضامن روزی تو هست پس این فعالیت و حرص و ولع تو برای
 چیست ؟ ، و اگر روزی تقسیم شده و هر کس باندازه خود از روزی بهره
 میبرد پس این حرص و آزار برای چیست ؟ .

و اگر حساب روز قیامت حق است پس این خوشحالی چیست ؟ و اگر
 حساب مردم در روز قیامت به خداوند عرضه میگردد پس مکر و حيله برای
 چیست ؟ و اگر شیطان با مردم دشمنی دارد و آنان را گمراه میکند پس
 غفلت مردم برای چیست ؟ و اگر عبور مردم از صراط حق است ، پس خود
 پسندی مردم برای چیست ؟ و اگر همه امور به حکم خداوند جریان دارد
 و دنیا گذران و فانی است پس آرامش خواطر برای چیست ؟

حضرت صادق عليه السلام فرمود: من برای سه نفر ترحم میکنم و شایسته

مذلة بعد العز، و غنى أصابته حاجة بعد الغنى، و عالم يستخف به أهله و الجهله .

وقال عليه السلام : خمس هنّ كما أقول ليس لبخيل راحة ولا لحسود لذّة ، ولا لمملوك وفاء ، ولا لكذّاب مروّة ولا يسود سفيه وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : إنكم لن تسعوا الناس بأموالكم فسعوهم بأخلاقكم وروى يونس بن ظبيان عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام أنه قال الاشتهار بالعبادة ريبة إنّ أبي حدّثني عن أبيه عن جدّه عليه السلام أنّ

هستند که مورد ترحم واقع شوند : عزیزى که ذلیل شده باشد و عزت او از بین رفته باشد ، ثروتمندى که بعد از مال دارى نیازمند شده ، و عالمى که مورد استخفاف نادانان شده باشد .

و نیز فرمود . پنج نفر همان طورند که من میگویم : شخص بخیل هرگز آسایش ندارد ، و آدم حسود از زندگی لذت نمیبرد ، و حکام و فاء ندارند ، دروغگو مردانكى ندارد ، و آدم نادان هرگز به مقام بزرگ و سعادت نمیرسد ،

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : شما نمیتوانید مردم را با ثروت خود راضی نگه دارید ، ولیکن با اخلاق خود میتوانید آنان را متوجه خود گردانید .

حضرت صادق عليه السلام فرمود : مشهور شدن به وسیله عبادت انسان را به ریا نزدیک میکند ، پدرم از پدرش از جدش روایت کرد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : عابدترین مردم کسی است که واجبات خود را انجام دهد و سخی ترین مردم آن کسی است که زکات مال خود را پیردازد .

رسول الله ﷺ قال: أعبد الناس من أقام الفرائض وأسخى الناس من أدّى زكاة ماله ، وأزهد الناس من اجتنب الحرام وأتقى الناس من قال الحقّ فيما له ، وعليه وأعدل الناس من رضي للناس ما يرضي لنفسه وكره لهم ما يكره لنفسه ، وأكيس الناس من كان أشدّ ذكراً للموت وأغبط الناس من كان تحت التراب قد أمن العقاب ويرجو الثواب .
وأغفل الناس من لم يتعظ بتغيير الدنيا من حال إلى حال ، وأعظم

زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند، و پرهیزکارترین مردم آن کسی است که کلمه حق را بر زبان جاری سازد و لو بر ضررش باشد و عادلترین مردم آن کسی است که برای مردم بخواهد آن چه را برای خویشتن میخواهد، و برای مردم نپسندد آن چه را برای خود نمی پسندد. باهوشترین مردم کسی است که از همگان بیشتر در یاد مرگ باشد و آن کس بیشتر از همه مورد غبطه مردم است که در زیر خاک خوابیده و از عقاب پروردگار آسوده و در انتظار ثواب خداوند است ، و غافلترین مردم کسی است که از تغییر اوضاع و احوال دنیا پند نگیرد .

بزرگترین مردم در دنیا از نظر جاه و مقام آن کسی است که برای دنیا ارزش و مقام قائل نباشد ، و داناترین مردم کسی است که علم و دانش مردم را بر علم و دانش خود بیفزاید ، شجاعترین مردم آن کسی است که بر هوای نفس خود غالب گردد ، و با ارزشترین مردم آن کسی است که علم و دانش او از همگان بیشتر باشد .

بی بهاترین اشخاص آن کسی است که علم و دانش او از همگان کمتر باشد ، کمترین مردم از نظر لذت در زندگی افراد حسود هستند و

الناس في الدنيا خطرا من لم يجعل للدنيا عنده خطرا ، وأعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه ، وأشجع الناس من غلب هواه ، وأكثر الناس قيمة أكثرهم علما ، أقل الناس قيمة أقلهم علما ، وأقل الناس لذة الحسود وأقل الناس راحة البخيل ، وأبخل الناس من بخل بما افترض الله عليه وأولى الناس بالحق أعلمهم به ، وأقل الناس حرمة الفاسق ، وأقل الناس وفاء المملوك وأقل الناس صديقا المملك ، وأفقر الناس الطامع وأغني الناس من لم يكن للحرص اسيراً .

كمتريين مردم از جهت آسایش بخيلان ميباشند ، و بخيل ترين مردم آن کسی است که به واجبات خداوند بخل بورزد ، و سزاوار ترين مردم به حق آن شخص است که از همه گان آشناتر به حق باشد ، و کم ترين مردم از نظر احترام فاسق است ، و بايد برای افراد فاسق ارزش و اعتباری قائل نبود .

بی وفاترين مردم بردگان ميباشند و زمامداران در دوستی خود راستگو نيستند ، و منافع شخصی و سياسی خود را در نظر ميگيرند ، فقير ترين مردم آدم طماع است ، و بی نیاز ترين مردم آن کسی است که اسير حرص و آرز نباشد ، با فضيلت ترين مردم کسی است که اخلاق او از همه مردم بیشتر باشد ، و گرامی ترين مردم کسی است که از همه گان پرهيز کارتر باشد ، و بزرگترين مردم از نظر مقام آن شخصی است که از سخنان بی فائده دوری کند .

باورع ترين مردم آن کسی است که از جدال و ستيزه جوئی پرهيز داشته باشد و اگر چه حق هم با او باشد ، کم ترين مردم از جهت مروت

وأفضل الناس إيماناً أحسنهم خلقاً ، وأكرم الناس أتقاهم ، وأعظم الناس قدراً من ترك ما لا يعنيه ، وأورع الناس من ترك المرء وإن كان محققاً وأقل الناس مروءة من كان كاذباً ، وأشقى الناس المملوك وأمقت الناس المتكبر وأشدّ الناس اجتهاداً من ترك الذنوب ، وأحكم الناس من فرّ من جهال الناس ، وأعقل الناس أشدّهم مداراة للناس ، وأولى الناس بالتهمة من جالس أهل التهمة .

وأعتى الناس من قتل غير قاتله أو ضرب غير ضاربه وأولى الناس بالعمو أقدرهم على العقوبة ، وأحقّ الناس بالذنب السفيه المغتاب ، وأذلّ الناس من أهان الناس وأحزم الناس أكظمهم للغيب وأصلح الناس

دروغکواست ، و بدبخت ترین مردم بردگان میباشند ، و نا امیدترین مردم متکبران و خودخواهان هستند میباشند و استوارترین مردم در کوشش و فعالیت آن کسی است که گناهان را ترک کند ، و دانشمندترین مردم آن کسی است که از نادانان فرار کند .

عاقل ترین مردم آن کسی است که از همگان بیشتر با مردم مدارا کند ، و سزاوارترین مردم به تهمت آن است که با اهل تهمت و افراد مورد سوء ظن جامعه هم نشینی نماید ، متجاوزترین مردم آن است که افراد بی گناه را بدون اینکه بروی ظلمی کرده باشند به صرف سوء ظن آنان بکشد و یا مضروب سازد ، سزاوارترین مردم به عفو و گذشت کسی است که توانائی قصاص برای او هست

سزاوارترین مردم به گناه و معصیت نادان غیبت کننده است ، پست ترین مردم کسی است که مردم را خوار بشمارد ، و استوارترین مردم

أصلحهم للناس وخير الناس من انتفع به الناس .

ومرَّ أمير المؤمنين عليه السلام برجل يتكلم بفضول الكلام ، فوقف عليه ثم قال : يا هذا إنك تملئ علي حافطيك كتاباً إلى ربك فتكلم بما يعينك ودع ما لا يعينك ، وقال عليه السلام : لا يزال الرجل يكتب محسناً مادام ساكتاً ، فإذا تكلم كتب محسناً أو مسيئاً .

وقال الصادق عليه السلام الصمت كنز وافر ، زين الحليم وستر الجاهل وقال عليه السلام : كلام في حق خيرٌ من سكوت في باطل .

وروى إسماعيل بن مسلم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن

كسی است که خشم خود را فرو برد ، شایسته ترین مردم آن کسی است که برای مردم از همگان شایسته تر باشد و بهترین مردم کسی است که مردم از وی نفع برند .

امیر المؤمنین عليه السلام از نزدیک مردی عبور کردند که بسیار پر حرفی میکرد ، حضرت در نزد او توقف کردند و فرمودند :

ای مرد تو بر فرشتگان حافظ خود با این پر حرفی کتابی را املاء میکنی از آنچه به تو سود میدهد سخن بگو و از سخنان واهی در گذر ، حضرت فرمود : مردم همواره نیکوکار نوشته میشوند ، تا آن که ساکت باشند ، و هر گاه سخن گفتند ، در این هنگام یا نیکوکار و یا بدکار به حساب می آیند .

حضرت صادق عليه السلام فرمود : سکوت گنجی است بی پایان ، مردمان بر دبار را زینت میدهد ، و جاهلان را از عیب و نقص نکم میدارد ، و نیز فرمود : سخن حق بهتر است از سکوت در باطل :

امام صادق عليه السلام از پدرانش از امیر المؤمنین عليه السلام روایت

آبائه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قال قال أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ : كانت الفقهاء والحكماء إذا كاتب بعضهم بعضا كتبوا بثلاث ليس معهنّ رابعة : من كانت الآخرة همته كفاه الله همته من الدنيا ، ومن أصلح سريرته أصلح الله علانيته ، ومن أصلح فيما بينه وبين الله أصلح الله فيما بينه وبين الناس .

وصايا رسول الله صلى الله عليه وآله

وقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : طوبى لمن طال عمره وحسن عمله ، فحسن منقلبه إذا رضى عنه ربه ، وويل لمن طال عمره وساء عمله ، فساء منقلبه إذا أسخط عليه ربه عزّ وجل .

وروى عمرو بن شمر عن جابر بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر محمد

کرده که آن جناب فرمود : فقهاء و حکماء هر گاه با یکدیگر مکاتبه میکردند از سه چیز سخن میگفتند : هر کس برای امور آخرت کوشش کند خداوند امور دنیای او را کفایت میکند ، و هر کس باطن خود را پاک سازد خداوند ظاهر او را پاک میسازد ، و هر کس روابط خود را با خداوند نیکو کرداند خداوند روابط او را با مردم اصلاح میکند .

وصیت های حضرت رسول (ص)

حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود : خوشا به حال آن کسی که عمرش طولانی گردد و کارهایش به نیکی بگذرد ، و سرانجامش نیکو باشد و خداوند از وی راضی گردد ، و وای بر آن کسی که زندگانش بطول انجامد و کارهایش بد باشد و پایان کارش بخوبی نیانجامد و خداوند را بر خود خشمگین کند .

حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند : خداوند به حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

ابن علی الباقر علیه السلام قال: أوحى الله عز وجل إلى رسول الله: صلى الله عليه وآله إني شكرت لجعفر بن أبي طالب أربع خصال، فدعاه النبي صلى الله عليه وآله فأخبره فقال: لولا أنه تبارك وتعالى أخبرك ما أخبرتك، ما شربت خمرأ قط، لأنني قد علمت أنني إن شربت هزال عقلي، وما كذبت قط لأنني علمت أن الكذب ينقص المروءة، وما زنيت قط لأنني خفت إذا عملت عمل بي، وما عبدت صنماً قط لأنني علمت أنه لا يضر ولا ينفع.

قال: فضرب النبي صلى الله عليه وآله يده على عاتقه، وقال: حق على الله عز وجل أن يجعل لك جناحين تطير بهما مع الملائكة في الجنة.

وحی فرستاد و فرمود: من از چهار خصلت که در جعفر بن ابی طالب هست راضی هستم و اورا تقدیر میکنم، حضرت رسول جعفر را احضار فرمودند و اورا از جریان مطلع کردند.

جعفر عرض کرد: اگر خداوند تورا از خصال من خبر نداده بودند من هم شمارا مطلع نمی کردم، یا رسول الله من هرگز شراب ننوشیدم زیرا میدانستم اگر شراب بنوشم عقلم زائل میگردد، و هرگز دروغ نگفتم زیرا میدانستم دروغ مردانگی را در آدمی می‌کاهد، و در بستر زنا قدم نگذاشتم زیرا میدانستم اگر این کار را بکنم، پاداش آن را درباره خود خواهم دید، و بت نپرستیدم زیرا میدانستم که از این عمل ضرر و نفعی برای من نیست.

در این هنگام حضرت رسول صلى الله عليه وآله دست مبارک خود را روی شانه او گذاشت و فرمود: چه قدر شایسته است که خداوند به تو دو بال عطاء کند که با فرشتگان در بهشت با آن دو بال پرواز کنی.

وقال رسول الله ﷺ : قال الله جل جلاله : عبادي كلکم ضالّ إلا من هديته وکلکم فقراء إلا من أغنيته وکلکم مذنب إلا من عصمته .
 وفي رواية السكوني قال : قال علي عليه السلام : ما من يوم يمرّ علي ابن آدم إلا قال له ذلك اليوم أنا يومٌ جديدٌ وأنا عليك شهيد ، فقل في خيراً واعمل في خيراً أشهد لك يوم القيمة فإنك لن تراني بعدها أبداً .
 وفي رواية مسعدة بن صدقة قال قال رسول الله ﷺ : للمؤمن علي المؤمن سبعة حقوق واجبة من الله عز وجل عليه : الإجلال له في عينه والود له في صدره ، والمواساة له في ماله ، وأن يحرم غيبته وأن يعود في مرضه ، وأن يشيع في جنازته وأن لا يقول بعد موته إلا خيراً .
 وروى ابن أبي عمير عن ابن أبي زياد التهمي عن عبدالله بن وهب

حضرت فرمودند : خداوند تبارک و تعالی میفرماید : ای بندگان من همه شما گمراه هستید مگر آن کسانی را که هدایت کرده باشم ، و همه شما فقیر هستید مگر آن هائی را که بی نیاز کرده باشم ، همه شما گناه کار هستید مگر آن هائی را که من نگهداری کرده باشم .
 در روایت سکونی از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام روایت شده که آن جناب فرمود : هر روزیکه بر فرزند آدم میگذرد آن روز میگوید : ای فرزند آدم من روزی جدید هستم که بر تو طالع شده ام و بر اعمال تو گواهی میدهم ، پس امروز سخن حق بگو و کارهای نیک انجام بده تا در روز قیامت بنفع تو گواهی دهم و بدان که مرا هرگز نخواهی دید .
 در روایت مسعدة آمده که حضرت رسول ﷺ فرمود : مؤمن را بر مؤمن هفت حق است که از خداوند واجب شده است : نخست

عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : حسب المؤمن من الله نصره أن يرى
عدوه يعمل بمعاصي الله عز وجل .

روى ابن أبي عمير عن معوية بن وهب عن الصادق عليه السلام قال اصبر
على أعداء النعم فانك لن تكافي من عصي الله فيك بأفضل من أن تطيع الله
فيه .

وروى الملعلي بن محمد البصري عن أحمد بن محمد بن عبدالله ، عن عمرو
ابن زياد ، عن مدرك بن عبدالرحمان عن أبي عبدالله الصادق عليه السلام قال :
إذا كان يوم القيامة جمع الله عز وجل الناس في صعيد واحد ووضع
الموازين ، فيوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء
على دماء الشهداء .

در ظاهر او را احترام کند ، و در دل خود او را دوست دارد ، و با مال
و ثروت خود او را مساعدت کند و مواسات داشته باشد ، و غیبت او را
نکند . و هرگاه مریض شد از وی عیادت کند ، و هرگاه درگذشت از وی
مشایعت نماید ، و بعد از مرگ در باره او بحق سخن گوید .

عبدالله بن وهب از حضرت صادق عليه السلام روایت میکند که فرمود:
برای مؤمن به همین اندازه بس است که خداوند او را یاری میکند
و او نمیگردد که دشمنانش در معصیت خداوند روزگار میکنند .
حضرت صادق عليه السلام فرمود : روز قیامت خداوند همه مردم را در
یک بیابان هموار جمع میکند ، و ترازوهای عدل و داد را میگذارد ،
در این هنگام خون شهیدان را با مداد دانشمندان هم وزن میکنند ، و
مداد علماء بر خون شهیدان سنگینی میکند .

وروی محمد بن اَبی عمیر عن عبدالله بن القاسم، عن الصادق جعفر بن محمد عن اَبیه عن جدّه عن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ قال : كن لما لا ترجو ارجى منك لما ترجو، فان موسى بن عمران خرج يقتبس لأهله ناراً فكلّمه الله عزّ وجلّ فرجع نبياً ، وخرجت ملكة سبا فأسلمت مع سليمان عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وخرج سحرة فرعون يطلبون العزّة لفرعون فرجعوا مؤمنين .

وروی عبدالله بن عباس عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أنه قال: أشرف امتي، حملة القرآن وأصحاب الليل ونزل جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَامُ على النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فقال : يا جبرئيل عطني ، فقال يا محمد أو يا رسول الله : عش ماشئت فإني ميتٌ وأحجب من شئت فانك مفارقه واعمل ما شئت فانك ملاقيه شرف المؤمن

و نیز حضرت از پدرانیش از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که فرمود : به آن چه که امید نداری امیدوار باش تا به چیزی که امیدوار آن هستی ، موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَامُ از نزد اهلش بیرون شد تا برای آنها آتش فراهم سازد، در اثر این کار خداوند با او سخن گفت و به عنوان پیامبری به نزد اهلش برگشت ، و ملکه سبا از خانه اش بیرون شد و در نتیجه در دست سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ مسلمان شد ، و جادوگران فرعون برای عزت و غلبه فرعون دست بکار شدند ولیکن سرانجام از او دست برداشتند و مؤمن شدند .

ابن عباس از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت میکند که فرمود : بزرگان امت من حاملین قرآن هستند وهم چنین کسانی که شبها را بیدار میگذرانند و به عبادت خداوند میپردازند ، جبرئیل بر حضرت رسول فرود آمد و حضرت فرمود : ای جبرئیل مرا موعظه کن . گفت : ای رسول خدا هر چه میتوانی زندگی کن ولیکن بدان که پایان زندگی

صلوته باللیل و عزّه کفّ الأذى عن الناس .

وروی الحسن بن موسی الخشاب عن غیاث بن کلوب عن إسحاق ابن عمّار عن الصادق عن آبائه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ مَا مِنْ أَحَدٍ ابْتَلَى وَإِنْ عَظُمَتْ بَلْوَاهُ أَحَقُّ بِالِدَعَاءِ مِنَ الْمَعْفَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ بِالْبَلَاءِ .
وروی علی بن مهزیار عن الحسن بن سعید عن الحرث بن محمد بن النعمان الأحول صاحب الطاق عن جمیل بن صالح عن أبي عبد الله الصادق عن آبائه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : مِنْ أَحَبِّ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْثَقُ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ .
ثم قال عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا أُبَشِّرُكُمْ بِبَشْرٍ مِنْ هَذَا قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ

مرگ است و هر کسی را میخواهی دوست بدار ولیکن بدان که با او مفارقت خواهی کرد ، هر کاری میل داری انجام بده و بدان که آن عمل را درك خواهی کرد ، شرف مؤمن نماز او در شب است ، و عزت او دست کشیدن از آزار و اذیت مردم میباشد .

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود : که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ میفرمود : هیچ گرفتاری اگرچه گرفتاریش بزرگ باشد شایسته دعا نیست از آن شخص سالمیکه از ابتلاء و گرفتاری آسایش ندارد .

و نیز آن حضرت از حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود : هر کس دوست دارد از آنچه که در دست مردم است بی نیاز باشد باید از آنچه که در نزد خداوند است اطمینان داشته باشد به آنچه که در دست اوست .

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود : آیا شمارا به بدتر از این خبر ندهم ؟

قال: الذي لا يقبل عثرة ، ولا يقبل معذرة ، ولا يغفر ذنباً قال : ألا انبئكم بشر من هذا قالوا : بلى يا رسول الله قال: من لا يؤمن شره ولا يرجي خيره إن عيسى بن مريم عليه السلام مر في بني اسرائيل فقال يا بني اسرائيل لاتحدثوا بالحكمة الجهال فتظلموها ، ولا تمنعوها أهلها فتظلموهم ولا تعينوا الظالم على ظلمه ، فيبطل فضلكم ، الامور ثلاثة أمر بيّن لك رشده ، فاتبعه وأمر بيّن لك غيئه فاجتنبه ، وأمر اختلف فيه فرده إلى الله .

وصايا للامام الصادق عليه السلام

روى الحسن بن علي بن فضال عن الحسن بن الجهم عن الفضل

عرض کردند : چرا یا رسول الله ، فرمود : آن کسی که عذر اشخاص را نپذیرد و از لغزش آنان درنگذرد ، سپس فرمود : به بدتر از این شما را خبر دهم ، عرض کردند : خبر دهید .

فرمود : کسیکه مردم از شر او آسایش ندارند و از وی انتظار خیری نیست ، عیسی بن مریم عليه السلام به بنی اسرائیل فرمود : ای بنی - اسرائیل حکمت را به نادانان نیاموزید که در نتیجه به حکمت ستم کرده باشید ، و از اهلس دریغ نکنید که در اثر عدم تعلیم به آنها ستم کنید ، به ظالم در ظلمش کمک نکنید که فضیلت خود را باطل سازید ، کارها از سه مورد خارج نیست: کاریکه پایان آن سعادت است دنبال او را بگیرید ، و کاری که پایان آن گمراهی است از آن دوری کنید و کاری که مورد اختلاف و نزاع است آن را هم واگذارید به خداوند .

وصیت‌های حضرت صادق (ع)

فضیل ابن یسار از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده که آن جناب

ابن یسار قال : قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : ما ضعف بدن عما قويت عليه النية .

وروی الحسن بن فضال عن الغالب بن غالب بن عثمان ، عن شعيب العرقوفی عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال من ملك نفسه إذا رغب وإذا رهب ، وإذا اشتهى وإذا غضب فإذ رضي حرّم الله جسده على النار . وسئل الصادق عليه السلام عن الزاهد في الدنيا قال : الذي يترك حلالها مخافة حسابه ، ويترك حرامها مخافة عذابه .

وروی محمد بن سنان عن عبدالله بن مسكان عن أبي عبدالله الصادق عليه السلام قال : إن أحق الناس بأن يتمنّى للناس الغنى البخلاء لأنّ الناس

فرمود : هر کس قصد و نیتش قوی و نیرومند باشد بدنش ضعیف نمیگردد . و حضرت صادق فرمود : هر کس در هنگام میل و رغبت به یک چیز و یا ترس از چیزی خود را از شهوت و غضب نگهدارد و به آن چه خداوند به او ارزانی داشته است راضی باشد پیرورگار بدن او را بر آتش جهنم حرام میکند .

از حضرت صادق عليه السلام از «زاهد» سؤال شد ، فرمود : زاهد کسی است که حلال دنیا را به خواطر حساب روز قیامت ترک کند و از حرام دنیا نیز به جهت عذاب روز رستاخیز دست بردارد .

امام صادق سلام الله علیه فرمود : افراد بخیل باید برای مردم آرزوی مال و ثروت داشته باشند . زیرا اگر مردم مال داشتند و بی نیاز گردیدند دست از اموال مردم میکشند ، و نیز مردمان تبه کار باید همواره

اذا استغنوا كفوا عن أموالهم وإن أحق الناس بأن يتمنى للناس الصلاح أهل العيوب، لأن الناس إذا صلحوا كفوا عن تتبع عيوبهم وأن أحق الناس بأن يتمنى للناس الحلم أهل السفه الذين يحتاجون أن يعفى عن سفهم، فأصبح أهل البخل يتمنون فقر الناس، أصبح أهل العيوب يتمنون معائب الناس وأصبح أهل السفه يتمنون سفه الناس وفي الفقر الحاجة إلى البخيل وفي الفساد طلب عورة أهل العيوب وفي السفه المكافات بالذنوب.

وروي عن أبي هاشم الجعفري أنه قال: أصابتنى ضيقة شديدة فصرت إلى أبي الحسن علي بن محمد فاستأذنت عليه فأذن لي، فلما جلست قال يا أبا هاشم: أي نعم الله عليك تريد أن تؤدى شكرها قال أبو هاشم: فوجت

برای مردم آرزوی صلاح و پاکی داشته باشند، زیرا هر گاه مردم به طرف صلاح روی آوردند از پی گیری در عیوب آنان خود داری خواهند کرد. و نیز مردمان سفیه و نادان باید برای مردم آرزوی حلم و بردباری داشته باشند که تا از سفاهت آنان در گذرند، ولیکن نتیجه چنین شده که بخیلان آرزو دارند مردم همه فقیر گردند، و تبه کاران همواره در آرزوی عیب جوئی از مردم هستند و سفیهان نیز آرزو دارند مردم مانند آنان سفیه باشند، و حال اینکه فقر انسان را وادار به بخل میکند، و تباهی آدمی را و امیدارد که عیب جوئی را پیشه خود سازد، و آدم نادان و سفیه نیز به گناه بیفتد.

ابو هاشم جعفری گوید: در يك تنگنائی گرفتار شدم و خدمت حضرت هادی عليه السلام رسیدم و اذن ورود خواستم، اجازه ورود داده شد،

فلم أدر ما أقول له فابتدأني عليه السلام فقال : إن الله عز وجل رزقك الايمان فحرم به بدنك على النار ورزقك العافية واتقوا الله إن الله شديد العقاب وقال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : هذا قول رسول الله صلى الله عليه وآله ، وقال رسول الله صلى الله عليه وآله : قال الله جل جلاله : أيما عبد أطاعني لم أكله إلى غيري وأيما عبد عصاني واكلته إلى نفسه ثم لم أبال في أيّ وادهلك .

وروى محمد بن أبي عمير عن عيسى الفراء عن عبدالله بن أبي يعقوب قال : سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول : قال أبو جعفر الباقر عليه السلام : من كان ظاهره أرجح من باطنه خف ميزانه ، وقال رسول الله صلى الله عليه وآله : قال الله جل

هنكاميكه وارد شدم و نشستم ، فرمود : ای اباهاشم کدام يك از نعم خداوند رامیتوانی سپاس گوئی ؟ ابوهاشم گوید : زبانم بند آمد و ندانستم چه بگویم .

حضرت خود آغاز سخن کرد و فرمود : خداوند به توایمان را ارزانی داشت و بدن تو را بر آتش حرام کرد و به تو عافیت روزی کرد از خداوند بترسید که سخت گیر است .

امام صادق عليه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود : خداوند متعال میفرماید : هر بنده که از من اطاعت کند او را به غیر خود واگذار نمیکنم ، و هر بنده که مرا معصیت کند او را به خودش واگذار میکنم و باکی هم ندارم وی به هر جا میخواهد برود و هلاک گردد .

حضرت باقر عليه السلام فرمود : هر کس ظاهرش از باطنش بهتر باشد میزان گناهان اوسبگ خواهد شد ، حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود : خداوند میفرماید : هر کس از بندگانی که مرا میشناسد نافرمانی مرا انجام دهد

جلاله : إذا عصاني من خلقي من يعرفني سلّطت عليه من خلقي من لا يعرفني .

وروی ابن ابی عمیر عن اسحاق بن عمار قال قال الصادق عليه السلام : يا اسحاق صانع المنافع بلسانك، واخلص ودك للمؤمن وإن جالسك يهودي فأحسن مجالسته .

وروی المفضل بن عمر ، عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام عن أبيه عن جدّه عليه السلام قال : قيل للحسين بن علي عليه السلام : كيف أصبحت يا بن رسول الله قال : أصبحت ولي ربّ فوقي والنار أمامي ، والموت يطلبني والحسنات محدّق بي ، وأنا مرتهن بعملي ، لا أخذما أحبّ ولا أدفع ما

مسلط خواهم کرد براو یکی از بندگانی که مرا نمیشناسد .

حضرت صادق عليه السلام به اسحاق بن عمار فرمود ای اسحاق با منافق بهزبانّت مدارا کن ولیکن با مؤمن از روی صمیمیت رفتار نما ، و اگر با یهودی هم مجالست کردی باوی به خوبی رفتار کن ،

حضرت صادق عليه السلام فرمود : به حسین بن علی عليه السلام گفته شد : ای فرزند رسول خدا چگونه صبح کردی ؟ فرمود : صبح کردم در حالیکه خداوندی بالای سر خود دارم و آتشی در جلو ، و مرگی که مرا بطرف خود میخواند ، نیکیها مرا فرا گرفته و من مرهون اعمال خود هستم ، آن چه را دوست دارم نمیتوانم بدست آورم ، و آنچه را که مکروه دارم قدرت ندارم از خود دفع کنم ، کارها دست دیگری است ، اگر بخواهد عذاب میکند و اگر بخواهد عفو مینماید ، پس با این حال کدام فقیر از من فقیر تر است !؟

اُكره، والأُمور بيد غيري فإن شاء عذّ بني وإن شاء عفى عني، فايّ فقير
أفقر مني .

وروى المفضل عن الصادق عليه السلام أنه قال: وقع بين سلمان الفارسي
رحمة الله عليه وبين رجل خصومةً فقال الرجل لسلمان: من أنت وما أنت
فقال سلمان: أما أولي وأولك فنظفة قدرة، وأما آخري و آخرك فجيفة
منتنة فإذا كان يوم القيمة ونصبت الموازين فمن ثقلت موازينه فهو
الكريم، ومن خفت موازينه فهو اللئيم .

قال المفضل وسمعت الصادق عليه السلام يقول: بليّة الناس علينا عظيمة إن
دعونا هم لم يجيبونا، وإن تركناهم لم يهتدوا بغيرنا .

وقال أمير المؤمنين عليه السلام: جمع الخير كلّه في ثلاث خصال: النظر
والسكوت، والكلام، فكلّ نظر ليس فيه إعتبار فهو سهو، وكلّ كلام ليس

حضرت صادق سلام الله عليه فرمود . بين سلمان فارسي و مردی
نزاعی روی داد ، آن مرد به سلمان گفت : تو که هستی و چه قدرتی داری
سلمان گفت : اما اول زندگی من و تو یک نطفه بیش نیست ، در پایان زندگی
هم مرداری گنبدیده خواهیم بود ، روز قیامت که ترازوها نصب گردند هر
کس اعمال خیرش سنگین شد او بزرگوار است ، و هر کس کارهای شرش
سنگین گردید او پست خواهد شد .

حضرت صادق عليه السلام فرمود : مادر مورد این مردم به گرفتاری
بزرگی دچار هستیم ، اگر آنها را بطرف خود دعوت کنیم نمیپذیرند ،
و اگر آنها را به حال خود و اگذاریم در جای دیگری راه هدایت برای
آنها نیست .

فيه ذكر فهو لهو، وكل سكوت ليس فيه فكرة فهو غفلة، فطوبى لمن كان نظره عبراً وسكوته فكراً وكلامه ذكراً، وبكى عليه خطيئته وأمن الناس شره.

وقال الصادق عليه السلام: أوحى الله عز وجل إلى آدم: يا آدم إني أجمع لك الخير كله في أربع كلمات واحدة لي وواحدة لك، وواحدة فيما بيني وبينك وواحدة فيما بينك وبين الناس، فأما التي لي فتعبدني لا تشرك شيئاً، فأما التي لك فأجازيك بعملك أحوج ما تكون إليه وأما

امير المؤمنين عليه السلام فرمود: تمام نيکيها در سه چیز جمع شده است: نگرستن، سکوت، و سخن، هر نگرستن که در آن پند و عبرت نباشد در آن فائده نیست، هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد لهواست، و هر سکوتی که در آن اندیشه نباشد غفلت است، پس خوشا به حال آنهايکه نظرشان از روی عبرت و سکوتشان موجب فکر و اندیشه و سخنانشان ذکر خدا باشد و به گناهائيکه از وی سرزده گریه کنند و مردم از وی در امان باشند.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: خداوند برای آدم وحی فرستاد و فرمود: ای آدم من همه نيکيها را در چهار کلمه برای تو جمع کردم، یکی از اينها را برای خود و دومی را برای تو و سوم را بين خود و تو و چهارم را بين تو و مردم قراردادام، اما آنکه مخصوص خود قراردادام آن است فقط مرا پرستش کنی و برای من شريك نياوری.

و اما آنکه به خودت مربوط است و آن این است که بعمل تو پاداش

التي فيما بيني وبينك فعليك الدعاء وعليّ الإجابة وأما التي فيما بينك وبين الناس فترضى للناس ما ترضى لنفسك .

وقال الصادق عليه السلام : العافية نعمة خفية ، إذا وجدت نسيت ، وإذا فقدت ذكرت .

وروى السكوني عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله : كلمتان غريبتان فاحتملوهما كلمة حكمة من سفیه فاقبلوها وكلمة سفه من حكيم فاغفروها .

وصايا للامام الباقر عليه السلام

روى عمرو بن شمر عن جابر بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر محمد

خواهم داد ، واما آن چه بين تو ومن است آن است که تو دعا کنی واز من بخواهی و من هم اجابت می کنم ، واما آنچه بين تو و مردم میباشد آن است که برای مردم به پسندی آن چه را برای خود می پسندی .

امام صادق عليه السلام فرمود : عافيت يك نعمتی است پنهان هر گاه در جامعه یافت گردد فراموش میشود ، و هر گاه از بین برود مردم یاد آن را می کنند .

حضرت رسول والله اعلم فرمود ، دو کلمه نادر را بپذیرید و در دل خود جای دهید ، سخن حکمت آمیز از مرد سفیه و نادان این سخن را بپذیرید و بکار بندید ، و اگر از حکیمی سخن ناصواب و سفیهانه شنیدید از آن درگذرید .

وصیت های حضرت باقر علیه السلام

حضرت باقر سلام الله علیه از پدرش و او از امام حسین عليه السلام روایت

ابن علیّ الباقر عن ابيه عن جدّه عليه السلام أنّ أميرالمؤمنین سلام الله علیه قال فی خطبة خطبها بعد موت النبی صلی الله علیه و آله : أيها الناس إنه لا شرف أعلى من الإسلام ولا کرم أعلى من التقوی ، ولا معقل أحرز من الورع ، ولا شفیع أنجح من التوبة ، ولا کنز أنفع من العلم ، ولا عزّ أرفع من الحلم ، ولا حسب أبلغ من الأدب ، ولا نصب أوضع من الغضب ولا جمال أزيد من العقل ، ولا سوءة أسوء من الکذب ، ولا حافظ أحفظ من الصمت ، ولا لباس أجمل من العافیة ، ولا غائب أقرب من الموت .

کرده که امیرالمؤمنین سلام الله علیه در ضمن خطبه فرمود : ای مردم شرافتی بالاتر از اسلام ، و عزتی بالاتر از تقوی و پرهیزگاری ، و پناهگاهی استوارتر از ورع ، و شفیع رستگارتر از توبه و انابه ، گنجی سودمندتر از علم و دانش و فضیلت نیست .

عزتی بالاتر از بردباری ، و حسبی بهتر از ادب ، و مشقتی سختتر از غضب و تند خوئی ، و زیبائی بیشتر از عقل ، و بدی بدتر از دروغ ، و نگهداری نگهدارنده تر از سکوت ، و لباسی زیباتر از عافیت ، و غائبی نزدیکتر از مرگ نیست .

ای مردم هر کسی که در روی زمین راه میرود در درون زمین جای خواهد گرفت ، گردش شب و روز با سرعت و شتاب طومار زندگی انسان را درهم می پیچد ، هر صاحب حیاتی در روی زمین نیروئی دارد ، و هر موجود زنده ای خوراکی برای آن مهیاشده است ، و توای بشر خوراک مرگ هستی ، و اگر آدمی از سپری شدن ایام زندگی درس عبرت می گرفت

ایشها الناس إنَّه من مشى على وجه الأرض فإنَّه يصير إلى بطنها
والليل والنهار مسرعان في هدم الأعمار ولكلّ ذي رمق قوّة ولكلّ حبة
أكلٌ وأنت قوت الموت ، وإن عرف الأيام لن يغفل عن الاستعداد لن ينجو
عن الموت غنيٌّ بماله ، ولا فقير لا قلاله .

ایشها الناس من خاف ربه كفّ ظلمه ، ومن لم يرع في كلامه أظهر
هجره ، ومن لم يعرف الخير من الشرّ فهو بمنزلة البهيم ، ما أصغر المصيبة
مع عظم الفاقة غد ! و هیهات هیهات وما تناكرتم إلا طافیکم من المعاصي
والذنوب ، فما أقرب الرّاحة من التعب والبؤس من النعيم ، وما شرّ بشرّ
بعده الجنّة وما خیر بخیر بعده النّار وكلّ نعيم دون الجنّة محقور ،

از آماده شدن برای مرگ غفلت نمی‌کرد ، هیچ ثروت‌مندی بوسیله مال
خود از مرگ رهائی پیدا نمی‌کند ، و نه فقیری به خواطر فقرش .
ای مردم هر کس از خداوند بترسد دست از ظلم و ستم بر میدارد ، و
هر کس در سخن گفتن مراعات نکند سرانجام به فحش و هذیان خواهد
کشید ، و هر کس خیر را از شر و بدرا از خوب تشخیص ندهد مانند
چهار پایان است ، مصیبت های دنیا در برابر فقر و تهیدستی روز قیامت
بسیار حقیر است و چه اندازه مردم از واقعیات بی اطلاع میباشند .
شما ای مردم از کثرت گناه و نافرمانی خود را به ناآشنائی زده‌اید ،
و از راه خدا و حقیقت خود را دور ساخته اید ، آسایش همواره با رنج
و محنت ، و سختی و مشقت بانعمت و فراخ زندگی قرین است و آدمی
هرگز در یک حال نخواهد ماند ، شریکه دنبالش بهشت جاوید باشد آن

وكلّ بلاء دون النار عافية .

وفي رواية إسماعيل بن مسلم قال : قال رسول الله ﷺ : ثلاث أخافهن على أمّتي من بعدي : الضلالة بعد الهدى ، ومضلات الفتن ، وشهوة البطن والفرج .

ومرّ رسول الله ﷺ بقوم يتشالون حجرا فقال : ما هذا وما يدعوكم إليه قالوا : لنعرف أشدّنا وأقوانا قال : أفلا أدلكم على أشدّكم وأقواكم قالوا : بلى يا رسول الله قال : أشدّكم وأقواكم الذي اذا رضي لم يدخله رضاه في إنم ولا باطل وإذا سخط لم يخرج منه سخطه من قول الحقّ

در حقیقت شر نیست ، وخیریکه پایان آن دوزخ باشد آن خیر حقیقی وواقعی نخواهد بود ، هر نعمتی در برابر بهشت حقیر ، و هر بلائی غیر از جهنم عافیت است .

حضرت رسول ﷺ فرمود : برامت خود از سه چیز بیم دارم ، گمراهی بعد از هدایت ، و فتنه های گمراه کننده ، آلودگی شکم و دامن حضرت خاتم النبیین ﷺ از نزد جماعتی که سنگی را حمل میکردند عبور فرمودند ، پرسیدند این چه کاری است که انجام میدهید ؟ و چه چیز شما را وادار به این کار کرده است ؟ ، گفتند : میخواهیم بدانیم کدام يك از ما زورش بیشتر است ؟!

حضرت رسول ﷺ فرمود : آیا میل دارید بگویم کدام يك از شما زورش بیشتر و نیرویش افزون تر است ؟ عرض کردند : بفرمائید ، فرمود : نیرومندترین شما آن کسی است که هر گاه خوشحالی برایش پیش آمد ، این خوشحالی او را در گناه داخل نکند و بطرف باطل نکشاند ، و هر گاه

وإذا ملك لم يتعاط ما ليس له وفي خبر آخر وإذا لم يتعاط ما ليس له بحق.

موعظة للإمام الصادق عليه السلام

روى الحسن بن محبوب عن أبي ولاد الحنطاط قال سألت أبا عبد الله الصادق جعفر بن محمد عليه السلام عن قول الله عز وجل: « وبالوالدين إحساناً » ما هذا إحسان؟ فقال: الإحسان أن تحسن صحبتها وأن لا يكلفا أن يسألك شيئاً مما يحتاجان إليه وإن كانا مستغنين، إن الله عز وجل يقول: « لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون ». .

به خشم آمد این خشم و غضب او را از حق باز نگر داند ، و هر گاه قدرتی پیدا کرد از مال دیگران بذل و بخشش نکند .

موعظه حضرت صادق علیه السلام

ابو ولاد حنطاط گوید : از حضرت صادق سلام الله علیه از قول خداوند متعال « وبالوالدين إحساناً » پرسیدم که مقصود از این احسان چیست ؟ فرمود : مقصود از احسان این است که با آنها به نیکی معاشرت کنی ، و آنها نیازمند نباشند که از تو سئوالی کنند و تو خود باید قبل از سئوال آنان از امور آنها با خبر باشی .

و اگر پدر و مادر مستغنی باشند باز هم طبق آیه شریفه باید از آنچه که دوست داری درباره آنها انفاق کنی سپس فرمودند : اگر پدر و مادر درسین پیری بودند باید از آنها به نیکی ، سرپرستی کنی ، و اگر روزی موجبات ناراحتی تو را فراهم کردند باید آنها را از خود نرنجانی

ثم قال عليه السلام : «إما يبلغن عندا الكبير أحدهما أو كلاهما فلا تنقل لهما أف» إن أضجراك ولا تنهرهما إن ضرباك وقل لهما قولاً كريماً ، والقول الكريم أن تقول لهما : غفر الله لكما فذاك منك قول كريم ، واخفض لهما جناح الذل من الرحمة ، وهو أن لا تملأ عينيك من النظر وتنظر إليهما برحمة ورافة وأن لا ترفع صوتك فوق أصواتهما ولا يدك فوق أيديهما ولا تتقدم قدامهما .

کلمة نافعة للامام السجاد عليه السلام

روى الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطية، عن عابد الأحمسي عن أبي حمزة الثمالي قال: قال زين العابدين علي بن الحسين عليهما السلام: ألا إن

و کلمه ای که باعث ناراحتی آنها باشد بر زبان جاری نسازی .
 باید همواره با والدین خود با آرامی و نرمی سخن بگوئی و
 برای آنها طلب مغفرت و آمرزش کنی و همواره با خضوع و نرمش
 در برابر آنها قرارگیری و بادیده محبت به آنان بنگری ، و هرگز فریاد
 بلند در نزد آنها ابراز نکنی و دست خود را بالای دست آنها قرار ندهی
 و جلوتر از آنها قدم برداری .

سخنی از حضرت سجاد علیه السلام

ابو حمزه ثمالی گوید : حضرت سجاد عليه السلام فرمود : محبوب ترین
 شما در نزد خداوند کسی است که اعمالش از همگان بیشتر و نیکوتر
 باشد ، و بزرگترین شما آن کسی است که رغبتش به آنچه در نزد خداوند
 است زیاده تر باشد ، آن کسی میتواند از عذاب خداوند رهائی پیدا کند

أحبكم إلى الله عزّ وجلّ أحسنكم عملاً، وإنّ أعظمكم فيما عند الله رغبة
وإنّ أنجى الناس من عذاب الله أشدّهم لله خشية، وإنّ أقربكم إلى
الله أو سعكم خلقاً، وإنّ أَرْضاكم عند الله أوسعكم على عياله، وإنّ أكرمكم
عند الله أتقاكم.

كلمة للإمام الكاظم عليه السلام

روى الحسن بن محبوب عن سعد بن أبي خلف عن أبي الحسن
موسى بن جعفر عليه السلام أنه قال لبعض ولده: يا بني إياك أن يراك الله عزّ وجلّ
جلّ في معصية نهاك عنها، وإياك أن يفقدك الله تعالى عند طاعة أمرك بها و

که از همگان بیشتر از خداوند بترسد و نزدیکترین شما به پروردگار
کسی است که اخلاقش بهتر باشد و آن کسی از شما بیشتر در نزد
خداوند پسندیده است، که با اهل و عیالش با وسعت دل زندگی کند
و گرامی ترین شما نزد خداوند کسی است که تقوای او از همه بیشتر
باشد.

سخنی از موسی بن جعفر علیه السلام

سعد بن ابی خلف از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام روایت کرده
که آن حضرت به یکی از فرزندان فرمود: ای فرزند از این بترس
که خداوند تو را در حال معصیت مشاهده کند در صورتیکه تو را از آن
معصیت نهی کرده باشد، و بترس از اینک طاعتی را که خداوند تو را
به انجام آن امر کرده است ترک کرده باشی، همواره در کارها کوشش
داشته باش و خود را از عبادت خداوند بیرون نکن و معتقد باش که

عليك بالجدّ ولا تخرجنّ نفسك عن التقصير من عبادة الله فإنّ الله عزّ وجلّ لا يعبد حقّ عبادته وإيتاك و المزاح فإنّه يذهب بنور إيمانك و يستخفّ بمرورتك ، وإيتاك و الكسل . والضجر فإنّهما يمتعاك حظك من الدّنيا و الآخرة .

کلمة للإمام الصادق عليه السلام

روى عليّ بن الحكم عن هشام بن سالم، عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : الدّنيا طالبة و مطلوبة ، فمن طلب الدّنيا طلبه الموت حتّى يخرج منه ، و من طلب الآخرة طلبه الدنيا ، حتّى توفته رزقه ، و

هرگز قدرت نداری عبادت خداوند را آن طور که هست انجام دهی .
از مزاح و شوخی پرهیز کن که شوخی نور ایمانت را میبرد . و تو
را در انظار سبک میکند و به مردانگی تو زیان میرساند، از کسالت و تنبلی
دوری کن که تنبلی و سستی در امور موجب میگردد که از زندگی بهره مند
نگردی و دنیا و آخرت تو تباه گردد .

سخنی از حضرت صادق علیه السلام

هشام بن سالم گوید : حضرت صادق عليه السلام فرمود :

دنيا مردم را بطرف خود میخواند، وعده‌ای هم بطرف دنیا میروند
و طالب آن هستند ، هر کس بطرف دنیا رفت مرگ او را بطرف خود
میکشاند ، تا انگاه که او را از جهان بیرون کند ، و هر کس دنیا را رهاسازد
و طالب آخرت گردد، دنیا خود بطرف او اقبال میکند و روزی به اندازه اش
میرسد .

قال الصادق عليه السلام حسب المؤمن من الله نصرة أن يرى عدوه يعمل بمعاصي الله عز و جل و قال نبي الله صلى الله عليه وآله : بادر و ارياض الجنة قالوا : يا رسول الله و ما رياض الجنة؟ قال : حلق الذكر .

کلمة للإمام الرضا عليه السلام

و روى محمد بن أحمد بن يحيى، عن محمد بن آدم عن أبيه عن أبي الحسن الرضا عن آباءه عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي : يا علي لا تشاورن جبانا فإنه يضيق عليك المخرج و لا تشاورن بخيلاً فإنه يقصر بك عن غايتك و لا تشاورن حريصاً فإنه يزيّن لك شرّها و اعلم أن الجبن

امام صادق فرمود: خداوند مؤمن را به همین اندازه یاری میکند که دشمن او را در حال معصیت به او نشان میدهد .

حضرت رسول فرمود : بطرف باغهای بهشت پیش روید ، عرض کردند : ای رسول خدا باغهای بهشت چیست ؟ فرمود . گروهی از مردم که پیرامون هم جمع شده و دریاد خدا هستند .

سخنی از حضرت رضا علیه السلام

حضرت رضا از پدرانیش و از امیر المؤمنین عليه السلام روایت میکند که حضرت رسول صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام فرمود :

یا علی هرگز با شخص ترسو مشورت نکن که او راه بیرون شدن از کار را برای تو مشکل میکند ، و با بخیل نیز مشورت مکن اوهم تورا از مقصود باز میدارد ، و با حریص هم مشورت نکن او نیز شر و فساد موضوع را برای تو آرایش میکند ، و بدان که ترس و بخل ، و حرص

و البخل و الحرص غريزة يجمعها سوء الظن .

كلمة للامام الصادق عليه السلام

روى الحسن بن محبوب عن الهيثم بن راقد قال سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول: من أخرجه الله عزّ و جلّ من ذلّ المعاصي إلى عزّة التقوى أغناه الله بلا مال و أعزّه بلا عشيرة ، و آنسه بلا انيس و من خاف الله عزّ و جلّ أخاف الله منه كلّ شيء و من لم يخف الله عزّ و جلّ أخافه الله من كلّ شيء ، و من رضي من الله عزّ و جلّ باليسير من الرزق رضي الله عنه باليسير من العمل ، و من لم يستح من طلب المعاش خفت مؤنته و نعم أهله ، و من زهد في الدنّيا أثبت الله الحكمة في قلبه و أنطق

غرايزى هستندکه از سوء ظن توليد ميشوند .

سخنى از حضرت صادق عليه السلام

هيثم بن راقد از حضرت صادق عليه السلام روايت ميكند كه آن جناب فرمود: كسانى را كه خداوند از ذلت معاصى بيرون كند و بطرف تقوى و فضيلت رهنمائي فرمايد ، او را بدون مال و ثروت بى نياز ميكند ، و بدون عشيره و خوبشاوند عزت ميدهد و بدون هم نشين به او آرامش مى بخشد .

هر كس از خداوند بترسد خداوند همه چيز را از وي ميترساند ، و هر كس كه از خداوند ترسى نداشته باشد ، خداوند او را از همه چيز و همه كس ميترساند ، هر كس از خداوند به روزى كم راضى باشد خداوند هم از وي به عمل اندك راضى ميگردد و هر كسى از طلب روزى شرم نداشته باشد زندگيش سبك ميگردد و خاندان او در تنعم و خوشحالى بسر

بها لسانه و بصره عیوب دنیا داءها و دواءها ، و أخرجه من الدنیا سالماً
إلى دار السلام .

و روى أبو حمزة الثمالی قال : قال لی أبو جعفر عليه السلام : لما حضرت
أبی عليه السلام الوفاة ضممتی إلى صدره ثم قال یابنی اصبر علی الحق وإن كان
مرثاً یوف إلیک أجرک بغير حساب .

و روى ابن مسکان عن عبدالله بن ابی یعقوب قال : قال الصادق جعفر
ابن محمد عليه السلام لرجل : اجعل قلبک قریباً تزاوله و اجعل علمک والداً تتبعه
و اجعل نفسک عدواً تجاهده ، و اجعل مالک کعماریة تردّها .

خواهند برد ، هر کس در جهان زهد را پیشه کند خداوند حکمت را
در قلب او جای خواهد داد و سخنان حکمت آمیز بر زبانش جاری خواهد
کرد ، او را به عیبهای دنیا و مرضها و دواهای آن بینا خواهد ساخت و
او را از دنیا سالم بیرون میکند و در دارالسلام منزل میدهد .

ابو حمزه ثمالی گوید : حضرت باقر عليه السلام فرمود :
هنگامیکه پدرم را وفات نزدیک شد مرا نزد خود فراخواند و به
سینه چسباند و سپس فرمود : ای فرزند من در برابر حق صبر کن ولو تلخ
باشد و شکیبائی تو در برابر حق پاداش فراوانی در بر خواهد داشت .
امام جعفر صادق عليه السلام فرمود : دل خود را نزدیک ساز و از آن
شفای بیماریهای ...

و علمت را مانند پدرت فرض کن و از آن پیروی نما ، و نفس خویش
را مانند دشمنی تصور کن و با او جهاد نما ، و ثروت و مال را مانند عاریه
بدان که بزودی باید آن را به صاحبش رد کنی .

و قال ﷺ جاهد هواك كما تجاهد عدوك .

کلمه ثمینه لرسول الله صلی الله علیه و آله

روی الحسن بن راشد عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر ﷺ قال : أتى رجل رسول الله ﷺ فقال : علمني يا رسول الله شيئاً فقال ﷺ : عليك باليأس مما في أيدي الناس فإنه الغنى الحاضر ، قال زدني يا رسول الله قال : إيتاك والطمع ، فإنه الفقر الحاضر قال : زدني يا رسول الله قال إذا هممت بأمر فتدبر عاقبته ، فإن يك خيراً أو رشحاً اتبعته و إن يك شراً أو غيياً تركته .

و روی الحسين بن يزيد عن علی بن غراب قال : قال الصادق جعفر

حضرت فرمود : با هوای نفس خود جهاد کن همانطور که بادشمنت جهاد میکنی .

سخنی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر ﷺ روایت میکند که مردی خدمت حضرت رسول ﷺ رسید و عرض کرد :
یا رسول الله بمن چیزی تعلیم فرما ، حضرت رسول فرمود : از آنچه در دست مردم است مأیوس باش که استغناء در آن میباشد ، عرض کرد : هر گاه خواستی در امری وارد شوی عاقبت آن را خوب بسنج ، اگر در آن خیر و سعادت باشد به آن رسیده ای و اگر در آن شر و فساد باشد آنرا ترک گفته ای .

حضرت صادق ﷺ فرمود : هر کس در خلوت وسائل گناه برایش

ابن محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ من خلا لذنب فرابق الله تعالى ذكره فيه، واستحى من الحفظه
غفر الله عزّ وجلّ له جميع ذنوبه و إن كانت مثل ذنوب الثقلين .

کلمه لامير المؤمنين عليه السلام

روى العباس بن بكار الضبي قال : حدثنا عمرو بن خالد ، عن زيد
ابن عليّ عن أبيه عليّ بن الحسين عن أبيه الحسين بن عليّ ، عن أبيه أمير -
المؤمنين عليّ بن أبي طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ قال : من مات يوم الخميس بعد زوال الشمس
إلى يوم الجمعة وقت الزوال و كان مؤمناً أعاده الله عزّ وجلّ من ضغطة
القبر وقبل شفاعته في مثل ربيعة ومضر .

و من مات يوم السبت من المؤمنين لم يجمع الله بينه وبين اليهود

فراهم باشد ، و او از ترس خداوند مرتکب فساد نگردد و از فرشتگان
حافظ انسان شرم کند ، پروردگار همه گناهان او را میامرزد اگر چه به
اندازه گناهان انس و جن باشد .

سخنان امير المؤمنين عليه السلام

امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرش امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ روايت ميكند كه
آن حضرت فرمود : هر كس بعد از ظهر روز پنجشنبه تا زوال روز جمعه
فوت كند و مؤمن باشد خداوند او را از فشار قبر حفظ ميكند و شفاعت او
را در جماعت زيادى مانند قبيله ربيعه و مضر ميپذيرد .

هر مؤمنى كه روزشنبه در گذرد خداوند او را با يهود در دوزخ
جاي نميدهد ، و هر كس روز دوشنبه فوت كند خداوند او را بانصارى در
دوزخ جمع نميكند ، و هر كس روز سه شنبه بميرد و مؤمن باشد خداوند

في النار أبداً ومن مات يوم الاثنين من المؤمنين لم يجمع الله عز وجل بينه
و بين النصارى في النار أبداً ، ومن مات يوم الثلاثاء من المؤمنين حشره الله
عز وجل معنا في الرفيق الأعلى ، ومن مات يوم الأربعاء من المؤمنين
وقاه الله تعالى يوم القيامة وأسعده بمجاورته وأحلّه دارالمقامة من فضله ،
لايمسته فيها نصب ولايمسته فيها لغوب .

ثم قال عليه السلام: المؤمن على أيّ الحالات مات و في أيّ يوم و ساعة
قبض فهو صدّيق شهيد، ولقد سمعت جيبى رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: لو أنّ
المؤمن خرج من الدنيا وعليه مثل ذنوب أهل الارض لكان الموت كفارة
لتلك الذنوب .

ثم قال عليه السلام: من قال لا إله إلا الله باخلاص فهو برىء ، من الشرك
ومن خرج من الدنيا لا يشرك بالله شيئاً دخل الجنة، ثم تلا هذه الآية «إِنْ

او را با مادر مقام بلندی محشور خواهد کرد و هر کسی روز چهارشنبه
فوت کند خداوند او را روز قیامت نگهداری میکند و او را در جوار
رحمت خود خوشبخت میگرداند، و در مقام قرب و فضیلت خود جای میدهد،
و از همه مشکلات و نا مایمات مصون میماند .

سپس فرمود : در هر حال و هر ساعت و روزی که مؤمن از دنیا برود
در زمره شهیدان و صدیقان مرده است از دوست خود رسول خدا صلى الله عليه وآله
شنیدم فرمود : اگر مؤمن از دنیا بیرون برود و گناهان مردم روی زمین
را داشته باشد ، همان مردن کفاره گناهان او میگردد .

حضرت فرمود : هر کس از روی اخلاص کلمه توحید بر زبان
جاری کند از شرك بیزاری جسته است ، و هر آن کس که از دنیا برود و

الله لا يغفر أن يشرك به و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء» من شيعتك و محبيك يا عليّ .

قال أمير المؤمنين عليه السلام: فقلت: يا رسول الله هذا لشيعتي قال: إي و ربي إنه لشيعتك، وإنهم ليخرجون يوم القيمة من قبورهم و هم يقولون لا إله إلا الله محمد رسول الله عليّ بن أبي طالب حجة الله، فيؤتون بحلل خضر من الجنة و أكاليل من الجنة و نجائب من الجنة فيلبس كل واحد منهم حلة خضراء و يوضع علي رأسه تاج الملك في إكليل الكرامة ثم یركبون النجائب فتطير بهم إلى الجنة لا يحزنهم الفزع الأكبر و تتلقاهم الملائكة هذا يومكم الذي كنتم توعدون .

شرك نداشته باشد داخل بهشت میشود و بعد این آیه شریفه را قرائت فرمود: که خداوند از مشرکین چشم پوشی نمیکند ولیکن از بقیه گناهان درمیگذرد، اینان شیعیان و دوستان توهستند .

امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: عرض کردم: یا رسول الله این برای شیعیان منست، فرمود: آری به خدایم سوگند، شیعیان تو روز قیامت هنگامیکه از قبرها سر بر آورند میگویند: لا اله الا الله، محمدرسول الله، علی بن ابی طالب حجة الله، در این هنگام جامه های سبزی از بهشت و تاج هایی با اسبها برای آنان میآورند، و آنها جامه ها را پوشیده و تاجها را بر سر گذاشته بر اسبها سوار میشوند و در بهشت پرواز میکنند، و از هول بزرگ روز قیامت اندوهگین نمیشوند، و فرشتگان با آنها برخورد و میگویند: این همان روزی است که شما را وعده داده اند .

مواعظ و نوادر للامام الصادق عليه السلام

وسئل الصادق عليه السلام: ما حدّ حسن الخلق؟ قال تلين جانبك و تطيب كلامك وتلقا أخاك ببشر حسن .

و سئل عليه السلام ما حدّ السخاء؟ قال : تخرج من مالك الحقّ الذي أوجبه الله عزّ و جلّ عليك فتضعه في موضعه ، و روى يعقوب بن يزيد عن أحمد بن الحسن الميثمي، عن الحسين بن أبي حمزه قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أنفق وأيقن بالخلف ، و اعلم أنّه من لم ينفق في طاعة ابتلى بأن ينفق

مواعظ حضرت صادق عليه السلام

از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدند: حد حسن خلق چیست؟ فرمود: توجه کامل و نرمش، و سخن بالطف و محبت و با چهره گشاده رو برو شدن، پرسیده شد: تعریف سخا چیست؟ فرمود: حقی را که خداوند در مال تو قرار داده بیرون کنی و آن را در محلش صرف نمایی .

حضرت صادق عليه السلام فرمود: انفاق کن و یقین داشته باش که در آینده به تو خواهد رسید، و بدان اگر در اطاعت خداوند انفاق نکنی مجبور خواهی شد که در معصیت پروردگار خرج نمایی، و هر کس در بر آوردن حاجات دوستان خدا قدم بر ندارد کارش بجائی خواهد رسید که در راه دشمنان خدا گام بردارد .

امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: از فضل بن عباس روایت شده که استری از طرف کسری و یا قیصر به حضرت رسول صلى الله عليه وآله هدیه شد، روزی حضرت بر استر سوار شد و مراهم با خود سوار کرد، بعد از آن فرمود:

فی معصیة الله عزّ وجلّ: و من لم یمش فی حاجة ولی الله ابتلی بأن یمشی
فی حاجة عدوّ الله عزّ وجلّ.

و روى أحمد بن إسحاق بن سعد، عن سعید عن عبد الله بن میمون عن
الصادق عليه السلام قال: قال الفضل بن عباس: أهدى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله بغلة
أهدا هاله كسرى أو قيصر فركبها النسي صلى الله عليه وآله بجلّ من شعر فأردفني
خلفه، ثمّ قال لى يا غلام احفظ الله يحفظك ، و احفظ الله تجده أمامك ،
تعرف إلى الله عزّ وجلّ يعرفك في الشدة إذا سألت فاسئله الله وإذا استعنت
فاستعن بالله عزّ وجلّ ، فقد مضى القلم بما هو كائن فلو جهد الناس أن
ينفعوك بأمر لم يكتبه الله لك لم يقدر واعليه ولو جهدوا أن يضرّوك ،
بأمر لم يكتبه الله عليك لم يقدر واعليه فإن استطعت أن تعمل بالصبر

ای جوان خداوند را در نظر بیاور تا خداوند هم تو را حفظ کند ، حدود
خداوند را نگهدار تا پروردگارتا در برابر خود مشاهده کنی .

با خداوند شناسائی داشته باش ، تا خداوند هم در سائنات تو را حفظ
کند ، هر گاه خواستی چیزی بخواهی از خداوند بخواه و هر گاه خواستی
از کسی یاری جوئی از خداوند استعانت بجوی، آنچه سر نوشت تو بوده
بقلم تقدیر گذشته ، و اگر مردم کوشش کنند بتو نفعی برسانند در صورتیکه
برایت مقرر نشده باشد از کوشش خود نتیجه نخواهند گرفت .

و اگر کوشش کنند به توزیانی برسانند، در صورتیکه خداوند برای
تو مقدر نکرده باشد زیان آنها بتو نخواهد رسید، اگر قدرت داری که
بایقین به عواقب امور صبر کنی این عمل را انجام ده ، و اگر توانائی نداشته

مع اليقين فافعل فافعل ، فإن لم تستطع فاصبر فإن الصبر على ما تكره خيراً كثيراً واعلم ان الصبر مع النصر وأن مع العسر يسراً و أن الفرج مع الكرب .

کلمات ثمینه لرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

روی محمد بن علی الکوفی ، عن إسماعیل بن حران ، عن رزام ، عن جابر بن یزید عن جابر بن عبدالله الانصاری قال قال رسول الله ﷺ : إذا وقع الولد في جوف بطن أمه صار وجهه قبل ظهر أمه إن كان ذكراً و إن كانت انثى صار وجهها قبل بطن أمها و يدها على وجنتيه و ذقنه على ركبتيه كهيات الحزين المهموم فهو كالمصرور ينوط بمعاء من سرته إلى

باشی بازهم شکیبیا باش که شکیبائی درمکروهات خیر زیادی دارد ، و بدان که صبر پیاپایش موفقیت است ، و باهر مشکلی آسانی هست ، و هر سختی آسایشی بدنبال دارد .

سخنانی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

جابر بن عبدالله انصاری گوید : حضرت رسول ﷺ فرمود: هر گاه بچه در شکم مادر پدید آمد اگر صورت بچه بطرف پشت مادرش باشد آن بچه پسر است ، و اگر بطرف شکم مادرش باشد دختر است ، دست های جنین بر چهره نهاده شده و چانه اش روی زانو ها قرار گرفته و مانند فردی مهموم و غمگین است ، بچه با يك روده بر روده مادر ارتباط دارد و از همان روده از غذای مادر تغذیه میکند .

اینست وضع زندگی کودک تا آن گاه که وقت معین فرارسد ، در این

سرة امه فبتلك السرّة يغتذي من طعام امه و شرابها إلى الوقت المقدّر
لولادته فيبعث الله عزّ وجلّ ملكاً يكتب على جبهته شقي أو سعيد مؤمن
أو كافر غني أو فقير و يكتب أجله و رزقه و سقمه و صحته فاذا انقطع
الرزق المقدر له من سرّة امّة زجره الملك زجرة فانقلب جزءاً من
الزّجرة و صار رأسه قبل المخرج .

فاذا وقع إلى الأرض وقع إلى هول عظيم و عذابٍ أليم إن أصابته
ريحٌ او مشقهٌ أو مسته يدُوجد لذلك من الألم ما وجده المسلوخ عنه
جلده يجوع فلا يقدر على الاستطعام و يعطش فلا يقدر على الاستغائة
فيوكل الله تبارك و تعالی برحمته و الشفقة عليه و المحبة له امه فتقيه

هنكام خداوند فرشته‌ای را میفرستد و او در پیشانی کودک آینه او را
مینویسد و مقدرات و سر نوشت او را تعیین میکند، تمام حالات او را از کفر
ایمان، فقر، غنی، صحت و بیماری را برای او معین مینماید، و هر گاه روزی
او از شکم مادر منقطع شد آن فرشته کودک را از شکم مادر بیرون میکند،
و از شدت فشاریکه به کودک میرسد درهنكام تولدگریه میکند و ناله سر
میدهد و سرش زودتر از سایر اعضا از رحم مادر بیرون میگردد .

هنكامیکه کودک از رحم مادر بیرون افتاد ناگهان از شدت
درد و ترس که بر او مستولی میشود، فریاد بر میآورد، در این هنگام اگر
دستی او را مس کنند و یا بادی بر بدن او بوزد چنان از درد به خود
می پیچد مانند حیوانی که پوستش را زنده بکنند .

در این هنگام کودک گرسنه میشود ولیکن قدرت ندارد طلب طعام

الحرّ و البرد بنفسها و تكاد تغذيه بروحها و تصبر من التعطّف عليه بحال لا تبالي أن يجوع إذا شبع و تعطّش إذا روى و تعرّى إذا كسى .
و جعل الله تعالى ذكره رزقه في ثدي امّته في إحديهما شرا به و في الاخرى طعامه و حتّى إذا وضع آتاه الله عزّ و جلّ في كلّ يوم بما قدر فيه من رزق فاذا أدرك الأهل و المال و الشرّ و الحرص ثم هو معذلك بمعرض الآفات و العاهات و البليّات من كلّ وجه و الملائكة تهديه و ترشده و الشياطين تضلّه و تغويه فهو هالك الاّ أن ينجيه الله عزّ و جلّ .
و قد ذكر الله تبارك و تعالى ذكره نسبة الاّ انسان في محكم كتابه

و غذا کنند، و تشنه میگردد و لیکن توانائی ندارد آب طلب نماید، خداوند محبت کودک را در دل مادر انداخته و مادر او را از سردی و گرمی حفظ میکند و جانش را در راه کودک فدا میکند، مادر دوست دارد خود گرسنه و تشنه و برهنه بماند و لیکن بچه اش را سیر و پوشیده نگهدارد .

خداوند متعال روزی کودک را در پستان مادر قرار داده ، در پیک پستان غذا و دردیگری آب و خداوند از روزیکه مادر بچه را بر زمین گذاشت برای او روزی مقرر فرموده است ، هر گاه به سن رشد رسید از زندگی و ثروت و حرص مطلع میگردد .

با همه اینها انسان همواره در معرض هلاکت و آفت است، و ناخوشیها و گرفتاریها از هر طرف باوروی میاورند فرشتگان او را بطرف خداوند هدایت و ارشاد میکنند، و شیطانها از طرف دیگر او را گمراه میکنند و از راه دور میسازند و او در معرض هلاکت است مگر اینکه خداوند او را نجات دهد .

فقال الله عزّ و جلّ: « ولقد خلقنا الإنسان من سلاله من طين ثمّ جعلنا نطفة في قرار مكين ثمّ خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاما فكسونا العظام لحماً ثمّ انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله أحسن الخالقين ثمّ انكم بعد ذلك لميئتون ثمّ إنكم يوم القيمة تبعثون » .

قال جابر بن عبد الله الانصاري: فقلت يا رسول الله هذا حالنا فكيف حالك و حال الأوصياء بعدك في الولادة؟ فسكت رسول الله ﷺ ثمّ قال يا جابر لقد سألت عن امر جسيم لا يحتمله إلاّ ذو حظّ عظيم إن الأنبياء و الأوصياء مخلوقون من نور عظمة الله جلّ ثناؤه يودّع الله أنوارهم أصلاباً طيبة و أرحاماً طاهرة يحفظها بملائكته و يزينها بحكمته و يغفروها

خداوند متعال در قرآن کریم انسان را معرفی کرده و فرموده است: ما انسان را از خلاصه از گل آفریدیم ، و سپس او را بصورت نطفه ای در جای استواری قرار دادیم ، بعد از این نطفه را بصورت علقه و علقه را بصورت مضغه و مضغه را بصورت استخوان در آوردیم ، و بر استخوانها گوشت رویانیدیم و استخوانها را در گوشت پوشانیدیم ، و بعد بصورت خلقی دیگر بیرون آوردیم ، و بزرگوار است آن خداوندی که بهترین آفرینندگان است ، بعد از این ای انسانها شما خواهید مرد و سپس روز قیامت زنده میگردید .

جابر گوید : عرض کردم یا رسول الله این است حال ما ، پس چگونه است حال تو و اوصیاء تو و شما چگونه متولد میشوید؟ حضرت رسول در پاسخ جابر سکوت کرد و بعد فرمود : ای جابر از يك مسئله بزرگی پرسش کردی ، و پاسخ این پرسش را فقط افرادی که بهره بزرگی

بعلمه، فأمرهم بجلّ عن أن يوصف و أحوالهم يدقّ عن أن يعلم لأنّهم
نجوم الله في أرضه و أعلامه في بريّته و خلفائه على عباده و أنواره في
بلاده و حججه في خلقه يا جابر هذا من مكنون العلم و مخزونه فاكتمه
إلاّ من أهله .

و روى المفضل بن عمر عن ثابت الثمالي عن حبابة الوالبيّة رضي-
الله عنها قالت سمعت مولاى أمير المؤمنين عليه السلام يقول: إنا أهل بيت لا نشرب
المسكر و لا نأكل الجرجرى و لا نمسح على الخفين فمن كان من شيعتنا
فليقتد بنا و ليستنّ بسنتنا .

دارند درك میکنند .

پیامبران و اوصیاء از نور با عظمت خداوند آفریده شده‌اند ،
خداوند نور آنها را در اصلاّب پاک و ارحام پاکیزه به ودیعه میگذارد ،
بوسیله فرشتگانش آن انوار را حفظ میکند ، و با علم و حکمتش آنها
را نیرو میدهد ، حالات آنها از تعریف و تمجید بیرون است و برای
افراد عادى قابل درك نیست ، آنان ستارگان خدا در زمین و اعلام هدایت
در میان مردم و جانشینان خداوند در شهرها هستند و حجت‌های پروردگار
محسوب میگردند ، ای جابر این از اسرار علوم است و این راز را
نگهدار .

امیر المؤمنین عليه السلام فرمود : ما اهل بیتی هستیم که مسکر
نمی‌نوشیم ، و جری (که نوعی از ماهیان است) نمی‌خوریم و مسح بر
خفین را جایز نمیدانیم و هر کس از شیعیان ما هست باید به ما اقتداء
کند و بروش ما برود .

کلمات و حکم للامام الصادق عليه السلام

روی حماد بن عثمان عن الصادق عليه السلام قال في حكمة آل داود :
ينبغي للعاقل أن يكون مقبلا على شأنه حافظاً للسان عارفاً لأهل زمانه .
و روی صفوان بن يحيى و محمد بن أبي عمير عن موسى بن بكر عن
زرارة عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : الصنعة لا يكون صنعة إلا عند
ذي حسب أو دين ، الصلوة قربان كل تقي ، الحج جهاد كل ضعيف ، لكل
شيء زكوة و زكوة الجسد الصيام ، جهاد المرأة حسن التبعل استنز لو الرزق
بالصدقة ، من أيقن بالخلف جاد بالعطية ، إن الله تبارك و تعالی ينزل

سخنان حضرت صادق عليه السلام

حضرت صادق عليه السلام فرمود : در حکمت آل داود عليه السلام آمده که :
سزاوار است مرد عاقل به خود مشغول باشد ، و زبان خود را نگهدارد ،
و مردمان زمانش را بشناسد .

و نیز حضرت صادق سلام الله عليه فرمود : احسان و نیکی باید
در باره افراد با فضیلت انجام بگیرد تا قدر و قیمت احسان معلوم شود ،
نماز موجب تقرب هر پرهیزکاری است که بخواهد خود را به خداوند
تزدیک کند ، حج جهاد مردان ضعیف است ، هر چیزی زکواتی دارد
و زکوة بدن روزه داشتن است ، جهاد زن در شوهر داری اوست ، روزی
خود را با دادن صدقه فرود آورید .

هر کس یقین به آخرت داشته باشد بذل و بخشش میکند ،
خداوند وسائل زندگی را به اندازه خرج میفرستد ، ثروت خود را با

المعونه على قدر المؤمنة ، حصنوا أموالكم بالزكوة ، التقدير نصف العيش، ما عا ل امرء إقتصد ، قلّة العيال أحد اليسارين ، الدّاعى بلا عمل كالرامي بلا وتر ، التوّدّد نصف العقل، اللهم نصف الهرم ، إن الله تبارك و تعالی ينزل الصبر على قدر المصيبة ، من ضرب يده على فخذه عند مصيبة حبط أجره، من أحزن والديه فقد عقهما .

و قال الصادق عليه السلام إن الله تبارك و تعالی قسم بينكم أخلاقكم كما قسم بينكم أرزاقكم .

دادن زکوة حفظ کنید ، تدبیر در زندگی نصف زندگی است ، افراد میانه رو هرگز فقیر نمیشوند ، کمی عیالات یکی از آسانیها است ، کسیکه مردم را بطرف خدا دعوت میکند و خود کار حق انجام نمیدهد مانند تیر اندازی است که زه نداشته باشد .

محبت و دوستی نصف عقل است ، غم و اندوه نصف پیری است ، خداوند متعال به اندازه مصیبت به انسان صبر میدهد ، هر کسی در هنگام رسیدن مصیبت و ناراحتی دست بر زانو بزند و اظهار جزع و فزع کند اجرش کاسته میگردد ، هر کسی پدر و مادرش را محزون کند آن ها را عاق کرده است .

حضرت صادق عليه السلام فرمود : خداوند اخلاق را بین شما قسمت کرده همان طور که :وزی را بین شما تقسیم فرموده است .

کلمة نافعة للامام امير المؤمنين عليه السلام

روي عن أبي جميلة المفضل بن صالح عن سعد بن طريف عن الأصمغ بن نباتة عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: هبط جبرئيل على آدم فقال: يا آدم إنني أمرت أن أخيرك واحدة من ثلاث فاختر واحدة ودع اثنتين فقال له: وما تلك الثلاث قال: العقل و الحياء و الدين، فقال آدم فإني قد اخترت العقل، فقال جبرئيل للحياء والدين: انصرفا و دعاه فقالا يا جبرئيل: إنا أمرنا أن نكون مع العقل حيث كان قال: فشفأنكما و عرج .

سخنی از امیر المؤمنین علیه السلام

امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: جبرئیل بر حضرت آدم عليه السلام فرود آمد و گفت: ای آدم خداوند تو را مخیر کرده که یکی از سه چیز را اختیار کنی و اینک یکی از آنها را برگزین و بقیه را رها کن، آدم گفت آن سه چیز که خداوند فرموده چیست؟ جبرئیل گفت: عقل، حياء، و دین آدم گفت: من عقل را پذیرفتم، جبرئیل به حياء و دین گفت: شما بروید، آن دو گفتند: ای جبرئیل ما مأموریت داریم هر جا عقل باشد با آن باشیم جبرئیل گفت: پس باشید و بعد به آسمان بالا رفت .

روایات عن الصادق علیه السلام

روی أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن إسماعیل عن عبد الله بن الولید عن أبي بصیر عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال أربع يذهبن ضياعاً، مودة تمنح من لا وفاء له، ومعرفة يوضع عند من لا يشكره، و علم عند من لا يستمع...^(۱) يودّع من لاحصانة له.

وقال الصادق عليه السلام: إن لله تبارك وتعالى بقاعاً تسمى المنتقمة فإذا أعطى الله عبداً مالا ولم يخرج حق الله عز وجل منه سلط الله عليه بقعة من تلك البقاع فاتلف ذلك المال فيها ثم مات وتركها.

روایاتی از حضرت صادق علیه السلام

امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: چهار چیز است که هدر میروند محبت و احسان درباره کسی که وفاء ندارد، کار نیکی که مورد سپاسگزاری قرار نگیرد، و تعلیم دانش به کسی که گوش نمیدهد.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: خداوند را بقعه هائی است که به آنها منتقمه میگویند، هر گاه خداوند به بنده ای مالی عطا کرد و او حق خداوند را نداد، پروردگار بقعه ای از آن بقاع را بر آن مال مسلط میکند و صاحب مال ثروت خود را در آن ساختمان خرج میکند و بعد از مدتی از جهان رخت می بندد و بقعه را برای دیگری ترک میگوید.

(۱) کذایب فی الاصل.

وقال الصادق عليه السلام : من لم يبال ما قال وما قيل فيه فهو شرك شيطان
و من لم يبال أن يراه الناس مسيئاً فهو شرك شيطان ، و من شغف بمحبة
الحرام و شهوة الزنا فهو شرك شيطان .

ثم قال عليه السلام : لولد الزنا علامات أحدها بغضنا أهل البيت و ثانیها
أنه يحسن إلى الحرام الذي خلق منه و ثالثها الاستخفاف بالدين و رابعها
سوء المحضر للناس و لا یسیء محضر إخوانه إلا من ولد علی غیر فراس
أبيه و من حملت به امه في حیضها .

و قال أمير المؤمنين عليه السلام : من رضي من الدنيا بما یجزیه كان أيسر
الذي فيها یكفيه ، و من لم یرض من الدنيا بما یجزیه لم یكن شیء

امام صادق عليه السلام فرمود : هر کسی باک نداشته باشد چه میگوید
و یا مردم درباره او چه میگویند ، و کسیکه باک ندارد مردم او را بد
کار مشاهده کنند ، و کسیکه با محبت حرام دلش خوشحال شده و به
شهوت زنا خو گرفته ، همه این افراد در دام شیطان قرار گرفته اند و از
او پیروی میکنند .

بعد از آن فرمود : برای ولد الزنا چند علامت هست که یکی
از آنها بغض ما اهل بیت است ، دوم آنکه او همواره میل دارد به حرام
زیرا که از حرام خلق شده است ، سوم دین را سبک می شمارد ، چهارم
در نزد مردم بد منظر است و کسی که در حضور دوستانش عمل بدی
انجام دهد او یا ولد الزنا است و یا مادرش در حال حیض حامله شده
است . امیرالمؤمنین سلام الله علیه فرمود : هر کس به اندازه کفایت

منها يكفيه .

و روى إسحاق بن عمار عن الصادق عليه السلام أنه قال: المعونة من السماء على قدر المؤمنة .

و روى الحسن بن فضال عن ميسر قال: قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : إن في ما نزل به الوحي من السماء لو أن لابن آدم واديين يسيلان ذهباً وفضة لا تبغى إليهما ثالثاً يا بن آدم إنما بطنك بحر من البحور وواد من الأودية لا يملأه شيء إلا التراب .

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله سباب المؤمن فسوق وقتاله كفر و أكل لحمه من معصية الله و حرمة ماله كحرمة دمه .

زندگی از دنیا قناعت کند اندکی از دنیا هم او را کفایت میکند، و هر کسی در دنیا قناعت نداشته باشد هیچ چیز او را کفایت نمیکنند .
حضرت صادق عليه السلام فرمود : کمک و مساعدت خداوندی به اندازه احتیاج است ، و نیز حضرت فرمود : به طریق وحی از آسمان آمده است که اگر برای فرزندان آدم دو رودخانه از طلا و نقره ج-ریان پیدا کند

ای فرزند آدم شکم تو دریائی است از دریاها و رودی از رودها
اورا جز خاک چیزی پر نمیکنند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند :
فحش و دشنام دادن به مؤمن موجب فسق میگردد ، و جنگیدن با او کفر است و غیبت او نافرمانی خداوند است ، و احترام مال او مانند خون اوست .

روایات عن الامام الرضا عليه السلام

و روی أحمد بن محمد بن سعید الکوفی ، قال حدثنا علی بن الحسن ابن فضال عن ابيه عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال: للامام علامات: أعلم الناس وأحكم الناس وأتقى الناس، وأحلم الناس، وأشجع الناس، وأسخى الناس، ويولد مختونا ويكون مطهر أو يرى من خلفه كما يرى من بين يديه، ولا يكون له ظلٌ وإذا وقع على راحتيه رافعا صوته بالشهادتين، ولا يحتلم وينام عينيه ولا ينام قلبه و يكون محدثا.

و يستوى عليه درع رسول الله صلى الله عليه وآله ولا يرى له بول ولا غائط لأن الله عز وجل قد وكل الأرض بابتلاع ما يخرج منه، و يكون

روایتی از حضرت رضا عليه السلام در صفات امام

حضرت رضا عليه السلام فرمود: برای امام چند علامت است: باید داناترین، استوارترین، پرهیزکارترین، بردبارترین، شجاعترین و سخاوتمندترین مردم باشد، باید ختنه کرده متولد شده و پاک و پاکیزه باشد، از دنبالش اشخاص را مشاهده کند همانطور که از جلو مردم را می بیند. امام باید سایه نداشته باشد، و هر گاه از شکم مادرش بر زمین افتاد روی دو کف دست قرار گیرد و با صدای بلند شهادتین بگوید، و محتلم نگردد، هنگامی که دیدگانش در خواب است باید دلش در خواب نباشد، و باید محدث باشد، وزره رسول خدا بر قامت او درست بیاید، بول و غایط او دیده نشود، و خداوند زمین را امر کرده است که بول

رائحته أطيب من رائحة المسك و يكون أولى بالناس من أنفسهم و أشفق عليهم من آبائهم و أمهاتهم و يكون أشدّ الناس تواضعاً لله جلّ ذكره و يكون آخذ الناس بما يأمر به و أكفّ الناس عما نهى عنه و يكون دعاؤه مستجاباً حتى أنه لو دعاه على صخرة لانشقت نصفين .

و يكون عنده صلاح رسول الله ﷺ و سيفه ذو الفقار و يكون عنده صحيفة فيها أسماء شيعته الى يوم القيامة و صحيفة فيها أسماء أعدائه الى يوم القيمة و يكون عنده الجامعة وهي صحيفة طولها سبعون ذراعاً فيها جميع ما يحتاج إليه ولد آدم و يكون عنده الجفر الأكبر و الأصغر إهاب ماعز و إهاب كبش فيها جميع العلوم حتى أرش الخدش و حتى

و غائط او را در خود فرو برد .

امام باید خوشبو باشد و بوی مشک از وی به مشام مردم برسد، از مردم به خودشان سزاوارتر باشد، و از پدر و مادر برای آنها مهر با تر باشد، و از همه مردم بیشتر در پیشگاه خداوند متواضع و فروتن باشد، و باید بیشتر از مردم به او امر و نواهی خداوند عمل کند، و دعایش مستجاب گردد، و بطوریکه اگر در باره يك سنگ بزرگ دعا کند آن سنگ از میان دو نصف گردد .

اسلحه جنگی حضرت رسول ﷺ در نزد او باشد، و کتابی که در آن نامهای شیعیان و دشمنان او تا روز قیامت در آن ثبت شده در دست او باشد، و جامه که طول آن هفتاد ذرع است و همه احتیاجات مردم در آن ثبت شده در دست او موجود باشد، و هم چنین جفر اکبر و اصغر

الجلدة ونصف الجلدة وثلاث الجلدة و يكون عنده مصحف فاطمة عليها السلام.
 و روى لنا عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النيشابورى بن قسيبة،
 عن الفضل بن شاذان قال سمعت الرضا عليه السلام يقول لما حمل رأس الحسين
عليه السلام إلى الشام أمر يزيد لعنه الله فوضع و نصب عليه مائدة فأقبل هو
 و أصحابه يأكلون و يشربون الفقّاع فلمّا فرغوا أمر بالراس فوضع في
 طشت تحت سريره و بسط عليه الشطرنج ، و جلس يزيد لعنه الله لعب
 بالشطرنج و يذكر الحسين و أباه و جدّه عليه السلام و يستهزئ بذكرهم .
 فمتى قمر صاحبه تناول الفقّاع فشربه ثلاث مرّات ثم صبّ
 فضلته على مايلي الطّشت من الأرض فمن كان من شيعتنا فليثورّ عن

که به اندازه پوست يك قوچ است و همه احکام فرعی در آن ثبت شده
 در دست امام باشد ، و اینکه مصحف حضرت فاطمه عليها السلام در نزد او باشد .
 فضل بن شاذان گوید : از حضرت رضا عليه السلام شنیدم میفرمود :
 هنگامیکه سر امام حسین عليه السلام بطرف شام برده شد ، يزيد که خداوند او را
 لعنت کند و از رحمت خود محروم سازد فرمان داد سر را در جایی نصب کردند
 و در آن جا بساط شراب و قمار پهن ساختند ، خود و یارانش نشستند
 و شراب نوشیدند ، پس از اینکه از شراب فارغ شدند سر را در طشتی
 قرار داده در زیر تخت خود گذاشت و روی تخت بساط شطرنج پهن کرد
 و مشغول شد ، و شروع کرد به استهزاء امام حسین و پدر و جدش عليه السلام .
 هر گاه به یکی از رفقاییش که مشغول قمار بود غالب میشد فوراً
 شراب را سر میکشید و سه جرعه از آن را میخورد و بقیه را در آن
 طشتی که سر امام حسین قرار داشت میریخت ، اینک شیعیان ما باید از

شرب الفقع واللب بالشرنج ومن نظر الى الفقع أو إلى الشرنج
فليذكر الحسين عليه السلام و ليلعن يزيداً و آل يزيد و آل زياد يمحوها الله
عز و جلّ بذلك ذنوبه ولو كانت تعدل النجوم .

وقال الرضا عليه السلام من أصبح معافى في بدنه مخلى في سربه وعنده
قوت يومه فكانما خيرت له الدنيا وقال عليه السلام: جبلت القلوب على حب من
أحسن إليها و بغض من أساء إليها .

رواية عن امير المؤمنين عليه السلام

روى سعد بن طريف عن الأصبع بن نباتة قال قال امير المؤمنين
عليه السلام: في بعض خطبه أيها الناس اسمعوا قولي و اعقلوه عنّي فانّ

آشامیدن فقع خود داری کنند و از بازی کردن شرنج خود داری
نمایند ، و هر کس نظرش بر فقع و یا شرنج افتاد باید به یاد امام
حسین باشد و یزید را لعنت کند و هم چنین خاندان او و زیاد را مورد
لعنت قرار دهد، خداوند در برابر این عمل گناهان او را میامرزد ،
حضرت رضا عليه السلام فرمود : هر کسیکه بدنش سالم باشد و راه
زندگیش باز و فراخ گردد ، و امور زندگی روزانه اش بگذرد ، تمام
خوبیهای دنیا برای او جمع شده است، و نیز فرمود: دلهای مردم بکسانی
محبت دارند که مورد نیکی قرار گرفته باشند و به کسانی بغض پیدا
میکنند که دلها را بر نجانند .

روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام

اصبع بن نباتة از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت کرده که آن حضرت
در یکی از خطبه هایش فرمود : ای مردم گفتار مرا بشنوید و خوب از

الفراق قریب أنا إمام البریة و وصی خیر الخلیقة و زوج سیدة نساء
 الامة ، و أبو العترة الطاهرة ، و الائمة الهادیة أنا أخو رسول الله ﷺ
 و وصیته و ولیته و وزیره و صاحبه و صفیته و حبیبه و خلیله أنا امیر المؤمنین
 و قائد الغر المحجلین و سیّد الوصیین حر بی حرب الله و سلمی سلم
 الله و طاعتی طاعة الله و ولایتی ولاية الله و شیعتی أولیاء الله و أنصاری
 أنصار الله ، والله الذی خلقنی ولم أک شیئاً لقد عام المستحفظون من آل
 محمد ﷺ ان الناکثین و الفاسطین و المارقین ملعونون علی لسان النبی
 الامی و قد خاب من افتری .

و قال امیر المؤمنین علیه السلام : قال رسول الله ﷺ : اللهم ارحم خلفائی
 قیل یا رسول الله و من خلفائك ؟ قال الذین یأتون من بعدی و یروون

من دریافت کنید ، جدائی بین ما و شما نزدیک است ، من امام مردم و
 وصی بهترین آفریده خدا ، و همسر سیده زنان ، و پدر خاندان طهارت
 و پیشوایان هدایت ، و برادر رسول خدا ، و وزیر ، و صاحب ، و دوست
 و برگزیده او هستم .

منم امیر مؤمنان و پیشوای سپید چهره گان ؛ و سید اوصیاء ، جنگیدن
 بامن جنگ با خداوند است ، و صلح بامن صلح با خداوند است ، و اطاعت از من
 اطاعت از خداوند است ، و دوستی بامن دوستی با خداوند است ، و شیعیان
 من دوستان خداوند هستند ؛ و یاوران من یاوران خداوند هستند ، سوگند
 به خدائی که مرا آفرید و چیزی نبودم ، نگهدارندگان اسرار از آل
 محمد ﷺ میدانند که ناکثین و فاسطین ، و مارقین مورد لعنت حضرت
 رسول اکرم ﷺ قرار گرفته اند ، و زیان کار است انکسی که دروغ

حدیثی و سنتی .

روایة عن رسول الله صلى الله عليه وآله

روى المعلى بن محمد البصرى ، عن ابن عباس قال قال النبي ﷺ :
إنَّ عليّاً وصيّي و خليفتي و زوجته فاطمة سيّدة نساء العالمين ابنتي
الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنة ولداي ، من و الاهم فقد و
الاني ، و من عا داهم فقد عا داني و من ناواهم فقد ناواني ، و من جفاهم
فقد جفاني و من برّهم فقد برّني وصل الله من وصلهم ، و قطع الله من
قطعهم ، و نصر من أعانهم و خذل من خذلهم ، اللهم من كان له من أنبياءك
و رسلك ثقلٌ و أهل بيت ، فعليّ و فاطمة و الحسن و الحسين أهل بيتي
و ثقلي فاذهب عنهم الرّجس و طهرهم تطهيراً .

برسول خدا به بندد ،

سخنان از حضرت رسول صلى الله عليه وآله

امير المؤمنين عليه السلام فرمود ؛ حضرت رسول صلى الله عليه وآله مي فرم و د :
خداوندا خلفای مرا بیا مرز ، گفته شد : یا رسول الله خلفای شما چه افرادی
هستند ؟ فرمود : کسانی که بعد از من بیایند و روش مرا باگفتارم برای
مردم باز گو کنند ؛

ابن عباس گوید : حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود : علی وصی و جانشین
من است ، و زوجه اش فاطمه دختر من است ، و فرزندانش حسن و حسین
دوسید جوانان بهشت فرزندان من هستند ، هر کس آنها را دوست داشته
باشد مرا دوست داشته و هر کس آنها را دشمن بدارد مرا دشمن داشته
است ، و هر کس آنها را اذیت کند مرا اذیت کرده است ، هر کس به

أهل جنتك وفضلك بحق محمد و أهل بيته الطيبين الطاهرين
خير خلقك صلواتك و سلامك عليه و عليهم أجمعين برحمتك يا أرحم
الرحمين و الحمد لله رب العالمين حق حمده .

قد وقع الفراغ من هذه النسخة الشريفة المسماة بالآلي الغوالي^(١)
من تصنيف الشيخ الأجل ، و الأورع العادل ، وجه الطائفة ، الأجل ،
ثقة الأئمة ، ورأس المحدثين ، المتولد بدعاء المعصوم ، الفائق بالعلوم
مولانا محمد بن بابويه القمي - رحمه الله - يوم الست ، الأوّل من الربيع
الأوّل سنة الخامس و الثلاثين من المائة الثالثة من الألف الثاني من
الهجرة النبوية صلى الله على من هاجر ، وآله الطيبين الطاهرين وسلم
تسليماً كثيراً ، وأنا عبده الجاني فدا عليّ . بن السيد عليّ الموسوي
النيسابوري الكهنوي الدهلوي .

آنها نیکی کند به من نیکی کرده است ، خداوند به دوستان آنها کمک
کرده و دشمنان آنها را مخدول میکند .

خداوند اهریک از پیغمبرانت دارای اهل بیت و گوهران گرانبهای
بودند ، و اینک علی و فاطمه و حسن و حسین گوهران بی همتای م-ن
هستند نواقص و نقائص بشری را از آنها دورکن و آنها را پاک و پاکیزه
قرار بده .

(١) در باره نام کتاب به مقدمه مراجعه شود .

استدراك

در صفحه ۱۱ کلمه «نمام» که بمعنی سخن چین است از قلم افتاده است
صفحه ۱۴ مقصود از جمله «والنظر إلى فروج النساء» نگاه کردن
مرد در عورت زن خود میباشد .

صفحه ۶۰ قال: من أحلم الناس، قال: الذي لا يغضب، گفت با حلم ترین
مردم کیست فرمود: آن کسی که به خشم نیاید .

صفحه ۶۲ قال: فأى الناس أصدق، قال من صدق في المواطن،
گفت: راستگوترین مردم کیست؟ فرمود: کسیکه در میدان جنگ راست
بگوید و شکیبا باشد .

صفحه ۱۷ والزین هو الذي يدافع البول والغائط، یعنی یکی از
کسانیکه نماز او پذیرفته نیست، شخصی است که بول و غائط خود را بسختی
نگاه دارد و نماز بخواند .

صفحه ۱۷ و تارك الوضوء، یعنی بدون وضوء و طهارت نماز
بگذارد .

صفحه ۱۹ توشه خود یعنی غذای خود را به تنهایی بخورد .
صفحه ۲۱ روز و شب در اجتماعات، یعنی روز و شب در نماز جماعت
شرکت کند .

صفحه ۲۲ لارضاع بعد فطام ولا يتم بعد احتلام، یعنی پس از باز

گرفتن کودک از شیر «رضاع» حرمتی نمیآورد ، و بعد از آنکه کودک محتمل شد یتیمیش تمام میگردد.

صفحه ۲۸ «کراع» یعنی پاچه گوسفند .

صفحه ۳۴ ذات الجیش ، یعنی لشکرگاه .

صفحه ۳۵ ولا یمین لولد مع والده ، ولا لامرأة مع زوجها ، ولا لعبد مع مولاه .

ترجمه درست این است که فرزند بدون اجازه پدر ، وزن بدون اجازه شوهر ، و غلام بدون اجازه مولایش نمیتوانند نذری منعقد کنند .
صفحه ۴۰ عفت بدون پرهیزگاری ، که دانش بدون پرهیزگاری درست است .

صفحه ۴۴ آنها را عاق کرده است ، یعنی پدر و مادر را آزرده است .

صفحه ۱۱۱ واجعل قلبك قريبا تزاوله ، یعنی دل خود را دوست خود فرض کن و از آن معالجه خود را بخواه ، و در کار دین و دنیا از او مشورت بجو .

در صفحه ۱۲۸ لوأن لابن آدم وادین یسیلان ذهباً وفضة لا بتغی إلیهما ثالثا .

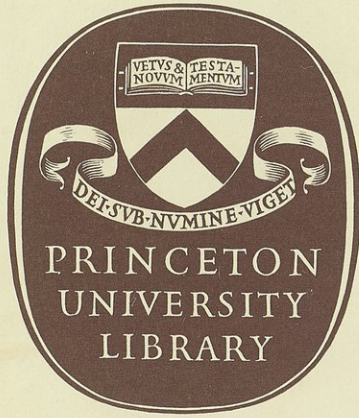
یعنی اگر برای فرزند آدم دو رود از طلا و نقره جریان داشته باشد باز آدمی انتظار دارد محل سومی هم برای خود در نظر بگیرد ، مقصود این است که آدمی هرگز سیر نمیشود .

«فهرست مندرجات»

ج	اهداء کتاب
د	مقدمه مترجم
د	مسلمانان ایرانی در هندوستان
و	پادشاهان نیشابوری در اود
ز	میر حامد حسین مؤلف عبققات الانوار
ط	مسافرت مترجم به هندوستان
ط	کتابی ناشناخته از صدوق
ی	مختصری از حالات صدوق
یا	مسافرت صدوق به بغداد
یا	اقامت صدوق در شهر ری
یب	سرپرستی شیعیان خراسان
یج	وفات شیخ صدوق
یه	کتابخانه حجتیه قم
یو	کلیشه وقف نامه کتابخانه
۲	وصیت‌های حضرت رسول ﷺ
۵۰	مواعظ حضرت رسول ﷺ
۵۵	شیخی از اهل شام در خدمت امیرالمؤمنین <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۵۸	حدیث زیدبن صوحان با امیرالمؤمنین <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>
۶۵	وصیت امیرالمؤمنین به محمد بن حنفیه

« فهرست مندرجات »

۸۰	موعظ حضرت صادق <small>علیه السلام</small>
۸۸	وصیت های حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>
۹۴	وصیت های حضرت صادق <small>علیه السلام</small>
۱۰۱	وصیت های حضرت باقر <small>علیه السلام</small>
۱۰۵	موعظه امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۱۰۶	موعظه حضرت امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۱۰۷	سخنی از حضرت کاظم <small>علیه السلام</small>
۱۰۸	کلام حضرت صادق <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	کلام حضرت رضا <small>علیه السلام</small>
۱۱۰	کلام حضرت صادق <small>علیه السلام</small>
۱۱۲	کلام حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۱۳	موعظه حضرت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۱۶	موعظ حضرت صادق <small>علیه السلام</small>
۱۱۸	کلمات حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۲۳	کلمات حضرت صادق <small>علیه السلام</small>
۱۲۵	موعظه حضرت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۲۶	موعظ حضرت صادق <small>علیه السلام</small>
۱۲۹	حدیثی از حضرت رضا <small>علیه السلام</small>
۱۳۲	روایتی از امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۳۴	سخنانی از حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>



PRINCETON
UNIVERSITY
LIBRARY

